

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ اسلامی

و

تعلیمات دینی

چهارم دبستان

اولیا محترم ، دانش آموزان گرامی
این کتاب ، برای رعایت صرفه و جو و جلوگیری از هدر
به صورت امانت در اختیار شما قرار می گیرد . لطفاً آن را
دقت بخدا رکشی کنید و در پایان سال تحصیلی به مدرسه تحویل دهید

تألیف: ابراهیم امینی، سیدعلی اکبر موسوی حسینی
با همکاری: جمعی از دانشمندان

نقاشی از: منوچهر درفشه، اکبر چابک

صفحه آرایي از: ناهید فاریان

طرح جلد از: قاسم درودگر

چاپ شرکت افست «سهامی عام»

حق چاپ محفوظ است

به نام خدا

آموزگار و مربی متعهد و گرامی!

درود بر شما که شغل انسان‌ساز و افتخارآفرین و ارزشمندی دارید.

خدا را سپاس که به لطف و یاری او و به رهبری مرجع بزرگ امام خمینی و به همت امت مسلمان، انقلاب اسلامی ما به ثمر رسید و در پی آن انقلاب فرهنگی آغاز شد و پیام امام در رسید که «تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است» و اینک برای تحقق هرچه بیشتر انقلاب فرهنگی و پیام امام، لازم است به طور فشرده نکات زیر را یادآور شویم:

۱ - هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش‌آموزان عزیز نیست. هدف فقط این نیست که درسها را خوب بخوانند و خوب پاسخ دهند. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگانی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی‌وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید صحیح دینی با ذائقه در آمیزد و از عمق جانشان بجوشد. به طوری که از دستبرد شیطان صفتان در امان بمانند. هدف این نبوده که فقط اخلاق و رفتار نیک را از بد بشناسند و خوب پاسخ دهند؛ بلکه هدف اصلی این بوده که اخلاق نیک در باطن وجودشان نفوذ کند و با صفات شایسته انسانی پرورش یابند.

هدف این بوده که از کودکان امروز، مردان و زنان شایسته و متعهد و درستکار و خیرخواه و مهربان و بلند همت و دانشمند و خدادوست آینده را بسازیم، تا با دلی لبریز از ایمان به پاخیزند و آیین حیاتبخش اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان گسترش دهند. کشور بزرگ اسلام را آباد سازند. به یاری ستمدیدگان بشتابند و با مستکبران مبارزه کنند و به خلقهای محروم و مستضعف جهان تحرک بخشند.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها، نمی‌تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا از همان آغاز تمام امیدمان به شما مربیان، آموزگاران متعهد و وظیفه‌شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکنان می‌توانید این امانتهای گرانمایه الهی یعنی کودکان را، به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هرچه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می‌توانید به پاس خون هزاران شهید و جانباز، برای رضای خدا به پاخیزید و اعتقادات گرانقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امروز شایسته‌ترین، دلیرترین و درستکارترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

آری چنین مسئولیت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امت به پا خاسته ایران و ارواح پاک هزاران

شهید از شما چنین انتظاری دارند و اگر کسی در این باره کوچکترین کوتاهی روا دارد — که هرگز روا نمی‌دارد — در پیشگاه خدا و بندگان او مسئول خواهد بود.

۲ — دانش‌آموزان را به خواندن و باز خواندن درسها و خوب نوشتن آنها تشویق کنید. سعی کنید دانش‌آموزان مطالب را خوب بفهمند و در عمق جانشان نفوذ کند. آنان را تشویق کنید تا درسها را با یکدیگر مباحثه کنند و از همدیگر پرسند و پاسخ دهند.

۳ — به هنگام تدریس تنها شما متکلم نباشید بلکه علاوه بر این که با بیانات و توضیحات شیرین و صریح خود مطالب را به خوبی روشن می‌کنید، دانش‌آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه‌گیری به کمک بخواهید و مخصوصاً نتیجه‌گیری را بر عهده خود دانش‌آموزان بگذارید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و با نهاد پاک آفریده شده‌اند، شما فطرتشان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

۴ — شما در نظر دانش‌آموزان و اولیای آنان از موقعیت ویژه‌ای برخوردارید. دانش‌آموزان شما را انسان برتر و شخصیت ممتاز می‌شمارند پیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شما می‌نگرند، از شما تقلید می‌کنند و درس زندگی می‌گیرند. شما با اخلاق و رفتارتان برای آنان الگوی کمال و انسانیت باشید. با کردار و گفتارشان به آنان درس مهربانی، خیرخواهی، گذشت، انضباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه‌شناسی، کار و کوشش و همدردی بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجه کنید که کودکان، دانا و باهوشند و به کردار شما بیش از گفتارشان توجه دارند و به همین جهت شما مسئولیت بسیار بزرگی بر عهده دارید.

۵ — در تهیه این کتابها از نوشته‌ها و راهنماییهای دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم، بدین وسیله یاریها و زحمات همه را قدر می‌نیمیم و به‌ویژه از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می‌نماییم و یادآوری می‌کنیم که پرونده تألیف و تکمیل این کتاب پیوسته مفتوح است و نظرات شما و اولیای گرامی دانش‌آموزان، ما را در این مهم یاری خواهد کرد. از شما صمیمانه درخواست می‌کنیم که نظرها و پیشنهادهای مفید خود را به «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش» ارسال دارید.

با سپاس و تشکر فراوان — خدا یار و رهنمای شما

آنچه در این کتاب می‌خوانید

صفحه	عنوان
	خدا سرچشمهٔ آفرینش
۱	۱- «خدا» سرچشمهٔ آفرینش
۷	آزمایش کنید و ببینید (۱)
۸	آزمایش کنید و ببینید (۲)
۹	آزمایش کنید و ببینید (۳)
۱۰	۲- آب نعمت زندگی ساز خدا
۱۲	آزمایش کنید و ببینید
۱۵	۳- درخت سبب «درس خداشناسی» می‌دهد
۲۰	۴- خدای دانا و توانا، خدای بخشنده و مهربان
	جهان آخرت هنگام جایزه و پاداش
۲۵	۵- مسابقه
۳۱	۶- جهان آخرت (اوّل «عالم برزخ»، بعد «قیامت»)
	پیامبران - رهبران و راهنمایان آگاه و معصوم انسانها
۳۳	۷- حضرت موسی، پیامبر خدا
۳۶	۸- عصای موسی، معجزهٔ پیامبری
۴۰	۹- پیامبر، راهنمای انسانها
۴۰	۱- راهنما باید چگونه باشد؟
۴۱	۲- پیام‌بر باید چگونه باشد؟
۴۳	۳- آگاهی و بینش، رمز بیزاری از گناه
۴۴	پیامبران راهنمایان آگاه و معصوم
۴۷	۱۰- حضرت محمد، در کاروان قریش
۵۲	۱۱- بعثت پیامبر گرامی اسلام
۵۶	۱۲- دعوت به ایمان و آزادگی
۵۹	۱۳- حضرت فاطمه بانوی نمونهٔ اسلام
۶۰	گردن‌بند بابرکت

صفحه	عنوان
	آشنایی با رفتار و اخلاق اسلامی
۶۴	۱۴- مسخره گر سخت کیفر می شود
۶۷	۱۵- با مادرم چگونه رفتار کنم؟
	امامت و رهبری
۷۰	۱۶- چه کسی می تواند جانشین پیغمبر شود؟
۷۲	۱۷- امام معصوم، جانشین پیامبر
۷۴	۱۸- عید بزرگ غدیر
۸۰	۱۹- شیعه و سنی
۸۳	۲۰- امامان دوازده نفرند
۸۴	امام پنجم حضرت امام محمد باقر، علیه السلام
۸۶	۲۱- امام در برابر ستمگر
۸۹	۲۲- امام ششم حضرت امام جعفر صادق، علیه السلام
۹۰	در تاریکی شب
۹۴	۲۳- امام هفتم حضرت امام موسی کاظم، علیه السلام
۹۵	آن مرد را چگونه تربیت کرد؟
۹۸	۲۴- امام هشتم حضرت امام رضا، علیه السلام
۹۹	از رفتار امام بیاموزیم
	آشنایی با احکام اسلامی
۱۰۲	۲۵- نامه و تبریک پدر
۱۰۴	۲۶- چیزهای ناپاک
۱۰۷	۲۷- نماز را گرامی بدارید
۱۰۸	چند مسأله از وضو و نماز
۱۱۱	۲۸- دو «سوره» از قرآن
۱۱۳	۲۹- روزه

به نام خدای بخشنده مهربان

درس اول

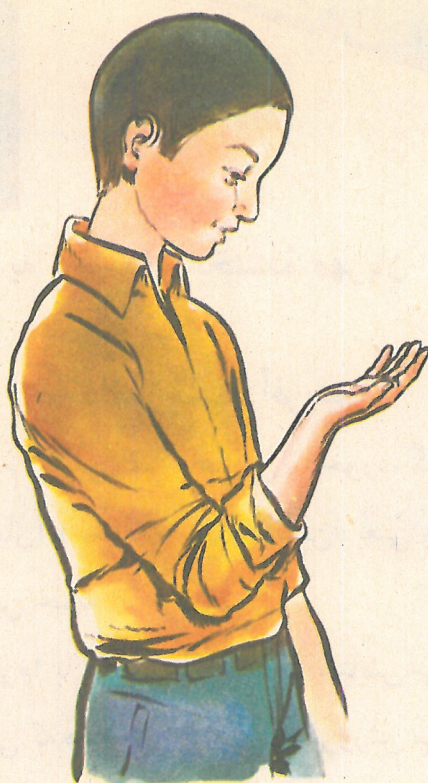
«خدا» سرچشمه آفرینش

هنگامی که پدرم آخرین لقمه ناهارش را خورد، گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» گفتیم: پدر جان! «الحمد لله رب العالمين» یعنی چه؟ چرا شما همیشه، بعد از غذا خوردن این جمله را می‌گویید؟

پدرم گفت: پسر! با این جمله، خدا را ستایش می‌کنیم و از نعمتهایش تشکر می‌نماییم؛ خدایی که همه چیز را آفریده و پرورش می‌دهد. همه این نعمتها را خدا به ما بخشیده است، وقتی ما از آنها استفاده می‌کنیم، باید از صاحب نعمتها تشکر کنیم.

احمد جان! نعمتهای خدا آن قدر زیاد است که نمی‌توانیم بشماریم. در همین غذا خوردن، فکر کن. بین خدا چه نعمتهایی به ما بخشیده است:

«با چشم، غذا را می‌بینیم؛ با دست، لقمه را برمی‌داریم، و در دهان می‌گذاریم و به وسیله لبها، دهان را می‌بندیم؛ و با زبان لقمه را در دهان می‌چرخانیم و با دندانها می‌جویم، و سپس فرو می‌بریم...»



اما همین کارها که به نظر ساده می آیند، بسیار دقیق و شگفت انگیز هستند.
مثلاً: به دست و انگشتهای خود نگاه کن، ببین چه قدر زیبا و مناسب آفریده
شده اند؛ انگشتهای، به میل خودت، باز و بسته می شوند و به هر شکلی که لازم
باشد، در می آیند؛ دست را به هر طرف که بخواهی می چرخانی؛ دست و انگشتان
می توانند احتیاجات ما را برآورند. آیا تا به حال فکر کرده ای که: اگر دست ما
این طور در اختیار ما نبود، چه می کردیم؟!



آفرینش دندانها نیز، بسیار جالب و دقیق است. در آینه نگاه کن.
دندانهایت را ببین. بعضی از دندانها تیزند و برای بریدن غذا به کار می‌روند؛
بعضی از دندانها برای پاره کردن غذا خوبند؛ اما بیشتر آنها، برای نرم کردن غذا
به کار می‌روند. اگر دندان نداشتیم چگونه غذا می‌خوردیم؟
اگر دندانها همه یک جور بودند، چگونه می‌توانستیم از انواع غذاها
بخوریم؟

پسرم! هیچ دربارهٔ بزاق فکر کرده‌ای؟ آیا فایده‌های بزاق را می‌دانی؟
بزاق برای هضم غذا لازم است، و به همین جهت، لقمه هر چه بیشتر جویده
شود، زودتر و بهتر هضم می‌گردد. به علاوه، آب دهان، لقمه را تر می‌کند تا
به آسانی از گلو فرو رود.

آب دهان از سه جفت غدهٔ کوچک، ترشح می‌شود، این غده‌ها را
«غده‌های بزاقی» می‌نامند.

راستی اگر دهان ما خشک بود، چه می‌کردیم؟
آیا می‌توانستیم غذا بخوریم؟! آیا می‌توانستیم لقمه را فرو ببریم؟
آیا می‌توانستیم حرف بزنیم؟!

بین، همین بزاق دهان، چه نعمت بزرگی است و غده‌های بزاقی، چه
کارهای مفید و مهمی را انجام می‌دهند!!

حالا پسرم! بگو بینم:
چه کسی به فکر ما بوده و می‌دانسته که دهان ما باید تر باشد؟
چه کسی به فکر ما بوده و می‌دانسته که بزاق، برای هضم غذا و سخن
گفتن، لازم است؛ و به همین منظور، غده‌های بزاقی را در دهان ما آفریده است؟
چه کسی به فکر ما بوده، و می‌دانسته که لب و دهان لازم داریم؟
چه کسی به فکر ما بوده، و می‌دانسته که دست و انگشتان ما باید این گونه
باشند؟

من که به سخنان پدرم خوب گوش می‌دادم در پاسخ گفتم: معلوم است که خدا به فکر ما بوده، او از احتیاجات ما خبر داشته و هر چه را لازم داشته‌ایم، آفریده است. پدرم گفت: آفرین پسرم! همین طور است که گفتم.

غده‌های بزاقی، خود به خود به وجود نیامده‌اند؛ لب و زبان و دندانها و انگشتها، خود به خود و بی حساب، پیدا نشده‌اند؛ این ارتباط و نظم و هماهنگی بهترین دلیل است که: آفرینش آنها از قدرت دانا و بی‌پایانی سرچشمه گرفته است.

آن قدرت دانا و آن سرچشمه آفرینش «خدا» است. پسرم! وقتی انسان، به بخششهای او می‌نگرد، بی‌اختیار، نام زیبا و نیکویش را می‌برد و او را ستایش می‌کند و از نعمتهایش سپاس می‌گوید.

احمد جان! «الحمد لله رب العالمین» یعنی: همه ستایشها مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.

احمد جان! شکر و سپاس حقیقی این است که: با زبان از نعمتهای خدا تشکر کنیم و آنها را در راه رضای او به کار ببریم، از دستورهایش پیروی کنیم و به یاری محرومان بشتاییم.



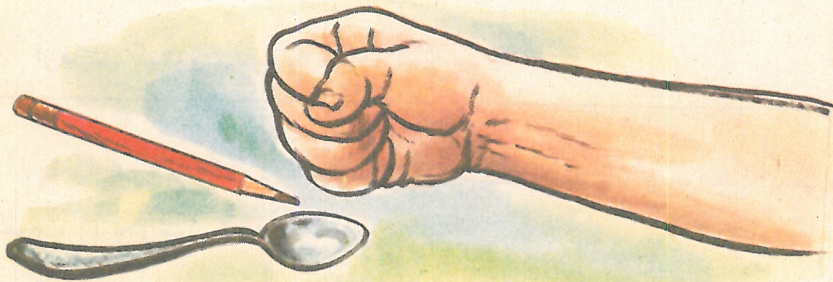
به فکر ما بوده = به ما عنایت و توجه داشته

- ۱ - پدر احمد بعد از صرف غذا، چه می گفت؟ با این جمله چه کسی را ستایش و از او تشکر می کرد؟
- ۲ - احمد بعد از شنیدن این جمله از پدرش چه پرسید؟
- ۳ - پدر احمد در پاسخ پرسش به شش نکته اشاره کرد، پنج نکته از آنها را بگویید.
- ۴ - وقتی پدر از احمد خواست که احمد در «چگونگی غذا خوردن فکر کند» به او چه گفت؟ (در توضیحش به شش عضو از اعضای که ما را در غذا خوردن کمک می کنند، اشاره کرد، آن شش عضو را به ترتیب بگویید که چه کمکی می کنند. از تفکر در هماهنگی این اعضا چه نتیجه ای می گیریم؟)
- ۵ - از تفکر در چگونگی آفرینش غده های بزاقی و فایده آنها چه می فهمیم؟ (سه فایده از فایده های اصلی غده های بزاقی را بگویید، آیا می فهمیم که قدرت دانا و توانایی به فکر ما بوده است و احتیاجات ما را پیش بینی کرده است؟ توضیح دهید چگونه؟)
- ۶ - سرچشمه آفرینش کیست؟ الحمدلله رب العالمین یعنی چه؟
- ۷ - کار و ارتباط و نظم و هماهنگی اعضای که ما را در غذا خوردن کمک می کنند توضیح دهید و بگویید این ارتباط و هماهنگی دلیل چه چیزی است؟
- ۸ - شکر و سپاس حقیقی چگونه است؟ در پاسخ چهار موردی را که پدر احمد تذکر داده بگویید.

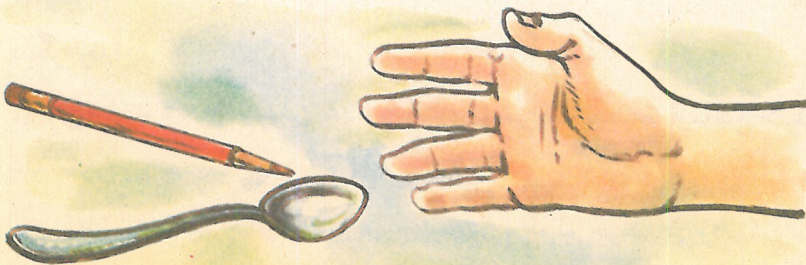
- ۱ - درس را یک مرتبه، بلند بخوانید.
- ۲ - درس را، برای دوستان خود تعریف کنید.



انگشتهايتان را ببنديد، مشت كنيد.
حالا، فقط با همين انگشتهاي بسته، با يك دست، مداد را برداريد و بنويسيد...
قاشق را برداريد، غذا بخوريد... آيا مي توانيد؟
اگر انگشت نداشتيم، چگونه مي توانستيم بنويسيم؟
چگونه مي توانستيم غذا بخوريم؟



اگر انگشتها به ميل ما باز و بسته نمي شدند، چه مي كرديم؟
حالا، انگشتها را باز كنيد و ديگر حركت ندهيد، با همين انگشتهاي باز مداد را
برداريد، نام خود را بنويسيد...



قاشق را بردارید، غذا بخورید... آیا می‌توانید؟
پس خدا دانا و مهربان است که انگشتها را در اختیار ما قرار داده است تا به میل
و اراده ما باز و بسته شوند.
چه کسی جز «خدای دانا و توانا» می‌تواند، انگشتهای به این خوبی را، برای ما
درست کند؟

آزمایش کنید و ببینید (۲):



لبها را بدون حرکت نگاه دارید. حالا، حرف بزنید؛ آیا می‌توانید؟ آیا می‌توانید
همه کلمات را بگویید؟

وقتی لبها را از هم باز می‌کنید، آیا می‌توانید غذا را بجوید؟

آیا غذا از دهان شما، بیرون نمی‌ریزد؟

با زبان، چه کارهایی را انجام می‌دهیم؟

— حرف می‌زنیم.

— مزه غذاها را می‌چشیم.

...

دیگر چه؟

آیا می‌توانید هنگام جویدن غذا، زبانتان را حرکت ندهید؟ آزمایش کنید. زبان،

هنگام غذا خوردن، چه کمکهایی به ما می‌کند؟

اگر زبان نداشتیم چگونه غذا می‌خوردیم؟ چگونه حرف می‌زدیم؟

چه کسی جز «خدای دانا و توانا» می‌تواند برای ما، لب و زبان بیافریند؟



نوک زبان را در دهان بگردانید، چه چیزهایی حس می‌کنید؟

- دندانها
- سقف دهان
- لثه‌ها
-
- دیگر چه؟



اکنون، آب دهانتان را فرو ببرید، حالا مک بزنید، آیا دهانتان کاملاً خشک می‌شود؟ این آبهای تازه، از کجا پیدا شد؟
آیا می‌دانید اگر آنها نباشند، چه می‌شود؟
شما دیگر نمی‌توانید حرف بزنید، دیگر نمی‌توانید غذا بخورید، دهان شما کاملاً خشک می‌شود.

آیا می‌دانید نام آنها چیست؟.. چند تا هستند؟
چه کسی آنها را برای شما پیش بینی کرده و آفریده است؟
چه کسی جز «خدای دانا و توانا» می‌تواند آنها را برای ما درست کند؟
اگر آفریننده ما «دانا و توانا» نبود چگونه می‌توانست اندام ما را به این خوبی پیش بینی کند و بیافریند؟

آب، نعمتِ زندگی ساز خدا

وقتی تشنه می شویم، چه می کنیم؟

— آب می نوشیم. آری، همه ما به آب احتیاج داریم.

حیوانات وقتی تشنه می شوند، چه می کنند؟

— آب می نوشند. آری، حیوانات هم به آب احتیاج دارند.

آیا گیاهان هم تشنه می شوند؟ آری، گیاهان هم تشنه می شوند، آنها هم به

آب احتیاج دارند، ولی مثل ما آب نمی خورند؛ بلکه آب را با ریشه خودشان، از زمین می گیرند.

اگر به گیاهان آب نرسد، خشک می شوند.

اگر حیوانات آب نخورند، از تشنگی می میرند. اگر آب نباشد، ما هم از

تشنگی می میریم.

اگر آب نباشد، گندم و جو سبز نمی شود؛ آن وقت ما نان نداریم بخوریم.

اگر آب نباشد، درختهای میوه، خشک می شوند، آن وقت ما میوه نداریم

بخوریم.

اگر آب نباشد، حیوانات همه می میرند، آن وقت ما گوشت و شیر و پنیر و

ماست نداریم که بخوریم.

ولی خدا خیلی مهربان است: آبهای شیرین و گوارا را آفریده و در

دسترس ما قرار داده است، تا بنوشیم و خود را با آن بشویم، با آن کشاورزی

کنیم. حیوانات آن را بخورند و برای ما شیر و گوشت درست کنند.

خدا ما را دوست دارد که آب و صدها نعمت دیگر را برای ما آفریده است.



و به ما عقل و هوش داده تا از آنها بهره‌مند شویم.
ما هم خدای مهربان را دوست داریم، نعمتهایش را سپاس می‌گوییم و آنها
را همان گونه که او فرمان داده، مصرف می‌کنیم، تا در هر دو جهان آزاد و سربلند
و سعادتمند شویم.

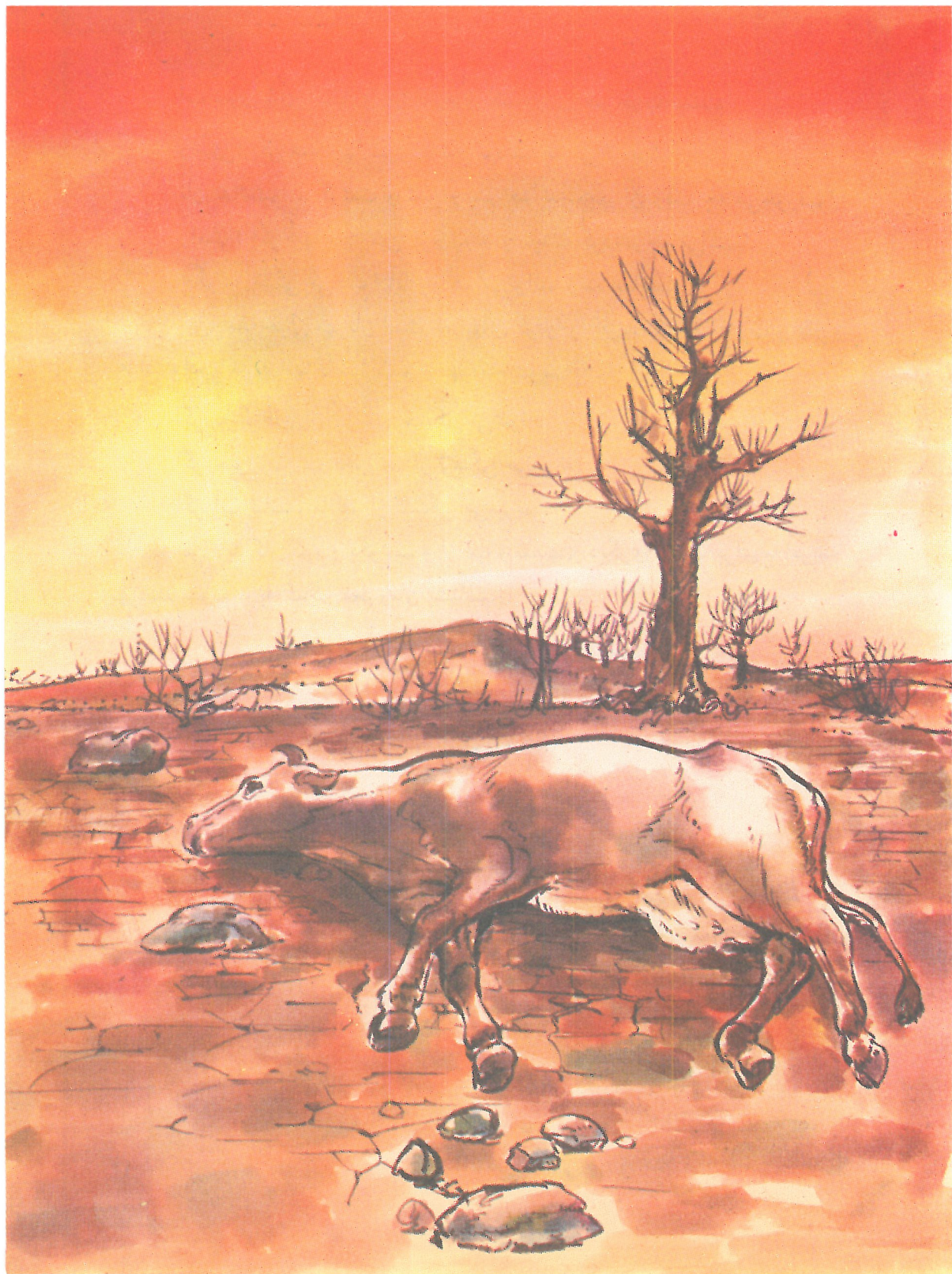
آزمایش کنید و ببینید:



مقداری نمک، در یک لیوان آب، بریزید.
آب شور می‌شود، آیا می‌توانید آن را برای
رفع تشنگی بنوشید؟



نه ... آب شور، تشنگی را بیشتر می‌کند.



آب شور برای بسیاری از کارهای کشاورزی هم خوب نیست.
راستی! اگر همه آبها شور یا تلخ بودند، چه می‌کردیم؟
نان نداشتیم ... گوشت و شیر و پنیر هم نداشتیم، آن وقت چه می‌خوردیم؟
راستی! اگر آبها در زمین فرو روند و ناپدید گردند، چه می‌کنیم؟
چگونه زندگی می‌کنیم؟ آیا باز هم می‌توانیم زنده بمانیم؟
پس، خدا خیلی مهربان است که آبهای گوارا را آفریده و به ما قدرت و عقل و
هوش داده تا ما به آنها دست یابیم و بهره‌مند شویم.
اگر به گیاهان آب نرسد، خشک می‌شوند.
اگر حیوانات آب نخورند، از تشنگی می‌میرند.
اگر آب نباشد، ما هم از تشنگی می‌میریم.
پس باید کار کنیم و بکوشیم و از آب و نعمتهای دیگری که خدا برای ما آفریده
بهره‌مند شویم و به کمک محرومان بشتاییم.



درخت سیب «درس خداشناسی» می‌دهد

سیب میوه مفید و خوشمزه‌ای است؛ شما هم، این میوه قشنگ را خورده‌اید. بدن ما به موادی که در سیب است، احتیاج دارد؛ خدا هم، درخت سیب را آفریده تا نیاز ما را، برطرف کند.

درخت سیب، برای درست کردن سیب، به این چند چیز احتیاج دارد:

- ۱ - آب.
- ۲ - مواد معدنی، که در خاک موجود است.
- ۳ - گاز کربنیک، که در هوا موجود است.
- ۴ - نور و انرژی خورشید.

ریشه درخت سیب، آب و مواد معدنی را از زمین می‌گیرد. تنه و ساقه‌های درخت، به وسیله لوله‌های بسیار باریک، آب و مواد معدنی را بالا می‌برند و به برگها می‌رسانند.

گاز کربنیک هم، از روزنه‌های بسیار کوچک برگها، داخل برگها می‌شود.

نور خورشید هم به برگها می‌تابد.

برگها به کمک نور خورشید، با «آب و مواد معدنی و گاز کربنیک» شربتی درست می‌کنند و این شربت را، از راه لوله‌های بسیار باریک، به تمام اندام درخت می‌فرستند.



درخت سیب، مقداری از این شربت را، خودش مصرف می‌کند و بزرگ می‌شود، بقیه‌اش را، به صورت میوه‌های زیبا و قشنگ سیب، در می‌آورد، تا ما از آنها استفاده کنیم.

ما از خوردن این میوه‌های خوشمزه لذت می‌بریم و به‌علاوه، این میوه‌های زیبا به بدن ما، نیرو و انرژی می‌دهند.

خدای دانا و توانا، این نظم و هماهنگی را، در آفرینش درخت سیب قرار داده است، تا برای ما سیب درست کند، ما هم نهال سیب را می‌نشانیم و پرورش می‌دهیم و از میوه‌های خوشمزه‌اش استفاده می‌کنیم و از خدا تشکر می‌نماییم، به خویشان و همسایگان نیز هدیه می‌دهیم و سهم محرومان و تهیدستان را نیز می‌پردازیم. خدای مهربان درخت سیب و صدها نعمت دیگر را برای استفاده‌ما آفریده است و به ما قدرت و عقل و هوش داده تا از آنها بهره‌مند شویم. ما هم از خدا تشکر می‌کنیم و فرمانهایش را می‌پذیریم تا همیشه آزاد و سربلند و سعادتمند زندگی کنیم.

ما می‌دانیم که بسیاری از مردم کشور ما در اثر تهیدستی، به میوه و غذای کافی دسترسی ندارند. وظیفه‌ماست که با کار و کوشش بهتر و جدی‌تر میوه و غذای کافی تولید کنیم و به یاری محرومین بشتابیم و از حقوقشان دفاع کنیم. با فقر و بیکاری و تجاوزگری مبارزه کنیم تا همه مردم از نعمتهای خدا بخوبی بهره‌مند شوند.



بیندیشید:

خدای خوب و مهربان، درختان میوه را آفریده است؛ و نظم و هماهنگی را، در آفرینش آنها قرار داده است، تا بتوانند، این میوه‌های زیبا و خوشمزه را، برای ما درست کنند. وظیفهٔ ماست که زمین را آباد کنیم، درخت میوه بکاریم. آنها را آبیاری کنیم و پرورش دهیم و از میوه‌های زیبا و خوشمزه بهره‌مند شویم. و دیگران را نیز بهره‌مند سازیم.

آیا شما هم می‌توانید نهال میوه‌ای بکارید؟

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱ - درخت سیب برای درست کردن سیب به چه چیزهایی احتیاج دارد؟ (چگونگی درست شدن سیب را توضیح دهید و به نظم و هماهنگی و همکاری که بین ریشه و تنه و شاخه‌ها و برگ‌ها موجود است اشاره کنید و بگویید که این نظم و هماهنگی را چه کسی در آفرینش درخت سیب قرار داده است؟)
- ۲ - هنگامی که از نعمتهای خدا - مثلاً از میوه سیب - استفاده می‌کنیم، علاوه بر شکرگزاری زبانی وظیفه مهم دیگری نیز داریم، آن وظیفه مهم چیست؟
- ۳ - برای این که همیشه آزاد و سربلند و سعادتمند زندگی کنیم، چه کارهایی باید انجام دهیم؟ به دو جمله‌ای که در درس آمده اشاره کنید.

ای جهان آفرین بی همتا

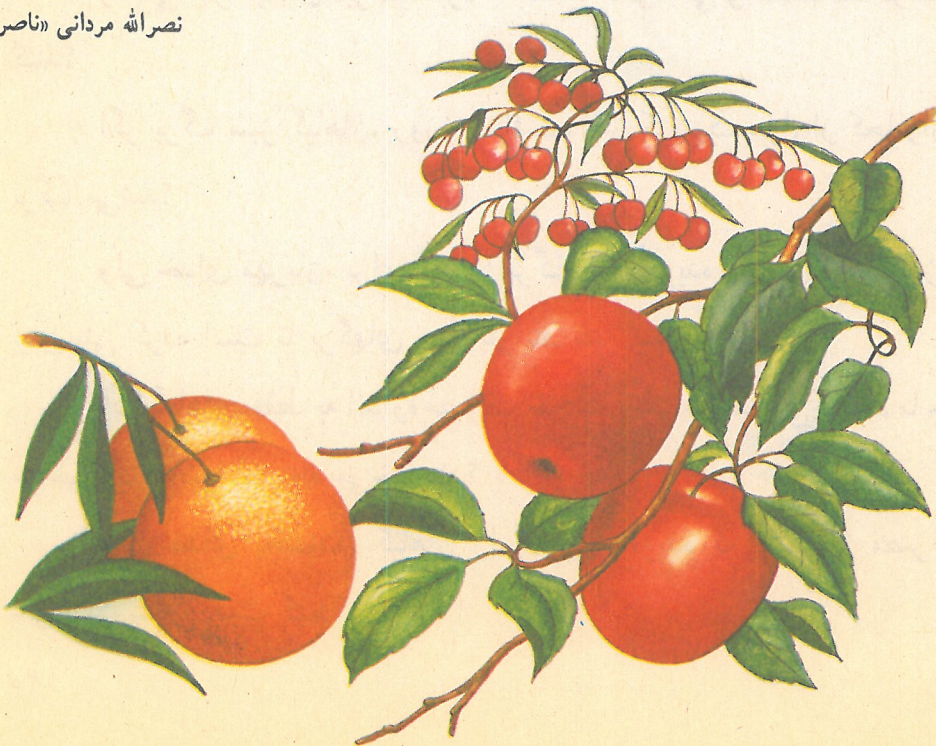
ای خدای بزرگ و هستی بخش ای که هستی تو در جهان یکتا
دل ما شد ز نور تو روشن ای جهان آفرین بی همتا

کوه و ابر و ستاره و دریا ماهیان و پرنده های قشنگ
ماه و خورشید و آسمان بلند همه گل های خوب و رنگارنگ

آتش و باد و خاک و آب و گیاه باغ های پر از گل و زیبا
چشمه های همیشه جوشنده لاله های شکفته در صحرا

آفریدی تو در جهان همه را ای که هستی بزرگ و پاک و رحیم
ما همه یاری از تو می خواهیم ای خداوند مهربان و کریم

نصرا الله مردانی «ناصر»



خدای دانا و توانا خدای بخشنده و مهربان

گیاهان موجودات بسیار سودمند و خدمتگزاری هستند، آنها بیش از مصرف خودشان غذا می‌سازند و غذای اضافی را برای ما ذخیره می‌کنند. در درختان میوه، مانند: درخت سیب، آلبالو، گیلان و پرتقال، غذای اضافی، به صورت میوه پس‌انداز می‌شود.

در بوته‌های هویج و پیاز، غذای اضافی در ریشه گیاه ذخیره می‌شود. در بوته‌های گندم و نخود و لوبیا و عدس، غذای اضافی در دانه‌ها اندوخته می‌شود.

گیاهان با برگهای سبز خود غذا درست می‌کنند. راستی اگر گیاهان «برگ سبز» نداشتند، چگونه می‌توانستند غذا درست کنند؟

اگر برگ سبز گیاهان، روزنه نداشت، گاز کربنیک هوا، از کجا وارد برگ می‌شد؟

ولی خدای مهربان، برای گیاهان برگ سبز آفریده و برای برگها روزنه پیش‌بینی کرده است تا برگهای سبز بتوانند غذا بسازند.

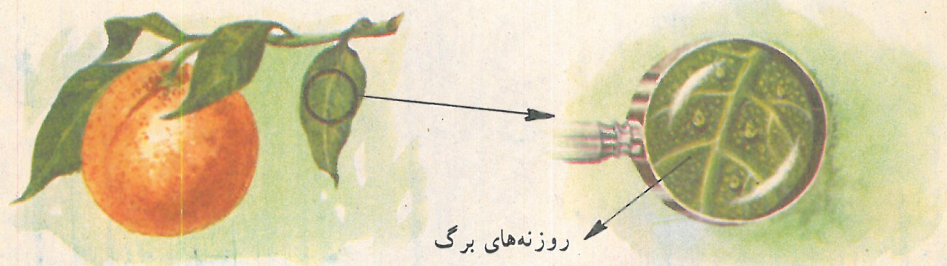
اگر گیاهان، فقط به اندازه مصرف خودشان غذا درست می‌کردند، ما چه می‌خوردیم؟ حیوانات چه می‌خوردند؟

ولی خدای بخشنده، گیاهان را، طوری آفریده که بیشتر از مصرف خودشان غذا درست کنند.

اگر نور خورشید به گیاهان نمی‌رسید، گیاهان با چه نیرویی غذا درست می‌کردند؟ ولی خدای دانا و توانا، خورشید را طوری آفریده، که نورش به اندازه کافی، به گیاهان برسد، تا برگهای گیاهان بتوانند با کمک نور و انرژی خورشید، غذا بسازند.



پس خدا همه چیز را می‌دانسته است:
 او می‌دانسته که ما احتیاج به غذا داریم و خودمان نمی‌توانیم غذا بسازیم؛
 به همین جهت برگ سبز گیاهان را آفریده و برای آنها، روزنه پیش‌بینی
 کرده است تا کارخانه‌های غذاسازی ما باشند.



او می‌دانسته که: این کارخانه‌های کوچک، به نور و انرژی خورشید
 احتیاج دارند و خورشید را طوری آفریده که انرژی و نورش به اندازه لازم، به
 برگ گیاهان - این کارخانه‌های کوچک - برسد.

اگر خدا دانا نبود، نمی‌دانست: ما به چه چیزهایی احتیاج داریم.
 اگر خدا توانا نبود، نمی‌توانست چیزهایی را که ما لازم داریم، درست
 کند.

و اگر خدا بخشنده و مهربان نبود، این همه نعمت را به ما نمی‌بخشید.
 پس تا کنون دانستیم که:

خدا عالم است.

خدا قادر است.

خدا رحمان است یعنی: بخشنده است.

خدا رحیم است یعنی: مهربان است.

تاکنون فهمیدیم که آفرینندهٔ این جهان بزرگ «خدای دانا و توانا و بخشنده و مهربان» است، او ما را آفریده و جهان را برای استفادهٔ ما قرار داده است و به ما فرمان داده که فقط او را اطاعت کنیم و در آبادی زمین بکوشیم تا همیشه سربلند و آزاد زندگی نماییم. ماه و خورشید و درختان و گیاهان و حیوانات را در خدمت ما قرار داده تا برای روزی دادن ما شبانه‌روز کوشش کنند، ما نیز باید در خدمت خدا و خلق خدا باشیم، و با کار و کوشش بهتر و جدی‌تر در رفع نیازمندیهای مردم بکوشیم.





- ۱ - با ذکر سه نمونه، سودمندی و خدمتگزاری گیاهان را برای ما انسانها توضیح دهید و بیان کنید که چه کسی آنها را در خدمت انسانها قرار داده است؟
- ۲ - ارتباط و هماهنگی و همکاری موجود بین برگ سبز گیاهان و نور خورشید را بیان کنید و بگویید که از این ارتباط و همکاری و هماهنگی چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟
- ۳ - چگونه می‌فهمیم که خدا دانا و توانا است؟
- ۴ - چگونه می‌فهمیم که خدا بخشنده و مهربان است؟
- ۵ - این کلمات را معنا کنید: عالم، قادر، رحمان، رحیم.
- ۶ - آفریننده این جهان بزرگ کیست؟ نام او را همراه با چهار صفت بگویید.
- ۷ - دو فرمان مهم پروردگار را که در این درس آمده، بگویید.
- ۸ - خدای بزرگ چه چیزهایی را در خدمت ما قرار داده تا برای ما بکوشند؟ ما باید در خدمت که باشیم؟

تمرینها: (از تمرینهای زیر دو تمرین را انتخاب کنید و انجام دهید)

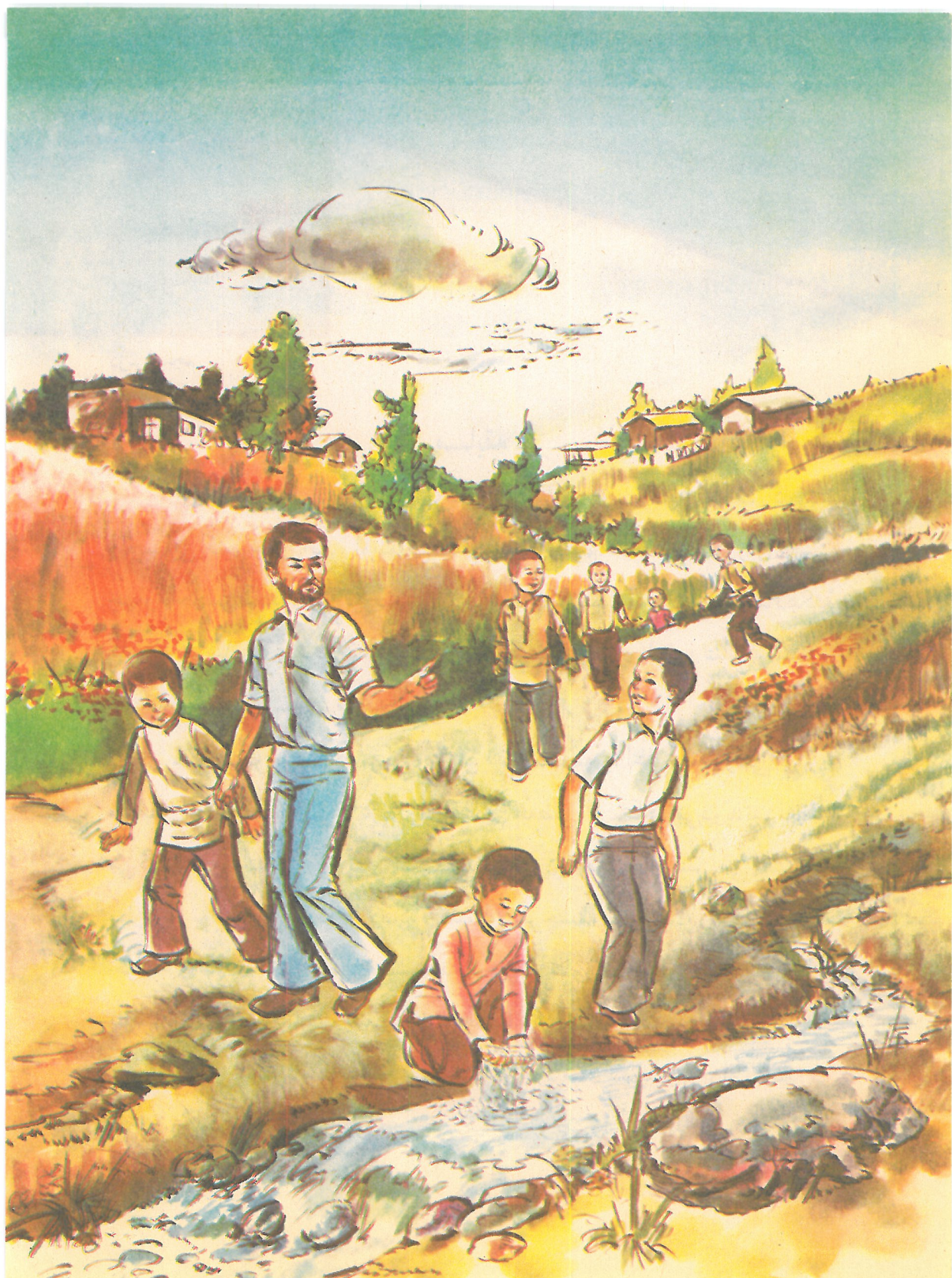


- ۱ - درس را بلند و بدون لکنت بخوانید.
- ۲ - خلاصه درس را بنویسید.
- ۳ - درس را برای اعضای خانواده تعریف کنید.

مسابقه

آن روز عصر قرار بود فاصله روستای خود را تا دهکده گلستان راه پیمایی کنیم و در این راه پیمایی باهم مسابقه دهیم. همه دانش آموزان کلاس چهارم حاضر بودند. قرار بود قبل از غروب خورشید، خود را به مسجد دهکده گلستان برسانیم. مسجد دهکده در کنار درخت چنار بلندی ساخته شده و گلدسته اش از روستای ما پیداست.

همه منتظر بودیم که مربی ورزش آغاز مسابقه را اعلام کند، وقتی شروع مسابقه اعلام شد با سرعت به راه افتادیم. بعضی از بچه ها می دويدند، بعضی می گفتند: در ابتدای راه بهتر است آهسته برویم. خوشحال پیش می رفتیم. در میان راه به جوی آبی که از دهکده گلستان سرچشمه می گرفت رسیدیم، بچه ها خوشحال شدند کنار جوی نشستند تا سر و صورت خود را بشویند و آب بنوشند. مربی با صدای بلند گفت: بچه ها! اگر تشنه هستید و می خواهید آب بخورید کمتر بنوشید و گرنه ممکن است به دل درد مبتلا شوید و در راه بمانید. بچه های دانا و باهوش وقتی سخن مربی را شنیدند از کنار جوی

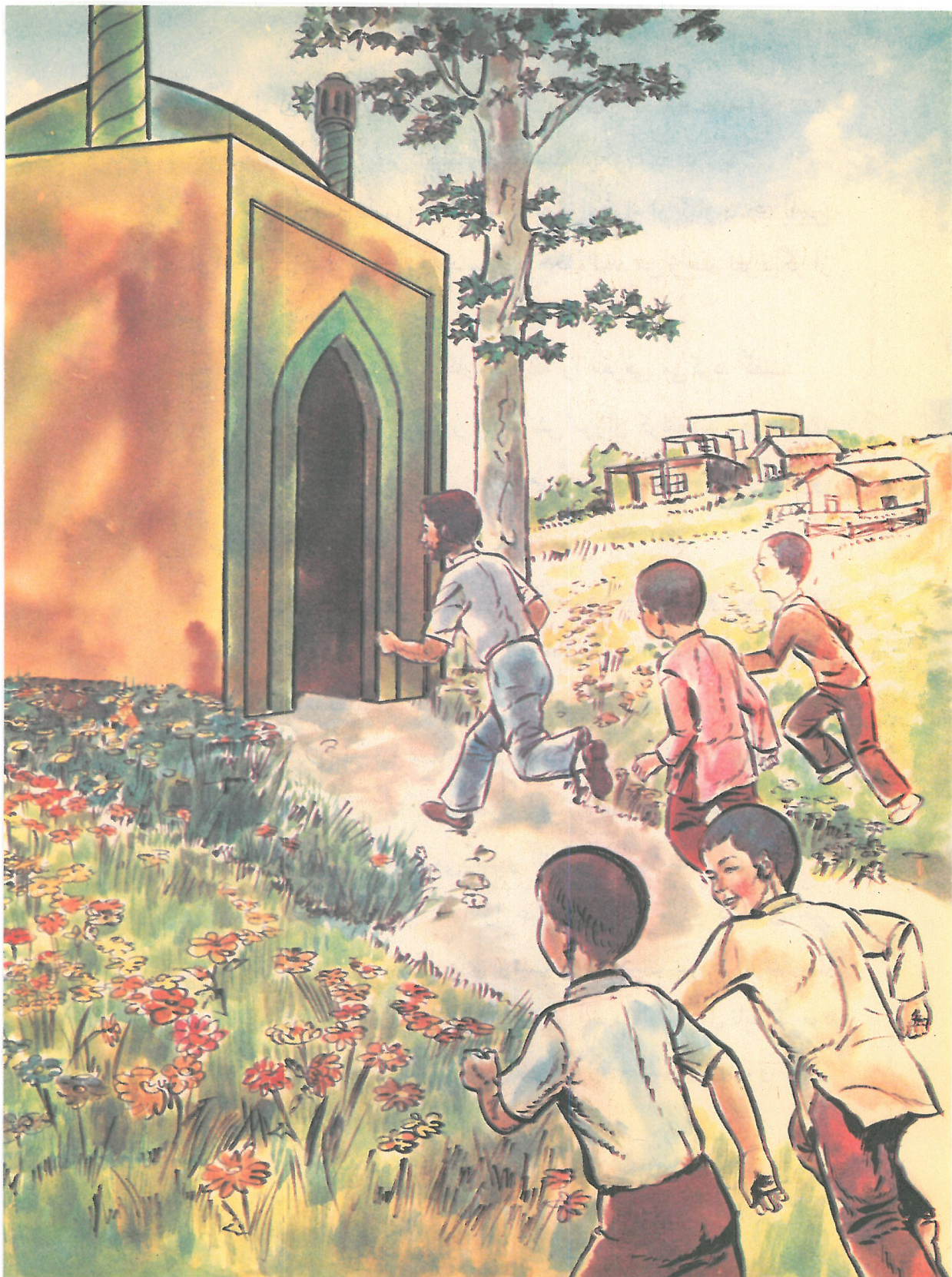


برخاستند و به راه افتادند ولی بعضی دیگر گفتند: خیلی تشنه هستیم اگر تشنه
بمانیم نمی‌توانیم راه برویم بهتر است چند مُشت دیگر آب بنوشیم...
مربی پیشاپیش همه ما می‌دوید، خورشید آرام آرام از کنار دشت پایین
می‌رفت. او نخستین کسی بود که وارد مسجد دهکده شد. من و چند نفر دیگر از
دوستان نیز قبل از ناپدید شدن خورشید وارد مسجد شدیم.

صبح روز بعد که مربی، برندگان مسابقه را معرفی می‌کرد، گفت:
کودکان عزیز! دیروز این دانش‌آموزان کوشیدند و در مسابقه
پیروز شدند و امروز از من جایزه می‌گیرند و شما هم آنها را تشویق
می‌کنید.

این جهان نیز میدان مسابقه است. همه ما می‌کوشیم و با هم
مسابقه می‌دهیم، مسابقه ما در کارهای نیک، عبادتها، کمکها و
خدمتهای ماست.

کسانی در این مسابقه پیروز می‌شوند که خدا را بهتر عبادت
کنند و به بندگان خدا بیشتر سود برسانند خدا به این افراد در جهان
آخرت پاداش و جایزه می‌دهد و آنها را به بهشت می‌برد.
ولی کسانی که خدا را عبادت ننمایند و در کارهای خیر
کوششی نکنند و به کارهای زشت و نادرست پردازند شکست
می‌خورند و در راه می‌مانند و در جهان آخرت از اعمال ناپسند خود
شرمنده می‌شوند و افسوس می‌خورند و به جهنم می‌روند و سزای
کامل کار بدشان را می‌بینند.



مردم نیکوکار و مردم بدکردار نزد خدا یکسان و مساوی نیستند، خدا هر کس را مطابق کار و کردارش جزا می‌دهد.

اگر خدا به نیکوکاران پاداش نیک و دائم نمی‌داد، مردم به چه امیدی نیکی می‌کردند؟ و اگر خدا زشت‌کاران را کیفر نمی‌کرد، چه تفاوتی میان آنها و نیکوکاران بود؟



- ۱ - این جهان میدان مسابقه است، یعنی چه؟ مسابقه ما در چه کارهایی است؟
- ۲ - چه کسانی در مسابقه این جهان پیروز می‌شوند؟ دو نکته مهم را که در درس آمده بگویید.
- ۳ - کسانی که در مسابقه این جهان پیروز شوند، کجا پاداش می‌گیرند؟ از چه کسی؟
- ۴ - چه کسانی در مسابقه این جهان شکست می‌خورند؟ سه نکته مهم را که در درس آمده بگویید.
- ۵ - سزای کامل کار کسانی که در راه مانده و شکست خورده‌اند کجا داده می‌شود؟ در آن هنگام چه حالی دارند؟
- ۶ - آیا مردم نیکوکار و مردم بدکردار نزد خدا یکسان و مساوی هستند؟ خدا جزای هر کسی را مطابق چه چیزی به او می‌دهد؟

تمرینها: (هر کدام را که می‌توانید انجام دهید.)



- ۱ - پاسخ سؤالهای بالا را با دقت و خطّ خوش بنویسید.
- ۲ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.
- ۳ - با راهنمایی مربی گرامی خود، یک مسابقه ترتیب دهید.
- ۴ - گزارش یک مسابقه را بنویسید و بگویید علت پیروزی برندگان چه چیزی بوده است؟
- ۵ - اگر تمرین سه را انجام داده‌اید، گزارش آن را بنویسید و در کلاس بخوانید.

جهان آخرت

اوّل «عالم برزخ»، بعد «قیامت»

ما با مردن نابود نمی‌شویم، اگر با مردن نابود می‌شدیم همه کارها و کوششهای ما بیهوده بود، بلکه از این جهان به جهان دیگری می‌رویم به نام «جهان آخرت» و نتیجه کامل همه کوششها، کارها و عبادتهای خود را در جهان آخرت می‌بینیم. جهان آخرت جهان پاداش و جزاست.

در جهان آخرت، ابتدا به «عالم برزخ» سپس به «قیامت» می‌رویم. عالم برزخ، جهانی است بین دنیا و قیامت.

خدا در قرآن درباره عالم برزخ می‌فرماید: «کسانی که می‌میرند، برزخی در پیش دارند تا قیامت که برانگیخته می‌شوند»

و در باره شهیدان می‌فرماید:

«گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده‌اند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند.»

خدا به وسیله حضرت محمد، پیامبر گرامیش، به ما اطلاع داده که: وقتی انسان می‌میرد، و دنیا را رها می‌کند با همان صورت به جهان برزخ می‌رود و مورد سؤال و پرسش کوتاهی قرار می‌گیرد. از او می‌پرسند: به خدا عقیده داری؟ مطیع فرمانهای چه کسی بودی؟ خدا، یا غیر خدا؟ پیغمبرت کیست؟ دینت چیست؟ رهبرت کیست؟

کسی که در دنیا خداپرست و دیندار و با ایمان زندگی کرده است، به آسانی جواب می‌دهد و پس از این سؤال و جواب کوتاه، در «جهان برزخ»

آسوده و خوش، تا قیامت زندگی می‌کند و از نعمتهای خوبی که نمونه نعمتهای بهشتی است برخوردار می‌گردد.

اما کسانی که در دنیا، خدا و پیغمبرانش را قبول نداشته‌اند و مطیع فرمانهای آنها نبوده‌اند و بی‌دین و ستمگر زندگی کرده‌اند، در جهان برزخ نیز، نمی‌توانند به خدا و پیغمبران اقرار کنند.

این گونه افراد، در «جهان برزخ» در سختی و عذاب به‌سر می‌برند. عذابهای جهان برزخ برای اینان، نمونه‌ای است از عذابهای جهنم. سؤال و جواب جهان برزخ، مانند سؤال و جواب دنیا نیست بلکه سؤال و جواب از روح و جان انسان است که به جهان برزخ می‌رود.

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱ - اگر با مردن نابود می‌شدیم، آیا همه کارها و کوششهای ما بی‌نتیجه نبود؟
- ۲ - نام جهان دیگری که پس از مردن به آن جهان می‌رویم چیست؟ «جهان آخرت جهان پاداش و جزاست»، یعنی چه؟
- ۳ - خدا در قرآن در باره عالم برزخ چه می‌فرماید؟
- ۴ - خدا در قرآن در باره شهیدان چه می‌فرماید؟ از این سخن در باره عالم برزخ چه می‌فهمیم؟
- ۵ - پنج سؤال از سؤالهایی که در جهان برزخ از انسان می‌شود بگویید.
- ۶ - چه کسی به سؤالات جهان برزخ به آسانی پاسخ می‌دهد؟ چنین کسی در آنجا چگونه زندگی می‌کند؟
- ۷ - چه کسانی نمی‌توانند به سؤالات جهان برزخ پاسخ دهند؟ چنین افرادی در آنجا چگونه زندگی می‌کنند؟

حضرت موسی، پیامبر خدا

خدا حضرت موسی علیه السلام را برای پیامبری برگزید و به او فرمان داد تا با همکاری برادرش، هارون به سوی فرعون ستمگر برود و او را از عذاب سخت پروردگار بیم دهد.

خدا به حضرت موسی فرمان داد که ابتدا با گفتاری نرم او را به سوی خدای یگانه دعوت کند.

حضرت موسی و برادرش هارون به سوی قصر فرعون روان شدند و پس از مدتی انتظار، سرانجام نزد فرعون رفتند و همان گونه که از خدا فرمان داشتند با ملایمت و نرمی سخن خود را شروع کردند و گفتند: ای فرعون! ما از سوی پروردگار جهان و جهانیان پیام آورده ایم تا مردم را از ظلم و ستم نجات دهیم و به سوی نور و روشنی رهبری کنیم.

از تو می خواهیم که از ظلم و سرکشی دست برداری و به مردم ستم نکنی. ما پیام آور پروردگاریم و فرمان داریم که مردم را با یاد خدا آشنا کنیم و به اطاعت از فرمانهای او فرا خوانیم.

وقتی فرعون سخنان موسی را شنید، سخت برآشفته و برای اینکه حضرت موسی را خاموش کند. گفت: ای موسی پروردگار شما کیست، که از سوی او پیام آورده اید؟

موسی با یقین و آرامش گفت، پروردگار ما همان خدای بزرگی است که جهان و جهانیان را با نظم و شکوه، آفریده است و هر چیزی را به سوی هدف و راه زندگی ویژه اش هدایت کرده است.

فرعون با این که سخنان موسی را می فهمید خود را به نادانی زد و گفت: مگر جز من پروردگاری هست؟ مگر زندگی و مرگ شما در دست من نیست؟ مگر نمی بینید که کشور بزرگ مصر به فرمان من است؟ و این همه نهادهای جاری همه مال من است؟

ای موسی! اگر جز من پروردگاری را برگزینی، و از شخص دیگری غیر از من اطاعت کنی، تو را به زندان می افکنم.

حضرت موسی که پیامبر بود و آرامش و اطمینان داشت بدون هیچ ترس و بیمی به فرعون گفت: پروردگار من، پروردگار همه جهان است، آفریننده زمین و آسمان است او مرا پیام آور خویش قرار داده تا پیامش را به مردم ابلاغ کنم و آنها را از ظلم و ستم نجات بخشم.

فرعون که در مقابل آرامش و عظمت ایمان موسی خود را کوچک و ذلیل می دید گفت: اگر راست می گویی نشانه ای از سوی پروردگارت نشان بده. حضرت موسی دست را در گریبان خود فرو برد و بی درنگ بیرون آورد، دستش چون ستاره زیبا و روشنی می درخشید و آن گاه چوبدستی خود را به سوی

فرعون افکند. چوبدستی موسی به اذن خدا مار خشمگینی شد، فرعون با مشاهده آن مار خشمگین، یک باره از جای پرید و فریاد برآورد.
موسی خم شد مار را گرفت، دوباره عصا شد.
فرعون که رنگ از رویش پریده بود و می لرزید به کسانی که در اطرافش بودند گفت: دیدید که موسی چه ساحر توانایی است؟
این دو نفر می خواهند با سحر خود، شما را فریب دهند و از شهر و دیارتان آواره سازند.

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱- هنگامی که خدا حضرت موسی را به پیامبری برگزید، چه فرمانی به او داد؟
- ۲- حضرت موسی و برادرش ابتدا با فرعون چگونه صحبت کردند و چه گفتند؟
- ۳- وقتی فرعون پرسید «ای موسی پروردگار شما کیست؟» حضرت موسی چه پاسخ داد؟
- ۴- هنگامی که فرعون از حضرت موسی نشانه ای خواست، حضرت موسی چه کرد و چه نشانه هایی را نشان داد؟
- ۵- آیا فرعون پس از دیدن آن نشانه ها تسلیم شد؟ به اطرافیانش چه گفت ؟

تمرینها: (هر کدام را که می توانید انجام دهید.) 

- ۱- یک صحنه از داستان را به میل خود نقاشی کنید.
- ۲- خلاصه گفتگوهای فرعون و موسی را بنویسید.
- ۳- درس را برای افراد خانواده بخوانید.

عصای موسی معجزه پیامبری

فرعون تصمیم گرفت با موسی مبارزه کند، دستور داد ساحران شهر را که همه مشهور و توانا بودند جمع کردند.

فرعون به ساحران گفته بود که اگر پیروز شدید پاداش فراوان به شما می‌بخشم و شما را از نزدیکان خویش قرار می‌دهم.

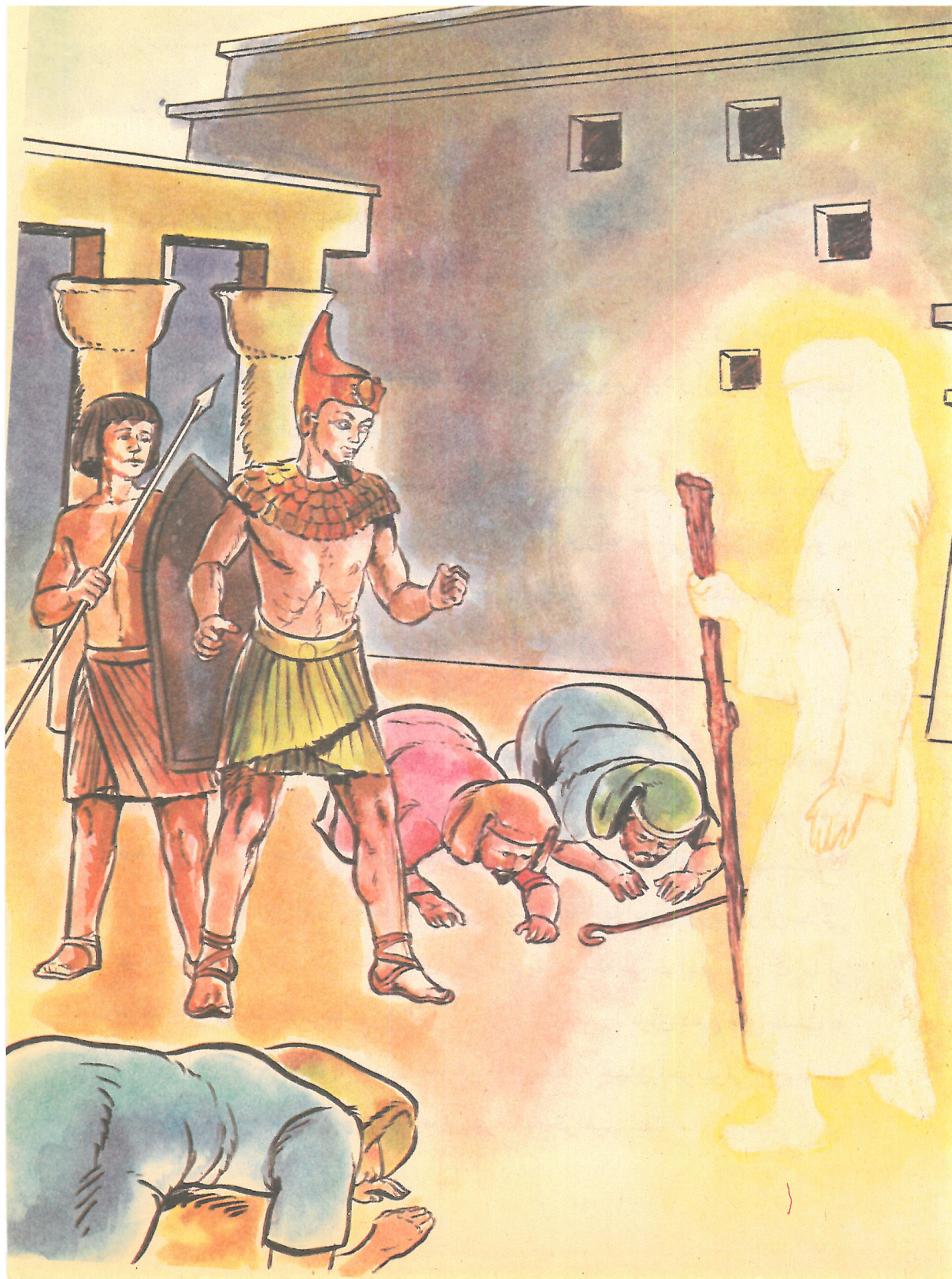
روز موعود فرا رسید و مردم شهر همه جمع شدند تا ببینند چه کسی پیروز می‌شود؟ ساحران با وسایل سحر و جادو وارد میدان شدند و حضرت موسی هم با عصای خویش به میدان آمد، جمعیت انبوه و بی‌شمار مردم نیز در اطراف میدان به انتظار ایستاده بودند. فرعون هم در جایگاه مخصوص نشسته بود... ساحران به حضرت موسی گفتند: ای موسی! تو کار خویش را شروع می‌کنی، یاما آغاز کنیم! حضرت موسی فرمود: شما آغاز کنید.

همه نگاه کردند، فرعون هم با خشنودی نگاه کرد...

ساحران طنابها و چوبهای خویش را روی زمین افکندند و کارهایی را انجام دادند. مردم که به میدان نگاه می‌کردند پنداشتند میدان پر از مار و اژدها شده است. که بر روی زمین می‌خزند.

ولی حق پنهان نمی‌ماند و سحر به امر خدا باطل می‌شود و همگان تشخیص می‌دهند.

در این میان از سوی خدا، به حضرت موسی فرمان رسید که ای موسی از سحر ساحران نترس و عصای خویش را بیفکن تا سحر ساحران را ببلعد و زمین را پاک گرداند. ساحران مردم را با کار خویش فریفته‌اند و فریبکار هرگز



پیروز نمی‌شود.

موسی عصایش را انداخت...

مردم فریاد کشیدند و فرار کردند برخی چشمهایشان را بستند تا آن مار بزرگ و خشمگین را نبینند که به کجا می‌رود و چه می‌کند.
مار خشمگین طنابها و چوبهایی را که ساحران بر روی زمین افکنده بودند به سرعت بلعید و آنگاه حضرت موسی دست پیش برد و آن را گرفت، عصا شد و موسی به آن تکیه کرد.

ساحران پیش از همه فهمیدند که این کار موسی سحر نیست، بلکه معجزه است و نشانه‌ایست از قدرت پروردگار بزرگ، فوراً به موسی ایمان آوردند و به سجده افتادند و خدا را بر نعمت هدایت و راهنمایش سپاس گفتند و گفتند:
ما به پروردگار جهان و جهانیان ایمان آوردیم.
ما به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.

فرعون از شنیدن سخن ایشان برآشفته و با خشم و فریاد گفت: چگونه به موسی ایمان آورده‌اید؟ من که به شما اجازه چنین کاری را نداده‌ام. هم اکنون شما را بر دار خواهم آویخت. ساحران گفتند: ما حق را یافتیم و فهمیدیم که موسی و هارون پیام‌آوران خدای جهان آفرینند و به آنها ایمان آوردیم و از بندگی تو رها شدیم، اکنون از کشته‌شدن بیم نداریم. هرچه می‌خواهی بکن که ما از مرگ نمی‌ترسیم. تو فقط می‌توانی زندگی دنیای ما را پایان دهی ولی نسبت به زندگی آخرت ما قدرتی نداری. ما پس از مرگ به جهان آخرت می‌رویم و از نعمتها و بخشندگیهای پروردگارمان بهره‌مند خواهیم شد.



- ۱ - فرعون چه افرادی را برای مبارزه با حضرت موسی دعوت کرد؟ کار آنها چه بود؟
- ۲ - ساحران در آغاز به حضرت موسی چه گفتند و چه پاسخ شنیدند؟
- ۳ - هنگامی که ساحران کار خود را آغاز کردند، از سوی خدا چه فرمانی به حضرت موسی رسید؟
- ۴ - ساحران از مشاهده عصای حضرت موسی و کاری که انجام داد، چه فهمیدند؟
- ۵ - وقتی ساحران ایمان آوردند چه کردند؟ چه گفتند؟ دو جمله از گفتارشان را بگویید.
- ۶ - پس از این که ساحران به دعوت حضرت موسی ایمان آوردند، فرعون به آنان چه گفت؟
- ۷ - ساحران به فرعون در مقابل تهدید او چه گفتند؟

تمرینها: (دو تمرین را انتخاب کنید و با دقت انجام دهید.)

- ۱ - یک نقاشی برای درس بکشید.
- ۲ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.

پیامبر، راهنمای انسانها

۱ - راهنما باید چگونه باشند؟

این کودک، منزلش را گم کرده است، او را به که می‌سپارید؟ چه کسی می‌تواند او را راهنمایی کند و به منزلش برساند؟ آیا کسی که راه منزل او را نمی‌داند، می‌تواند او را به منزلش برساند؟ آیا به کسی که درستکار و امین نیست، اعتماد می‌کنید؟ آیا این کودک را



به او می‌سپارید؟... چرا؟
آیا برای راهنمایی او کسی را انتخاب می‌کنید که منزل او را نمی‌داند یا در
راهها اشتباه می‌کند؟... چرا؟
پس، راهنما باید: راه را درست بداند، درستکار و امین باشد و در
راهنمایی اشتباه نکند.

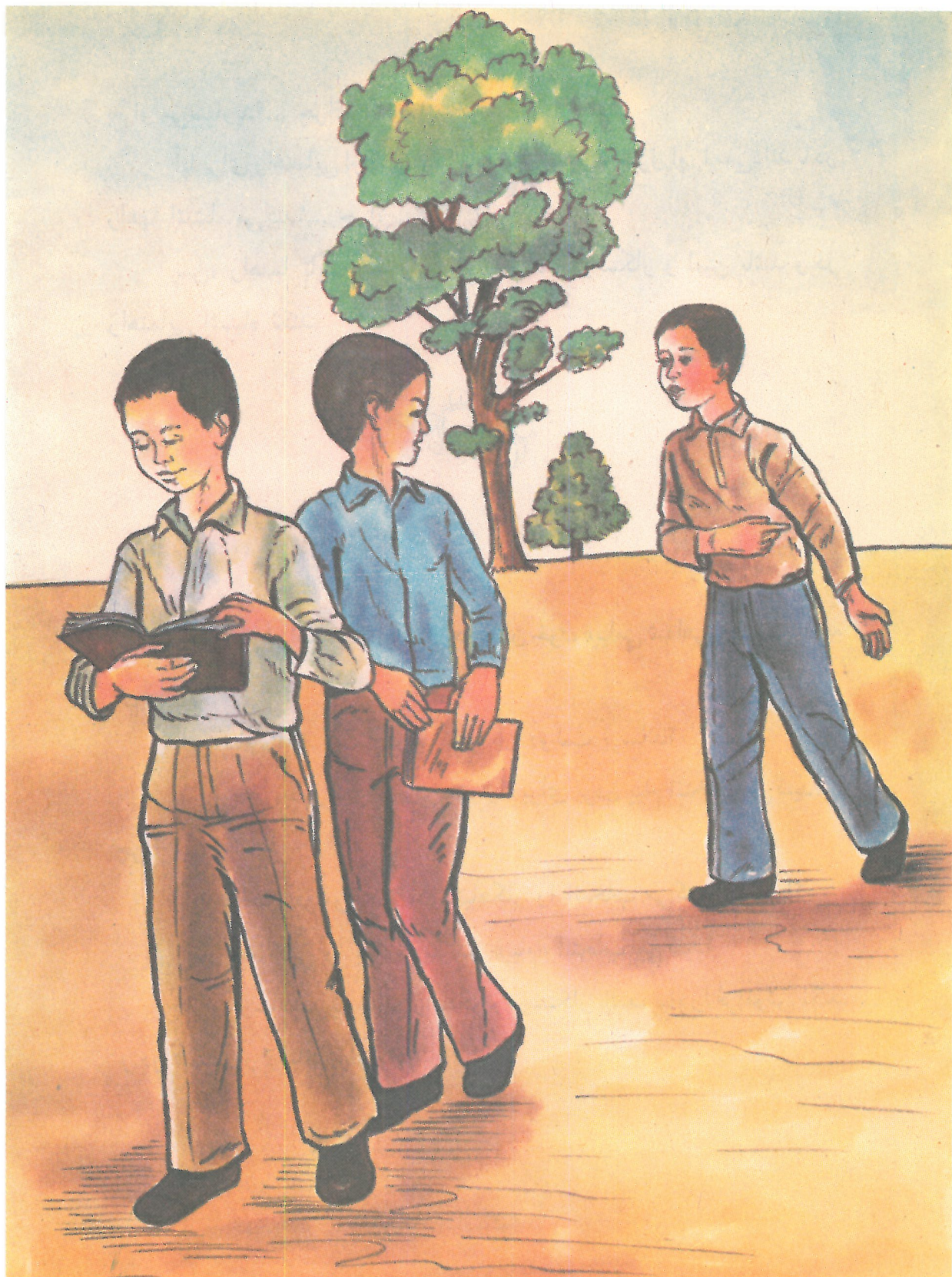


۲ - پیام‌بر باید چگونه باشد؟

وقتی می‌خواهید برای یکی از دوستان خود، «پیامی شفاهی» بفرستید، چه
می‌کنید؟

این پیام را به که می‌گویید تا به آن دوست برساند؟
آیا شخص دروغگو و نادرست را، برای بردن پیام انتخاب می‌کنید؟...
چرا؟

آیا شخص فراموشکار و اشتباهکار را انتخاب می‌کنید؟... چرا؟
پس چه کسی را برای رساندن «پیام» انتخاب می‌کنید؟
آری، رساننده پیام باید: راستگو و درستکار باشد، پیام را فراموش نکند،
و در شنیدن و رساندن آن، اشتباه ننماید.



۳- آگاهی و بینش، رمز بیزاری از گناه

لباسهای آلوده و کثیفی را، در این تشت لباسشویی شسته‌اند.
چه کسی حاضر است، مقداری از آب آلوده این تشت را بنوشد؟
اگر مقداری از آن را به انسان نابینا و بی‌اطلاعی بدهند، ممکن است آن را
بنوشد ولی یک انسان بینا و بااطلاع چه‌طور؟!
آیا کسی که زشتی و آلودگی آن را مشاهده می‌کند و ضررهای بهداشتی
چنین آب آلوده‌ای را می‌بیند، از آن می‌نوشد؟
هر شخص «بینا و آگاهی» که زشتی و پلیدی چیزی را می‌بیند، خود را با
آن آلوده نمی‌کند، بلکه از آن نفرت دارد و بیزار است.
پیامبران هم، از گناه بیزارند و هرگز گناه نمی‌کنند، چون زشتی و پلیدی
گناه را می‌بینند. این بینش و آگاهی را، خدا به آنان، عطا کرده است.



پیامبران: راهنمایان آگاه و معصوم

خدا، برای رساندن پیام خود، به مردم، انسانی درستکار و امین را برمی‌گزیند. و او را نمونه کامل دین می‌گرداند. تا با گفتار و رفتارش، مردم را به سوی خدا، راهنمایی کند.

پیامبر، بهترین و کامل‌ترین فرد انسانهاست. در علم و اخلاق و رفتار، سرآمد همه مردم است؛ خدا او را تربیت کرده و برگزیده است تا پیشوا و سرمشق مردم باشد.

پیامبر، راه سعادت دنیا و آخرت را، خوب می‌داند... یعنی: خدا به او یاد داده است. پیغمبر، خودش این راه را می‌پیماید و مردم را نیز به پیمودن همین راه دعوت و رهبری می‌کند.

پیغمبر، خدا را به خوبی می‌شناسد و او را بسیار دوست دارد، از وضع جهان آخرت و بهشت و جهنم، کاملاً آگاه است. اخلاق و اعمال خوب و بد را، کاملاً می‌شناسد. از گناه بیزار است و هرگز گناه نمی‌کند، زیرا زشتی و پلیدی گناه را می‌بیند و می‌داند که: گناه روح انسان را آلوده و کثیف می‌کند.

خدای دانا و توانا، این «**بینش و آگاهی**» را در اختیار پیغمبرش قرار داده است. پیغمبر با این بینش و آگاهی، زشتی و پلیدی گناه را، مشاهده می‌کند و می‌داند که: خدا، انسان گناهکار را دوست ندارد و از او ناراضی است، به همین جهت، پیغمبر هرگز گناه نمی‌کند، بلکه از گناه بیزار است.

پیامبر، پیامهای خدا را، بدون کم و زیاد به مردم می‌رساند، اشتباه و فراموشی ندارد.

چون گناه و اشتباه ندارد، مردم به او اعتماد می‌کنند و می‌توانند از رفتار و گفتارش سرمشق بگیرند و از رهبری و ولایت او برخوردار گردند. به چنین انسانی، «معصوم» می‌گوییم. و پیامبران خدا، همه «معصومند» یعنی: گناه نمی‌کنند. اشتباه و فراموشی ندارند. کاملاً درستکار و امین هستند.

پیامبران، راهنمایان آگاه و معصوم مردم هستند که از جانب خدا برگزیده شده‌اند. پیام خدا را درست درمی‌یابند و آنرا کامل و درست به مردم می‌رسانند، انسانها را راهنمایی می‌کنند، و به سوی خدا و سعادت همیشگی، رهبری می‌نمایند.



ولایت = سرپرستی و رهبری

- ۱- راهنما باید چگونه باشد؟ چه صفاتی داشته باشد؟ چهار صفت را بگویید.
- ۲- وقتی می‌خواهید پیامی بفرستید، این پیام را به چه کسی می‌گویید؟ آیا شخص دروغگو را برای بردن پیام انتخاب می‌کنید؟
- ۳- «پیام‌بر» باید چه صفاتی داشته باشد؟ چهار صفت را بگویید.
- ۴- آیا انسان «بینا و آگاه» یک آب کثیف و آلوده را می‌نوشد؟ چرا؟
- ۵- خدا برای رساندن پیام خود به مردم، چگونه انسانی را برمی‌گزیند؟ دو صفت از صفات لازم او را بگویید.
- ۶- پیامبر در سه چیز سرآمد همهٔ مردم است، آن سه را بگویید.
- ۷- بهترین و کاملترین فرد انسانها چه کسی است؟ چه کسی او را تربیت کرده و برای چه برگزیده است؟
- ۸- بینش و آگاهی پیامبر را، در مورد جهان آخرت، اخلاق و اعمال خوب و بد، زشتی و پلیدی گناه، توضیح دهید.
- ۹- «پیامبران معصومند» یعنی چه؟ پاسخ را در سه جمله بیان کنید.
- ۱۰- مسئولیت اصلی پیامبران چیست؟ در سه جمله بیان کنید.

تمرینها: (دو تمرین از تمرینهای زیر را انتخاب کنید و انجام دهید.) 

- ۱- خلاصهٔ درس را بنویسید.
- ۲- دربارهٔ پاسخ سؤالات درس با یکی از دوستان خود گفتگو و مباحثه کنید.
- ۳- درس را برای یکی از دوستان بخوانید.

حضرت محمد، در کاروان قریش

محمد، کودکی هشت ساله بود، که پدر بزرگش «عبدالمطلب» از دنیا رفت. عبدالمطلب هنگام مرگ، به فرزندش «ابوطالب» سفارش کرد که: از محمد نگهداری و حمایت کند، به او گفت: «محمد کودک یتیمی است که از نعمت پدر و مادر، محروم شده، او را به تو می سپارم تا به خوبی از او حمایت و نگهداری کنی، او آینده درخشانی دارد و به مقام بزرگی، خواهد رسید.»

حضرت ابوطالب، سفارش پدر را پذیرفت. و سرپرستی محمد را بر عهده گرفت، و مانند یک پدر مهربان، از او نگهداری کرد.

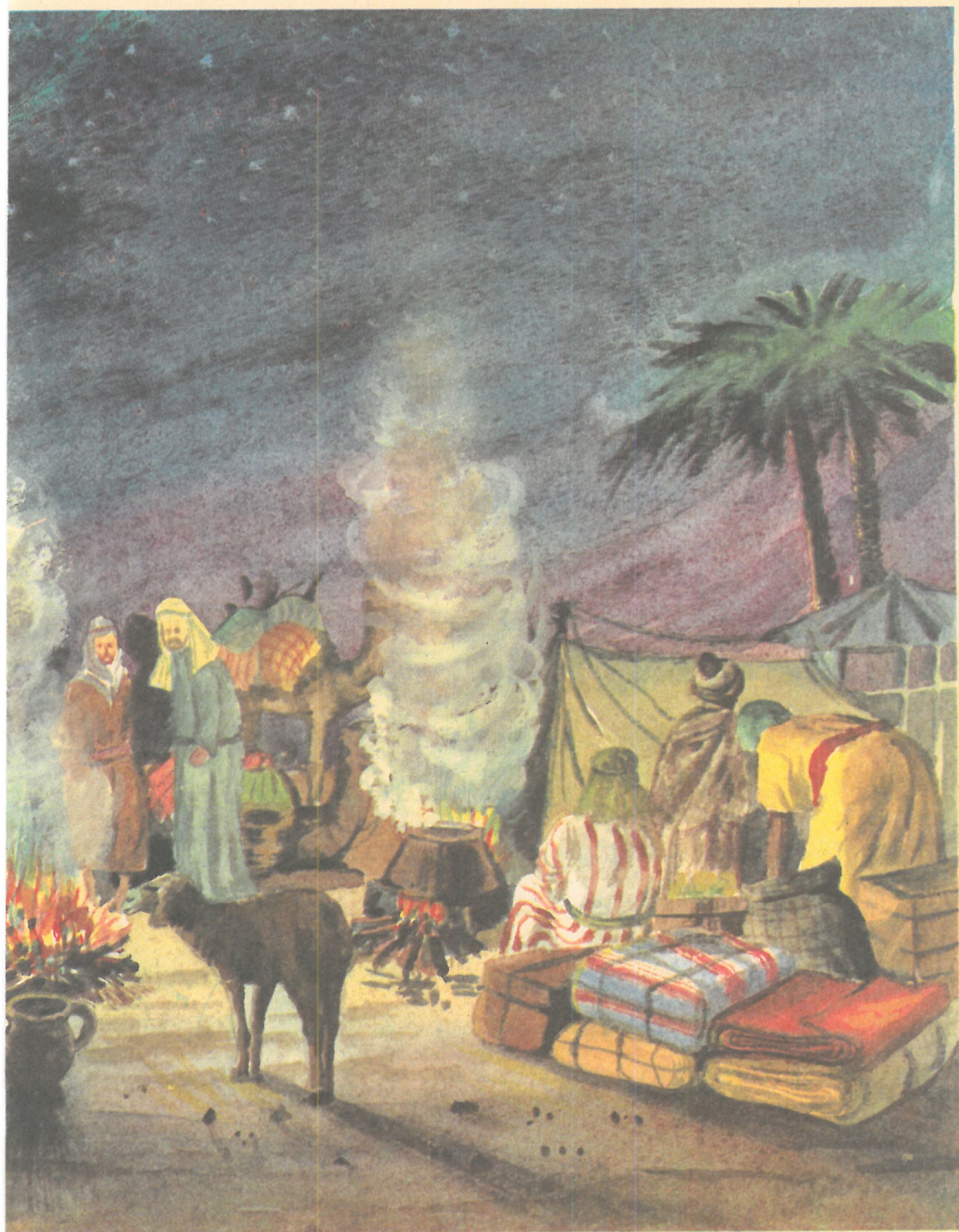
حضرت محمد، تقریباً دوازده ساله بود که همراه عمویش ابوطالب، با کاروان تجارتی قریش، به شهر شام سفر کرد. این سفر برای کودک دوازده ساله ای مانند محمد، سخت و دشوار بود. ولی تماشای منظره های طبیعی، کوهها و دشتها، از خستگی و سختی راه می کاست و دیدن بیابانهای وسیع، پستیها و بلندیها، شهرها و دهکده ها، برای محمد لذت بخش بود.

کاروان به نزدیک شهر «بُصْرَى» رسید.

در آن جا عبادتگاهی بود که از زمانهای قدیم بنا شده بود، و همیشه یکی از دانشمندان مسیحی در آن عبادتگاه به عبادت مشغول بود. و در انتظار دیدن «آخرین پیغمبر خدا» به سر می برد. چون حضرت عیسی و پیامبران گذشته، از آمدن «آخرین پیغمبر خدا» و نشانه های مخصوصش خبر داده بودند.

به آن عبادتگاه «دیر» می گفتند. در آن زمان «بُحَیْرَا» در آن «دیر» زندگی

می کرد و به عبادت مشغول بود.



... یحیرا، با دقت فراوان، به افراد کاروان نگاه می کرد.



هنگامی که کاروان قریش از دور نمایان گشت، بحیرا از دیر بیرون آمد و چیزهای شگفت‌آوری را مشاهده کرد. کاروان برای استراحت نزدیک «دیر» بار انداخت. کاروانیان این‌جا و آن‌جا آتش روشن کردند و به تهیه غذا مشغول شدند. بحیرا با دقت فراوان، به افراد کاروان نگاه می‌کرد، دوباره چیزهای شگفت‌آوری، توجه او را کاملاً جلب کرد. بر خلاف همیشه که به کاروانها اعتنا نداشت، این مرتبه کاروانیان را به مهمانی دعوت کرد...

وقتی کاروانیان وارد دیر می‌شدند، بحیرا به آنان خوش‌آمد می‌گفت و بادقت، در چهره مهمانان می‌نگریست، گویا گمشده‌ای را جستجو می‌کرد. ناگهان با صدای بلند گفت: پسر جان! جلوتر بیا تا تو را بهتر بینم، پسرک خردسالی، توجهش را جلب کرده بود، او را نگه داشت، خم شد، دست روی شانهایش گذاشت و مدتی از نزدیک به چهره او نگریست. نامش را پرسید، گفتند: محمد...

مدتی خاموش ایستاد و خیره خیره به «محمد» نگاه کرد، سپس با احترام در مقابل محمد نشست، دستش را گرفت و سؤالاتی کرد. خوب تحقیق و کنجکاوی نمود با عمویش ابوطالب هم صحبت کرد و از دیگران هم، چیزهایی پرسید.

گمشده‌اش را پیدا کرده بود، خیلی خوشحال به نظر می‌رسید. به ابوطالب رو کرد و گفت: «این کودک، آینده درخشانی دارد و به مقام بزرگی خواهد رسید. این کودک همان پیغمبری است که پیامبران گذشته، آمدنش را مژده داده‌اند، من در کتابهای دینی نشانه‌هایش را خوانده‌ام. او آخرین

پیغمبر خداست، به زودی به پیغمبری مبعوث می شود و دینش در جهان منتشر می گردد. قدر این کودک را بدان و در حفظ و نگهداریش کوشش کن.»
 کاروانیان بعد از استراحت، بارها را بستند و حرکت کردند. بحیرا بیرون دیر ایستاده بود و اشک می ریخت. تا آن گاه که کاروان ناپدید شد؛ سپس به اطاق خود بازگشت و به فکر فرو رفت.

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱ - ابوطالب با محمد چه نسبتی داشت؟ و بعد از عبدالمطلب چه مسئولیتی را پذیرفته بود؟
- ۲ - عبدالمطلب هنگام مرگ، به فرزندش ابوطالب، چه گفت؟ چه سفارشی کرد؟
- ۳ - بحیرا منتظر بود، چه کسی را ببیند؟ از کجا او را می شناخت؟
- ۴ - چرا بحیرا کاروانیان را به مهمانی دعوت کرد؟
- ۵ - بحیرا در باره آیفه حضرت محمد به ابوطالب چه گفت و به او چه سفارشی کرد؟ حداقل چهار جمله بگویید.

تمرینها: (دو تمرین را انجام دهید.) 

- ۱ - داستان را یک بار بخوانید.
- ۲ - برای یکی از افراد خانواده، تعریف کنید.
- ۳ - خلاصه داستان را در ده خط بنویسید.

(بحیرا = بخی را)

بَعَثِ پیامبر گرامی اسلام

«حِراء» کوه بلند و زیبایی است که در نزدیکی شهر مکه واقع شده است. غار حراء هم غار کوچکی است که نزدیک قَلَّة این کوه بلند، قرار دارد. حضرت محمد، پیش از پیامبری، گاه‌گاه به غار حراء می‌رفت و در آن مکان آرام و خلوت، به عبادت و تفکر می‌پرداخت. شبها در کنار غار، روی تخته‌سنگی می‌ایستاد و مدتی به آسمان صاف مکه و انبوه ستارگان زیبایش، می‌نگریست و عظمت و شکوه جهان آفرینش را تماشا می‌کرد، سپس به غار می‌رفت و با آفریننده این جهان بزرگ، راز و نیاز می‌کرد. و می‌گفت: پروردگارا! این جهان بزرگ را، خورشید و ستارگان زیبا را، بیهوده نیافریده‌ای! از آفرینش آنها منظور و هدفی داری!...

سحرگاه زیبایی بود، و حضرت محمد در آن غار، عبادت می‌کرد که شکوه پیامبری را با تمام وجودش مشاهده کرد: فرشته خدا، جبرئیل، حضورش آمده بود و با آهنگ آسمانی اش به او می‌گفت:

«ای محمد! اینک تو، پیغمبر خدا هستی! خدایت، فرمان داده است که مردم را از شرک و بت‌پرستی و ذلت، نجات‌دهی و آنها را به آزادی و عظمت یگانه‌پرستی و توحید دعوت کنی...»

ای محمد! اکنون، پیامبر خدا هستی. مردم را به «دین اسلام» دعوت کن... اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...

حضرت محمد، جبرئیل را مشاهده کرد و پیامی را که از سوی خدا آورده بود، با تمام وجودش شنید.

سپس با قلبی روشن و دلی آگاه و لبریز از یقین، از کوه حراء پایین آمد و به سوی منزل حرکت کرد. همسر مهربانش خدیجه، در را به رویش گشود و از دیدن چهره نورانی او شادمان شد.

حضرت محمد — که دیگر پیامبر خدا شده بود — به همسرش فرمود: در کوه حراء بودم، فرشته بزرگ خدا، جبرئیل را مشاهده کردم که با آهنگ آسمانیش به من می گفت:

«ای محمد! اینک تو، پیامبر خدا هستی خدایت فرمان داده است که مردم را از شرک و بت پرستی و ذلت، نجات دهی، و آنها را به آزادی و عظمت یگانه پرستی و توحید دعوت کنی...»

چه وظیفه سنگین و چه مسئولیت دشواری بر عهده من نهاد! خدیجه، آن بانوی گرامی، به همسر امین و راستگویش گفت: من، پیش از این هم می دانستم که تو پیامبر خدا خواهی شد و چنین روز پرشکوهی را، انتظار می کشیدم. حضرت عیسی به پیامبری تو، بشارت داده است. آری! خدا مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده ات گذارده است. اکنون من، به یگانگی خدا شهادت می دهم و به پیامبری تو ایمان می آورم، و مسلمان می شوم و در همه حال، پشتیبان و یاور تو هستم.

حضرت علی هم که نوجوان فهمیده و باهوشی بود، به پیامبری حضرت محمد ایمان آورد و نخستین مردی بود که مسلمان شد.

تا مدتی عده مسلمانان، بیش از این سه نفر نبود، ولی همین سه نفر با همت عالی و تصمیم آسمانی که داشتند، می خواستند با جهان بت پرستی و

بی‌دینی مبارزه کنند. در آغاز، فقط، این سه نفر به نماز می‌ایستادند. و در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم، با خدای یگانه گفتگو و رازونیا می‌کردند.

مردی می‌گوید: روزی در مسجد الحرام نشسته بودم، دیدم: مرد خوش‌سیمایی وارد مسجد شد، نظری به سوی آسمان افکند و ایستاد، نوجوانی در طرف راستش ایستاد و بعد زنی آمد و پشت سر آنها ایستاد.

مدتی ایستادند و کلماتی گفتند، سپس خم شدند، دوباره ایستادند، نشستند و سر روی زمین نهادند... تعجب کردم، به شخصی که پهلویم نشسته بود، گفتم: عباس! این سه نفر کیستند؟ چه می‌کنند؟ عباس گفت: آن مرد که جلو ایستاده است «محمد» پسر برادر من است، آن زن «خدیجه» همسر باوفای اوست، آن نوجوان «علی» پسر برادر دیگر من می‌باشد.

محمد می‌گوید که خدا او را، برای پیامبری برگزیده است. آن زن و آن نوجوان هم، به او ایمان آورده‌اند و دین او را پذیرفته‌اند. به غیر از این سه نفر، کسی بر دین آنها نیست...

محمد می‌گوید «دین اسلام» برای همه مردم جهان است و به زودی عده بسیاری این دین را می‌پذیرند و مسلمان می‌شوند.

پیغمبر گرامی ما، روز بیست و هفتم ماه «رجب» به پیغمبری برگزیده شد. این روز را روز «مبعث» می‌گویند. پیغمبر گرامی ما، در آن وقت، چهل سال داشت.



- ۱ - پیامبر گرامی ما، پیش از پیامبری، برای عبادت و تفکر به کجا می‌رفت؟ به کجا می‌نگریست؟ با خدا چه می‌گفت؟
- ۲ - آیا شما، تاکنون به آسمان پرستاره، نگاه کرده‌اید؟ پیش خود چه اندیشیده‌اید؟
- ۳ - نام فرشته‌ای که برای حضرت محمد پیام آورد، چه بود؟ پیامی که برای او آورد، چه بود؟ در سه جمله بیان کنید.
- ۴ - حضرت محمد با چه حالتی، از کوه حراء پایین آمد؟ به همسرش خدیجه، چه گفت؟
- ۵ - همسرش، بعد از شنیدن سخنانش، به او چه گفت؟ حداقل در سه جمله بگویید.
- ۶ - پیامبر گرامی، در چه سنی از طرف خدا به پیغمبری برگزیده شد؟
- ۷ - روز مبعث چه روزی است؟ آیا در جشنی که به این مناسبت برپا شده، شرکت کرده‌اید؟

تمرینها:

- ۱ - درس را، یک بار بلند و روان بخوانید.
- ۲ - خلاصه درس را بنویسید.

دعوت به ایمان و آزادگی

فریادی برخاست. مردی در کنار کوه ایستاده بود و مردم را صدا می‌زد: ای مردم بیا، برای شما پیامی دارم. مردم به سویش دویدند. کودکان نیز خود را به او رسانیدند. دورش جمع شدند. برای این که صدایش بهتر به مردم برسد و همه او را ببینند از تخته سنگ بزرگی بالا رفت و روی آن ایستاد. نگاهی به مردم کرد و گفت: ای مردم، ای همشهریان و خویشان من، شما مرا به خوبی می‌شناسید و به من اعتماد دارید. آیا این طور نیست؟ همه گفتند بله همین طور است. ای محمد ما تو را امین و راستگو می‌دانیم.

او دستش را آرام بالا برد و از مردم خواست که ساکت باشند. سپس گفت: ای مردم، من از طرف خدای یگانه برای شما پیامی آورده‌ام. یکی پرسید: ای محمد امین، پیامت چیست؟ او با صدایی رسا گفت: قولوا «لا اله الا الله» تفلحوا بگوئید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید و با بیان روشنتر و مفصل یعنی: بت پرستی نکنید، برای خدا شریک نگیرید، ستمکاران را اطاعت نکنید، به کسی ستم روا ندارید و دشمن ستمگر باشید. جز خدا معبودی نگیرید تا پیروز و سعادتمند زندگی کنید.

بگوئید لا اله الا الله و رهبری انسانها را بر عهده گیرید و آنان را از ذلت و ستم نجات دهید.

بگوئید لا اله الا الله تا در دنیا سربلند و آزاد باشید و در آخرت در بهشت زیبایی که خدا برای شما آفریده است، زندگی کنید.

این است پیام خدا برای شما: لا اله الا الله

سرو صدا برخاست. دیگر نگذاشتند «محمد امین» به سخنانش ادامه دهد. بعضی به فکر فرو رفتند و بعضی دیگر، که از اشراف و ستمگران مکه بودند خشمگین شدند و پیامبر را مسخره کردند.

یک روز جمعی از بزرگان مکه به خانه ابوطالب، عموی پیامبر رفتند. ابوطالب بزرگ شهر و قبیله بود، پیرمرد بود و همه به او احترام می گذاشتند. آنها به ابوطالب گفتند: می دانی برادرزاده ات چه می گوید؟

«محمد می گوید بتها را پرستید و به خدای یگانه ایمان آورید». محمد چه حرفهای عجیبی می زند!

ای ابوطالب تو باید جلوی محمد را بگیری که دیگر از این حرفها نزنند وگرنه ممکن است او را به قتل برسانند.

یکی از آنها گفت: محمد چه می خواهد؟ آیا همسر و خانه و زندگی می خواهد؟ هر چه می خواهد به او می دهیم فقط به این شرط که دیگر از این حرفها نزنند و خود را رسول الله ندانند.

به ابوطالب گفتند با محمد صحبت کن و او را از این حرفها بازدار. ابوطالب حضرت محمد را به خانه خویش دعوت کرد و به او گفت: ای فرزندی برادر! می دانی که بزرگان شهر دیروز برای چه به منزل من آمده بودند و چه می گفتند؟ مگر به آنها چه گفته ای؟

محمد که عموی خود را خیلی دوست می داشت گفت: عمو جان! خدا مرا برای پیامبری برگزیده است. به من پیام داده تا مردم را به «یگانه پرستی» دعوت کنم. خدا به من فرمان داده تا مردم را از بت پرستی و ستمگری بازدارم این کار

مأموریت الهی من است.

ابوطالب که به سخنان محمد خوب گوش می‌کرد و در دل به او ایمان داشت آهسته گفت: پسر من می‌دانی از من چه می‌خواستند؟ می‌خواستند که تو را از این حرفها بازدارم. محمد بلافاصله گفت: عمو جان من هرگز نمی‌توانم از فرمان خدا سرپیچی کنم. فرمان خدا را انجام خواهم داد و مردم را به یگانه‌پرستی و توحید دعوت خواهم کرد.

عمو جان! به خدا سوگند اگر ماه و خورشید را در دست من بگذارند و همه ثروتها و زیبایهای جهان را به من ببخشند که از فرمان خدا سرپیچی کنم، هرگز نمی‌پذیرم و فرمان خدا را انجام خواهم داد.

ابوطالب در پایان گفت: هر طور که خدا به تو فرمان داده اقدام کن که من از تو پشتیبانی خواهم کرد.



-
- ۱ - «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» یعنی چه؟ علاوه بر معنای کوتاه، در شش جمله آن را به‌طور مفصل هم شرح دهید.
 - ۲ - حضرت محمد راجع به مأموریت الهی خود به عمویش چه گفت؟ در سه جمله بیان کنید.
 - ۳ - وقتی حضرت محمد در گفتگو با عمویش ابوطالب به خدا سوگند خورد، به او چه گفت؟
 - ۴ - در پایان گفتگو، حضرت ابوطالب به حضرت محمد چه گفت و چه وعده داد؟

حضرت فاطمه

بانوی نمونه اسلام

حضرت فاطمه در سال پنجم بعثت، به دنیا آمد. پدرش حضرت محمد و مادرش خدیجه بود. (خدیجه نخستین زنی بود که مسلمان شد، به خدا و پیغمبرش، به راستی ایمان آورد. او زنی باوفا و ثروتمند بود و همه ثروتش را در راه پیشرفت اسلام مصرف کرد.)

حضرت محمد دخترش فاطمه را، بسیار دوست می داشت. و درباره اش می فرمود: «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را اذیت کند، مرا اذیت کرده و هر کس او را خشنود کند، مرا خشنود کرده است.»

حضرت فاطمه در آغاز رشد و نوجوانی، با حضرت علی ازدواج کرد، او بانوی نمونه اسلام بود، و در عبادت و اخلاق سرآمد همه بانوان بود. برای شوهرش بهترین همسر بود و برای فرزندانش بهترین مادر. کارهای خانه را انجام می داد، در نگهداری و آماده کردن وسایل زندگی، زحمت می کشید و رنج می برد. هرگز تقاضای بی جا، از حضرت علی نکرد، و او را به سختی نینداخت. حضرت علی در باره رفتار خود و حضرت فاطمه می فرمود: به خدا سوگند! در تمام دوران زندگی، کاری نکردم که فاطمه ناراحت و خشمگین شود، فاطمه هم، هیچ وقت مرا ناراحت و خشمناک نکرد.

حضرت فاطمه دو پسر داشت، به نام «حسن» و «حسین» و دو دختر، به نام «زینب» و «امّ کلثوم».

نسل پیامبر، از فرزندان فاطمه، به وجود آمد. یازده امام گرامی ما، از نسل

حضرت فاطمه هستند، حضرت فاطمه فرزندان را، بسیار دوست می‌داشت.
آنها را با اخلاق و آداب اسلامی تربیت کرد و بهترین فرزندان را پرورش داد.
فاطمه — که درود خدا بر او باد — در سوم ماه جمادی الثانیه در سن
هجده سالگی، از دنیا رفت. بدنش را در شهر مدینه به خاک سپردند، اما جای
قبرش معلوم نیست.



گردن‌بند بابرکت

پیر مردی رنگ پریده و گردآلود، وارد مسجد شد. جامه‌ای پاره و کهنه بر
تن داشت. خدمت رسول خدا رسید و با سه جمله کوتاه حالش را بیان کرد:
یا رَسُولَ اللَّهِ! گرسنه‌ام غذایم بده
برهنه‌ام لباسم بده
بینوایم کمکم کن
حضرت محمد فرمود: چیزی در دست ندارم، به خانه دخترم برو، از تو
دستگیری خواهد کرد.
خانه حضرت فاطمه نزدیک بود، یکی از اصحاب، پیرمرد را، تا خانه
دختر پیامبر، راهنمایی کرد.
پیرمرد در زد.
— کیستی؟

— شخصی گرسنه‌ام، برهنه‌ام، بینوایم به من رحم کنید، خدا به شما رحم کند.

حضرت فاطمه، گردن‌بندی را که یکی از خویشانش به او بخشیده بود؛ از گردن باز کرد و به او داد، فرمود: این گردن‌بند را بفروش و خرج کن! امیدوارم در آینده بی‌نیاز گردی!

مرد بینوا خوشحال برگشت.

رسول خدا هنوز در مسجد بود. پیرمرد گردن‌بند را نشان داد و گفت: یا رسول‌الله! دخترت فاطمه، گردن‌بندش را به من بخشید که بفروشم... یکی از دوستان پیغمبر، به نام «عمار» سخن پیرمرد را شنید. از او پرسید: گردن‌بند را چند می‌فروشی؟

پیرمرد گفت: به غذایی که سیرم کند و پارچه‌ای که تنم را بپوشاند و پولی که مرا به منزل برساند.

عمار گفت:

گردن‌بند را از تو خریدم،

به غذایی از نان و گوشت،

و لباسی از پارچه‌های یمن،

و چهارپایی که تو را به منزل برساند،

به‌علاوه هشت دینار طلا و دویست درهم نقره.

عمار پیرمرد را، به خانه برد، قیمت گردن‌بند را پرداخت.

پیرمرد، غذا را خورد، لباس را پوشید و سیر و خوشحال روانه شد.

سپس عمار، گردن‌بند را معطر کرد و در پارچه‌ای پیچید و به غلام داد و گفت: پیش رسول خدا برو، تو را و این گردن‌بند را، به رسول خدا بخشیدم. غلام، خدمت پیامبر رسید و پیغام عمار را رسانید. حضرت رسول، نگاهی به گردن‌بند نمود و فرمود: من هم، گردن‌بند را و تو را، به دخترم بخشیدم. غلام، خدمت حضرت فاطمه رسید، سخن رسول خدا را به او گفت و گردن‌بند را، تقدیم کرد. حضرت فاطمه، تشکر کرد و گفت: من هم، تو را در راه خدا آزاد کردم. تو دیگر «برده» نیستی! آن مرد (غلام)، خوشحال شد، و با شادی و تعجب گفت: چه گردن‌بند با برکتی!

گرسنه‌ای را سیر کرد و برهنه‌ای را پوشانید،
 بینوایی را نوا بخشید و پیاده‌ای را سوار کرد،
 برده‌ای را آزاد کرد و در آخر نزد صاحبش بازگشت.



خوب بدانید که:

پیامبر اسلام و پیروانش با برده‌داری شدیداً مبارزه می‌کردند و با هر بهانه‌ای بردگان را آزاد می‌ساختند. در اسلام آزاد ساختن بردگان از بهترین عبادتها شمرده شده است و حتی در بسیاری از موارد، آزاد ساختن بردگان واجب شده است.



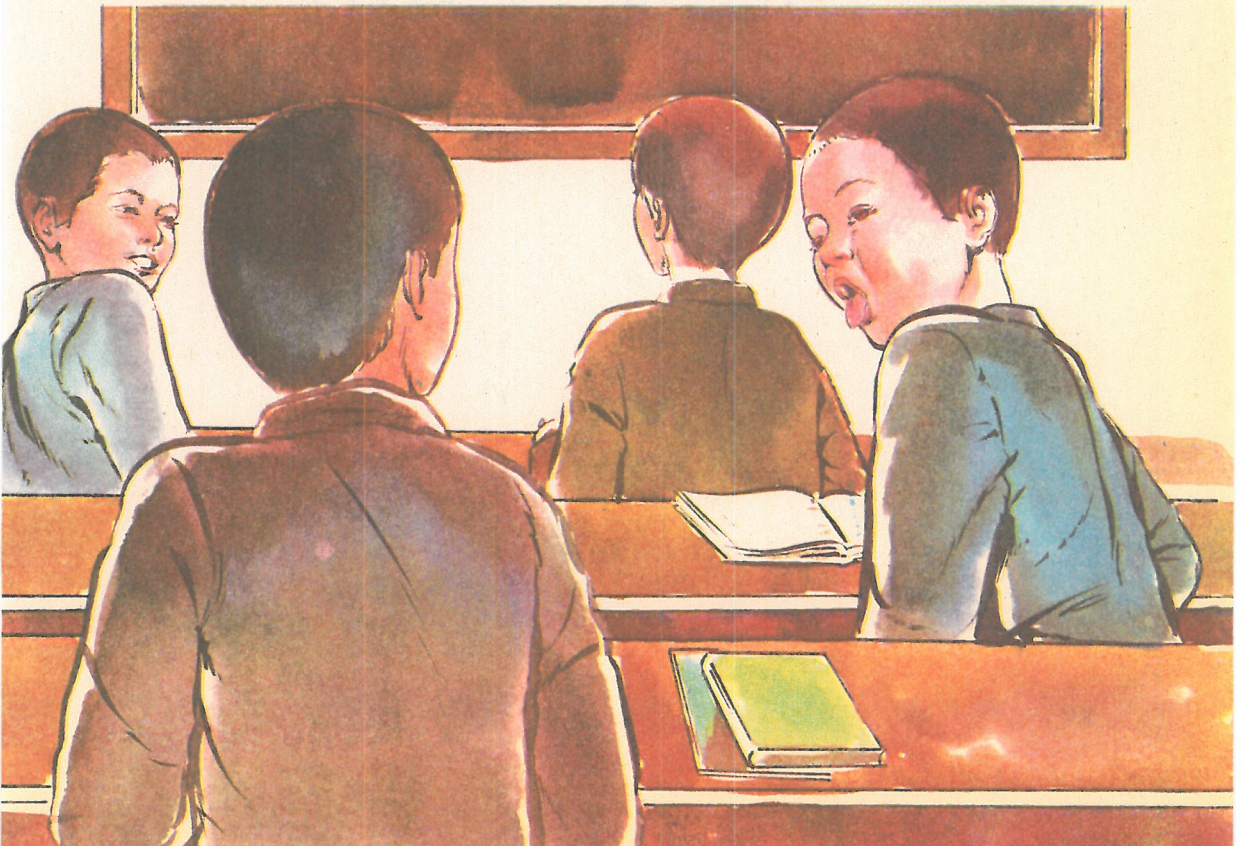
- ۱ - حضرت خدیجه را معرفی کنید. (حداقل در چهار جمله)
- ۲ - حضرت محمد در باره دختر گرامیش فاطمه، چه فرموده است؟
- ۳ - حضرت علی در باره رفتار خود و حضرت فاطمه چه می فرمود؟
- ۴ - با توجه به مطالبی که در درس آمده است، حضرت فاطمه را معرفی کنید.
(حداقل در هشت جمله)
- ۵ - وقتی پیرمرد تهیدست و بینوا از حضرت فاطمه کمک خواست، حضرت فاطمه چه چیزی به او داد و چه گفت؟
- ۶ - عمار گردن بند را به چه قیمتی از پیرمرد خرید؟
- ۷ - عمار گردن بند را به که بخشید؟ چگونه؟
- ۸ - سرانجام گردن بند نزد چه کسی رسید؟ چگونه؟
- ۹ - غلام را چه کسی آزاد کرد؟ هنگامی که او آزاد شد، چه گفت؟
- ۱۰ - برخورد پیامبر و پیروان ایشان با برده داری چگونه بوده است؟

بخش ۴

آشنایی با مبانی و اخلاق اسلامی

درس چهاردهم

مسخره گر، سخت کیفر می شود
اگر کسی شما را مسخره کند، چه حالی پیدا می کنید؟
آیا ناراحت نمی شوید؟



اگر شما، هنگام خواندن درس، اشتباه کنید و یکی از دانش‌آموزان، شما را مسخره کند و «آدای» شما را درآورد، آیا ناراحت نمی‌شوید؟ بدتان نمی‌آید؟ آیا او را یک فرد بی‌ادب نمی‌شمارید؟

دیگران نیز — مثل شما — از مسخره شدن ناراحت می‌شوند و «مسخره‌گر» را دوست ندارند. خدا هم، آدم مسخره‌چی و هرزه‌گو را دوست ندارد و او را سخت کیفر می‌دهد.

خدا در قرآن شریف، انسانها را از مسخرگی و سبک شمردن دیگران، نهی می‌کند و می‌فرماید:

«ای انسانهایی که به خدا و روز جزا ایمان دارید! مبادا بعضی از شما، بعضی دیگر را مسخره کند! هرگز کسی، دیگری را مسخره نکند، چون ممکن است بهتر از خودش را مسخره کرده باشد. از یکدیگر بدگویی نکنید، همدیگر را با نامهای زشت و سبک صدا نزنید؛ برای انسان مسلمان زشت است که به کسی توهین کند، و او را سبک صدا بزند.»

پیامبر گرامی اسلام فرمود: هر کس مسلمانی را مسخره نماید و به او توهین کند یا او را سبک صدا بزند، چنان است که به جنگ من برخاسته باشد.



- ۱ - خدا، در قرآن شریف دربارهٔ مسخره کردن چه می‌فرماید؟ مسلمانان را از چه چیزهایی نهی می‌کند؟
- ۲ - پیامبر گرامی ما، دربارهٔ مسخره کردن یک مسلمان چه می‌فرماید؟
- ۳ - در میان دوستان شما، چه کسی، هرگز دیگران را مسخره نمی‌کند؟

تمرین: (هر کدام را که می‌خواهید انجام دهید.)

- ۱ - درس را برای هم بخوانید و تعریف کنید.
- ۲ - خلاصهٔ درس را برای هم بگویید.
- ۳ - چند سؤال دیگر از درس طرح کنید و از هم بپرسید.
- ۴ - از روی درس یک مرتبه با خطّ خوش بنویسید.

با مادرم چگونه رفتار کنم؟

زکریّا مسیحی بود و در شهر کوفه زندگی می کرد. پدر و مادر و همه خویشان این جوان مسیحی بودند. زکریّا در اثر رفت و آمد و معاشرت با مسلمانان به دین اسلام علاقه مند شد. رفتار نیک و اخلاق پسندیده، راستی و درستی و پاکیزگی و نماز و عبادت مسلمانان را از نزدیک می دید. با قرآن آشنا شد و در آیات آن می اندیشید، بعد از تحقیق و کنجکاوی دین اسلام را پذیرفت و مسلمان شد.

سپس برای مراسم حجّ، به مکه سفر کرد. در مراجعت از سفر، در مدینه خدمت امام صادق — علیه السلام — رسید و عرض کرد: من مسیحی بودم و تازه مسلمان شده ام. امام پرسید علت مسلمان شدنت چه بود؟ گفت: در آیات قرآن تفکر کردم. فکر می کردم چگونه یک فرد امّی و درس نخوانده می تواند چنین آیات زیبا و پرمعنایی را بیاورد؟ و از همین راه اطمینان پیدا کردم که قرآن از جانب خدا نازل شده و محمد پیامبر خدا می باشد. بعد از تحقیق مسلمان شدم.

امام صادق برای او دعا کرد و فرمود: خدایا دلش را نورانی کن. آن گاه زکریّا گفت: ای فرزند گرامی رسول خدا! پدر و مادر و همه خویشان من مسیحی هستند چگونه با آنها رفتار کنم؟ مادری دارم پیر و نابینا و به پرستار احتیاج دارد، چه کنم؟ آیا ارتباطم را با وی قطع کنم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: اسلام دین مهر و محبت است. در باره خویشان مخصوصاً پدر و مادر سفارشها دارد. ای جوان! مواظب مادرت باش و هر چه می توانی از او پذیرایی کن. بیش از پیش با او مهربان و خوش رفتار باش.

مبادا بی‌احترامی کنی یا با صدای بلند جوابش را بدهی.

زکریّا سخن امام را شنید و خداحافظی کرد و به کوفه بازگشت و به خدمت مادر شتافت: بیش از پیش از او پذیرایی و مهربانی و دلجویی می‌کرد. با دست خویش به او آب و غذا می‌داد. لباسها و بدنش را می‌شست و تمیز می‌کرد. دستش را می‌گرفت و او را به این طرف و آن طرف می‌برد، در هنگام فراغت، نزدش می‌نشست و به سخنانش خوب گوش می‌داد و از او دلجویی می‌کرد.

مادر که از این همه خوشرفتاری و مهربانی تعجب کرده بود، گفت: پسر من! تو قبلاً این قدر از من پذیرایی نمی‌کردی، چه طور شده که این قدر به من مهربان شده‌ای؟ زکریّا گفت: مادر جان! امام و رهبر ما که در مدینه زندگی می‌کند به من سفارش کرده که تا می‌توانم از پدر و مادر پذیرایی کنم. مادر گفت: پسر جان! گمان می‌کنم او پیامبر باشد، زیرا پیامبرانند که دربارهٔ پدر و مادر این چنین سفارش می‌کنند.

زکریّا گفت: نه مادر جان! او پیامبر نیست. بلکه امام و فرزند پیامبر می‌باشد. پیامبر ما آخرین پیامبرانست و بعد از او پیغمبر دیگری نخواهد آمد. اشک مادر پیر جاری شد و گفت: پسر من! دین تو بهترین دینهاست چه آیین خوبی را پذیرفته‌ای! دینی که به فکر پدر و مادر پیر و نابینا نیز بوده است. پسر من! مرا به عقاید و دستورهای این آیین مقدس آگاه ساز. زکریّا دربارهٔ خداشناسی و معاد و پیامبر اسلام با مادرش صحبت کرد. هنگامی که پیرزن نابینا با اسلام آشنا شد، دین اسلام را پذیرفت وضو و نماز خواندن را نیز یاد گرفت. نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را خواند، و در همان شب، حالش تغییر کرد و در بستر بیماری افتاد

و بدحال شد. پسر را صدا زد و گفت: پسر جان! عقاید اسلام را دوباره برایم تکرار کن. پسر مهربان دست مادر بیمار و ناتوان را در دست گرفت و با چشم گریان گفت: مادر جان! بگو: به خدای یگانه که آفرینندهٔ انسان و جهان است شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستادهٔ خداست. به جهان آخرت و زندگی پس از مرگ، ایمان دارم و می‌دانم که خدا نیکوکاران را پاداش نیک می‌دهد. و بدکاران را به کیفر می‌رساند. مادر پیر و نابینا، بعد از گفتن شهادت، تبسمی کرد و به جهان آخرت شتافت. مسلمانان بدن آن تازه مسلمان را تشییع کردند. زکریا با چشم گریان بدن مادر را به خاک سپرد و برایش طلب آمرزش کرد.

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱ - زکریا چه دینی داشت؟ چگونه شد که به دین اسلام علاقه‌مند شد؟
- ۲ - وقتی حضرت امام صادق از زکریا علت مسلمان شدنش را پرسید، او در پاسخ چه گفت؟ پاسخ را در چهار جمله بگویید.
- ۳ - حضرت امام صادق - علیه السلام - در پاسخ زکریا - که پرسید: با مادرم چگونه رفتار کنم؟ - چه فرمود؟ حداقل در چهار جمله بگویید.
- ۴ - رفتار زکریا با مادرش، بعد از این که مسلمان شد چگونه بود؟
- ۵ - مادر زکریا چرا از رفتار خوب پسرش تعجب کرد؟ چه گفت؟ زکریا چه پاسخ داد؟
- ۶ - عقایدی که زکریا هنگام مرگ مادرش برای او گفت و تکرار کرد، چه بود؟
- ۷ - رفتار شما با مادر چگونه است؟ آیا بر اساس سفارشهای اسلام است؟

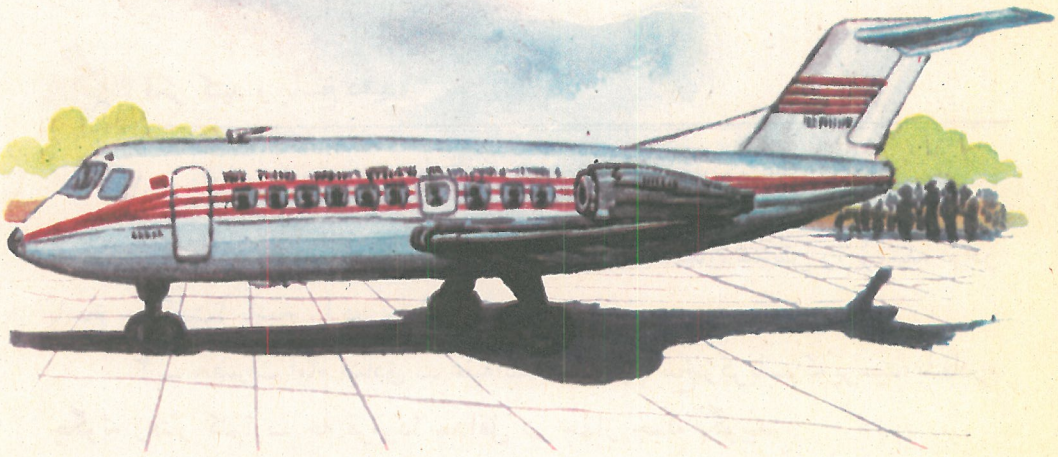
بخش

امامت و رهبری

امام جانشین آگاه و امین پیامبر

درس شانزدهم

چه کسی می تواند جانشین پیغمبر شود؟



مسافری این هواپیما، سوار شده اند ولی خلبان، هنوز نیامده است. گویا
مریض شده و نمی تواند بیاید.

چه کسی را به جایش می گذارند، که مسافرین را به مقصد برساند؟ یکی از
مسافرین را؟ یا مهماندار هواپیما را؟ یا یک رهگذر را؟... چه کسی را؟

آیا کسی را که «بینش و آگاهی کافی» برای هدایت هواپیما ندارد، به جای
خلبان می‌گذارند؟ آیا مسافری به او اعتماد می‌کنند؟ آیا با او پرواز می‌کنند؟
چه کسی می‌تواند جانشین خلبان شود؟ حتماً کسی که: خلبانی را درست
بداند و در این فن «بینش و آگاهی» داشته باشد.

حالا، با توجه به این مثال، آیا می‌توانید بگویید:

چه شخصی می‌تواند «جانشین پیغمبر» باشد؟

آیا کسی که «بینش و آگاهی» برای هدایت مردم ندارد، می‌تواند جانشین
پیغمبر شود؟ آیا می‌تواند ولایت و سرپرستی و رهبری مردم را بر عهده گیرد؟
آیا کسی که قوانین دین را درست نمی‌داند و گناه و اشتباه می‌کند، برای
جانشینی پیغمبر، لیاقت دارد؟ آیا مردم به او، اعتماد می‌کنند؟
آیا مردم می‌توانند بهترین فردی را که شایستگی جانشینی دارد، تشخیص
دهند؟

چه کسی بهتر می‌داند که برای جانشینی پیغمبر، چه شخصی، شایسته
است؟ خدا بهتر می‌داند یا مردم؟

البته خدا بهتر می‌داند و به همین جهت، شخص شایسته‌ای را برای
«جانشینی پیامبر» تعیین می‌کند و به پیغمبر فرمان می‌دهد که: «بینش و آگاهی
الهی» خود را در اختیار او قرار دهد. پیغمبر هم، به فرمان خدا عمل می‌کند و او
را برای جانشینی خود به مردم معرفی می‌کند.

جانشین پیغمبر را «امام» می‌نامند. امام بعد از پیامبر پیشوا و ولی و رهبر
مردم است.

امام معصوم جانشین پیامبر

پیامبر، به فرمان خدا، انسانی درستکار و امین را برمی‌گزیند تا جانشین او باشد و بعد از او کارهایش را انجام دهد.

امام، انسان امین و درستکاری است که خدا، او را برای «امامت و رهبری و ولایت مردم» برمی‌گزیند و پیامبر به فرمان خدا او را معرفی می‌کند تا امام با گفتار و رفتار خود، مردم را به سوی خدا و سعادت همیشگی راهنمایی و هدایت کند. و مردم، در روش زندگی از او سرمشق گیرند و پیرو او باشند.

پیامبر، به اذن خدا «بینش و علم و آگاهی الهی» خود را در اختیار جانشینش قرار می‌دهد، تا او بتواند مردم را درست رهبری و راهنمایی کند. در بینش و علم و آگاهی، امام سرآمد همه مردم است. امام قانونها و دستورهای دین را می‌داند و نگهداری می‌کند و با آگاهی و بینش الهی خود جامعه اسلامی را رهبری می‌نماید. امام — مانند پیغمبر — نمونه کامل دین است و به دستورهای دین کاملاً عمل می‌کند.

امام — مانند پیامبر — زشتی و پلیدی گناه را می‌بیند و به جهت همین «بینش و آگاهی» هرگز گناه نمی‌کند، بلکه از آن بیزار است.

چون امام — مانند پیامبر — گناه و اشتباه ندارد، مردم به او اعتماد می‌کنند و می‌توانند از گفتار و رفتارش پیروی کنند.

امامان (دوازده امام) همه، معصومند. یعنی:

گناه نمی‌کنند. کاملاً درستکار و امین هستند. قانونها و دستورهای دین را،

درست و کامل به مردم می‌رسانند یعنی: اشتباه و فراموشی ندارند.

فکر کنید و پاسخ دهید 

- ۱ - جانشین پیامبر چه نام دارد؟ چه کسی او را برای جانشینی پیامبر تعیین می‌کند و چه کسی او را به مردم معرفی می‌نماید؟
- ۲ - بینش و علم و آگاهی امام چگونه است؟ امام این بینش و آگاهی را از که آموخته است؟
- ۳ - امام چگونه انسانی است؟
- ۴ - مسئولیت اصلی امام چیست؟
- ۵ - «امامان معصومند» یعنی چه؟

عید بزرگ غدیر

حضرت محمد، پیامبر گرامی اسلام، در آخرین سال عمر خویش، برای انجام عبادت حج و راهنمایی مسلمانان به مکه رفت. از مسلمانها نیز دعوت کرد که در مراسم حج شرکت کنند. کسانی که توانایی داشتند، دعوت پیامبر را پذیرفتند و عده زیادی به سوی مکه حرکت کردند، عبادت پرشکوه حج را انجام دادند و آداب و اعمال حج را از پیامبر فرا گرفتند، بعد از انجام مراسم حج کاروانها به همراه پیامبر به سوی وطن حرکت کردند. صدای زنگ شترها بیابان را پر کرده بود. هوا بسیار گرم و صحرای حجاز سوزان بود. در بین راه فرشته وحی فرود آمد و از جانب خدا پیام آورد، که:

هان ای پیامبر! پیامی را که از پروردگارت به سوی تو فرود آمده، به مردم برسان. و اگر کوتاهی کنی رسالت الهی خویش را انجام نداده ای. خدا تو را از شر دشمنان نگاه می دارد و کافران را به مقصود نمی رساند.

پیامبر همان جا، فرود آمد تا به فرمان خدا عمل کند. به عده ای از مسلمانان فرمود: به کاروانهایی که جلو رفته اند خبر دهید، برگردند و به آنها که هنوز نرسیده اند، بگویید: زودتر بیایند. این عده بر شترهای تیزرو سوار شدند و خود را شتابان به کاروانها رسانیدند و فرمان پیامبر را ابلاغ کردند.

کاروانیان که پیش رفته بودند افسار شترها را کشیدند و گفتند: چرا بایستیم؟ مگر چه خبر است؟ سواران گفتند: پیامبر با شما کار دارد، فرموده به کنار غدیر برگردید، کاروانها برگشتند و در کنار غدیر بار انداختند. آنها هم که نرسیده بودند رسیدند و به این ترتیب هزاران نفر در آن جا جمع شدند و نماز

ظهر را با پیامبر خواندند سپس از باربند شترها منبری برپا ساختند. پیامبر گرامی بر فراز آن، ایستاد تا فرمان خدا را انجام دهد و آن پیام مهم را به مردم برساند. مردم همه خاموش و ساکت در انتظار شنیدن سخنان پیامبر بودند. پیامبر گرامی بعد از پند و اندرز و سخنانی سودمند، با آهنگی آسمانی و صدایی بلند، به مردم فرمود:

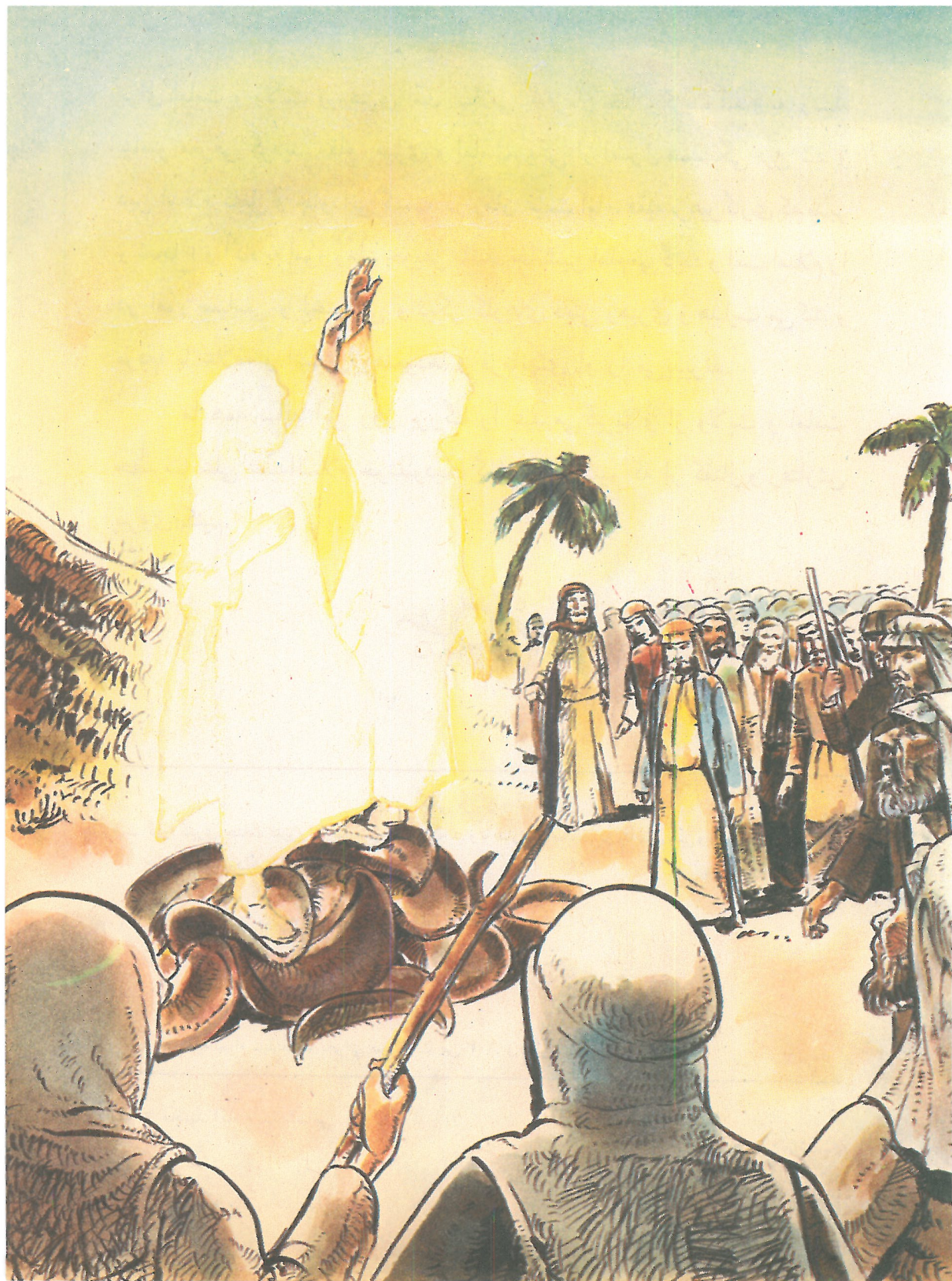
ای مردم! پیشوا و سرپرست شما کیست؟ رهبر و صاحب اختیار شما کیست؟ آیا من رهبر و پیشوای شما نیستم؟ آیا من سرپرست و صاحب اختیار شما نیستم؟

گفتند: یا رسول الله! شما رهبر و صاحب اختیار ما هستید، شما پیشوای ما هستید. پیامبر اکرم در این هنگام، علی بن ابیطالب علیه السلام را به نزد خویش خواند، دستش را گرفت و بلند کرد و او را به مردم نشان داد و با صدای بلند فرمود: کسی که من ولی و صاحب اختیار او هستم، بعد از من «علی» ولی و صاحب اختیار او خواهد بود.

پروردگارا! با دوستان علی دوست باش! و با دشمنان او دشمن باش! پروردگارا! یاران علی را یاری کن و بدخواهان علی را خوار گردان. سپس از منبر فرود آمد. در این هنگام مسلمانها دسته دسته می آمدند دست علی را می گرفتند و مقام ولایت و رهبری مؤمنین را به او تبریک می گفتند. و او را «امیر المؤمنین» می خواندند.

آن روز، روز هجدهم ذی حجه بود. در آن روز علی بن ابیطالب علیه السلام





برای امامت و ولایت و رهبری امت اسلامی به فرمان خدا برگزیده شد و به وسیله پیامبر معرفی گردید. مقام رهبری و امامت، یکی از اصول همیشگی دین شد و دین اسلام کامل و جاودانی گشت. در زمان غیبت امام، فقیه پرهیزگاری که مدبّر و شجاع و آگاه به امور زمان خویش باشد، جانشین امام می گردد و امت اسلام را در امور سیاسی و اجتماعی و دیگر کارهای دینی رهبری و هدایت می کند و مردم، با علاقه و اشتیاق رهنمودها و فرمانهای او را می پذیرند.

ما همه ساله این روز بزرگ را عید می گیریم و از ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام خوشنودیم. کوشش می کنیم که از گفتار و رفتارش پیروی کنیم.



-
- برای آگاهی مربیان و آموزگاران
- ۱ - گروه کثیری، حدیث غدیر را از پیغمبر روایت کرده اند. و با عبارتهای مختلف در کتابهای سنّی و شیعه نقل شده است. مانند: مجمع الزوائد جلد ۹ ص ۱۰۳ تا ص ۱۰۹
- سیره ابن کثیر جلد ۴ ص ۴۱۷ تا ص ۴۲۶
- سیره حلبی جلد ۳ ص ۳۰۸.
- سنن ابن ماجه جلد ۱ ص ۴۳.
- مستدرک حاکم جلد ۲ ص ۱۱۰
- اسدالغابه جلد ۴ ص ۲۸.
- غایة المرام سید هاشم بحرانی ص ۷۹ تا ص ۱۰۳. و دیگر کتابها.
-



- ۱ - وقتی پیامبر گرامی اسلام از آخرین سفر حج خود باز می‌گشت، فرشته‌ی وحی چه پیامی برای او آورد؟ متن پیام را بگویید.
- ۲ - پیامبر برای این که به فرمان خدا عمل کند، چه کرد؟
- ۳ - در روز غدیر پیامبر ابتدا از مردم چه پرسید؟ مردم چه پاسخ دادند؟
- ۴ - پیامبر وقتی دست علی بن ابیطالب را گرفت چه کرد؟ و چه فرمود؟ پس از معرفی حضرت علی چه دعائی کرد؟
- ۵ - پس از معرفی، مسلمانها به چه عنوانی به حضرت علی تبریک گفتند؟
- ۶ - روز هجدهم ماه ذی‌حجه چه روزی است؟ چرا این روز را عید غدیر می‌نامند؟
- ۷ - پیامبر خدا مقام امامت و جانشینی خود را، در روز عید غدیر به چه کسی سپرد؟
- ۸ - در زمان غیبت امام، ولایت و رهبری جامعه به عهده‌ی چه کسی است؟
- ۹ - فقیه پرهیزگار و مدبر و شجاع، امت اسلام را در چه اموری رهبری می‌کند؟

تمرینها: (هر کدام را که می‌توانید انجام دهید.)



- ۱ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.
- ۲ - درباره‌ی پاسخ پرسشهای درس با یکی از دوستان خود مباحثه کنید.
- ۳ - خلاصه‌ی درس را بنویسید.

شیعه و سنی

حضرت علی - علیه السلام - ویژگیهای فراوانی داشت: نخستین فرد مسلمان و بهترین آنان بود، سخنان پیغمبر را خوب می شنید و از دستورهای پیغمبر اطاعت می کرد، در همه کارها، کاملاً تسلیم دستورهای پیغمبر بود. همه جا پیغمبر را یاری و کمک می کرد، در راه پاسداری دین کوشش و جهاد می نمود و از مرگ هراسی نداشت.

در زمان پیغمبر، عده ای از مسلمانان با حضرت علی دوست بودند. همراه حضرت علی از دین پاسداری می کردند و برای پیشرفت اسلام و نجات انسانها کوشش و جهاد می نمودند. همه جا از گفتار و رفتار و اخلاق حضرت علی پیروی می نمودند و مانند حضرت علی از دستورهای پیغمبر اطاعت می کردند. پیغمبر گرامی ما، به حضرت علی و این گروه ممتاز چنین می فرمود: «ای علی تو و شیعیان تو بهترین مردم روی زمین هستید.» و گاهی که حضرت علی را با دوستانش می دید به آنها اشاره می کرد و می گفت: «این جوان و شیعیانش، رستگارانند.»

پیغمبر گرامی، این گروه را که به راستی به خدا و رسولش ایمان آورده و به سنت و روش پیامبر کاملاً متعهد بودند «شیعه» نامید. و از همان زمان تاکنون به مسلمانانی که در رفتار و گفتار و اخلاق و پاسداری از دین، از پیامبر و حضرت علی پیروی می کنند، شیعه می گویند. (شیعه یعنی پیرو) ما شیعیان عقیده داریم که بعد از پیغمبر، دوازده امام - یکی پس از دیگری - به امامت و رهبری رسیده اند. اولین امام، حضرت علی - علیه السلام - می باشد و دوازدهمین امام،

حضرت مهدی — علیه السلام — می باشد. مذهب رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران «شیعه» می باشد که بنا به دستور پیغمبر جانشینان او را دوازده امام می دانند.

عده دیگری از مسلمانان «سنّی» نام دارند، سنّیان حضرت علی را خلیفه چهارم پیغمبر می دانند. و او را دوست دارند. همه مسلمانها — چه سنّی چه شیعه — خدا را می پرستند، به معاد ایمان دارند و حضرت محمد را رسول گرامی خدا می دانند و قرآن را کتاب مقدس و آسمانی می دانند و به سوی یک قبله نماز می خوانند. همه مسلمانها — چه شیعه چه سنّی — خدای یگانه را می پرستند و از شرک و بت پرستی جداً بیزارند و آن را کفر می دانند و از احکام و دستورهای قرآن و اسلام پیروی می کنند و خود را با یکدیگر برادر و همکیش می دانند، نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند، یار و غمخوار و مهربانند، با کمال صفا با هم زندگی می کنند و با دشمنان اسلام مبارزه و دشمنی می نمایند.

دشمنان اسلام همیشه سعی داشته و دارند که بین این دو گروه مسلمان و برادر، جدایی و اختلاف ایجاد کنند. ولی مسلمانان، دیگر روشن شده اند و از هدفهای دشمنان آگاهند، دیگر از دشمنان غارتگر خود فریب نمی خورند و روابط خویش را روز به روز بهتر و استوارتر می سازند و یکدیگر را در شناسایی قرآن و سفارشهای پیغمبر یاری می نمایند.

روزی که همه مسلمانان جهان یکپارچه و متحد شوند و در برابر کفر و ستم و غارتگران شرق و غرب قیام نمایند، بسیار نزدیک است. و سرانجام به یاری خدا و وحدت مسلمین، اسلام عزیز بر کفر و مادّیگری پیروز خواهد شد.



- ۱ - مسلمانان - شیعه و سنی - نسبت به یکدیگر چگونه باید رفتار کنند؟
- ۲ - چرا دشمنان اسلام می‌خواهند بین مسلمانان - شیعه و سنی - اختلاف ایجاد کنند؟

- ۳ - مسلمانان - شیعه و سنی - چگونه یکدیگر را یاری می‌دهند؟
- ۴ - برای پیروزی اسلام عزیز چه کارهایی باید انجام دهیم؟
- ۵ - به چه کسانی شیعه می‌گویند؟
- ۶ - چه کسی این گروه را «شیعه» نامید؟ چرا؟
- ۷ - مذهب رسمی کشور جمهوری اسلامی ایران چیست؟



- ۱ - خلاصه درس را بنویسید و در کلاس بخوانید.
- ۲ - پاسخ پرسشهای درس را بنویسید و سپس با یکی از دوستان خود آن را بررسی کنید.

- ۳ - درس را برای افراد خانواده بخوانید، سعی کنید بدون لکنت بخوانید.

جمله‌های زیر را کامل کنید:



- ۱ - همه مسلمانها - چه شیعه و سنی - خدای یگانه را.....
- ۲ - همه مسلمانها - چه سنی و چه شیعه - نسبت به یکدیگر مهربان.....
- ۳ - مسلمانها روشن و آگاه شده‌اند و روابط خویش را.....
- ۴ - حضرت علی - علیه السلام - نخستین فرد مسلمان و.....
- ۵ - پیامبر به حضرت علی و دوستانش اشاره می‌کرد و می‌فرمود:.....

امامان دوازده نفرند

امامان دوازده نفرند که — یکی بعد از دیگری به سفارش پیامبر — به امامت و ولایت رسیده‌اند تا دستورهای دین را نگهداری کنند و به مردم برسانند و جامعه اسلامی را به سوی خدا و سعادت همیشگی رهبری کنند و مردم را در امور سیاسی و اجتماعی و دیگر کارهای دینی یاری و راهنمایی نمایند.
در کتاب سوّم با چهار امام گرامی آشنا شدید:

نخستین امام، حضرت امیرالمؤمنین امام علی — علیه‌السلام

امام دوم، حضرت امام حسن — علیه‌السلام

امام سوّم، حضرت امام حسین — علیه‌السلام

امام چهارم، حضرت سجّاد — علیه‌السلام

در همان کتاب، داستانهای آموزنده‌ای، از زندگی این چهار امام گرامی خواندید، آیا به خاطر دارید؟

در این کتاب با چهار امام گرامی دیگر، آشنا می‌شوید:

امام پنجم، حضرت امام محمّد باقر — علیه‌السلام

امام ششم، حضرت امام جعفر صادق — علیه‌السلام

امام هفتم، حضرت امام موسیٰ کاظم — علیه‌السلام

امام هشتم، حضرت امام رضا — علیه‌السلام

آیا می‌توانید، نام این هشت امام گرامی را، به ترتیب بشمارید؟

نام چهار امام دیگر را می‌دانید؟ حالا با زندگی امام پنجم آشنا می‌شوید:



امام پنجم

حضرت امام محمد باقر، علیه السلام

امام محمد باقر — علیه السلام — در سال «۵۷» هجری روز سوّم ماه صفر در شهر مدینه به دنیا آمد. پدر گرامیش حضرت سجّاد و مادر ارجمندش فاطمه (دختر حضرت امام حسن) می باشد. حضرت سجّاد به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، فرزندش امام محمد باقر را، برای امامت و پیشوایی مردم، تعیین کرد و معرفی فرمود.

حضرت امام محمد باقر، (مانند امامان دیگر) در علم و دانش نظیر نداشت. دانشمندان بزرگ از علم و دانش او استفاده می کردند و مشکلاتشان را از او می پرسیدند.

حضرت امام محمد باقر — علیه السلام — برای انجام وظایف امامت دستورهای دین را به مردم می آموخت و آداب زندگی را به آنان یاد می داد. و در تعلیم و تربیت و راهنمایی مردم، بسیار می کوشید. در دوران زندگی خود، هزاران حدیث آموزنده و مطلب علمی به مردم یاد داد، که اکنون به ما رسیده است. علم و دانش او به قدری زیاد بود که او را «باقر العلوم» می خواندند. باقر العلوم یعنی: شکافنده دانشهای گوناگون.

امام محمد باقر — علیه السلام — مدّت «۵۷» سال در این جهان زندگی کرد و در سال «۱۱۴» هجری، روز هفتم ماه ذی حجّه، در مدینه به شهادت رسید. بدنش را در قبرستان بقیع کنار قبر حضرت سجّاد به خاک سپردند — درود فراوان بر او باد.



- ۱ - حضرت سجّاد به سفارش چه کسی فرزندش امام محمدباقر را برای امامت و پیشوایی به مردم معرفی فرمود؟
- ۲ - علم و دانش حضرت امام محمدباقر چگونه بود؟ ایشان برای انجام وظایف امامت چه کارهایی انجام می‌داد؟ چهار مورد را یادآوری کنید.
- ۳ - «باقر العلوم» یعنی چه؟ به چه جهت این لقب به امام پنجم داده شده است؟
- ۴ - امام محمدباقر - علیه السلام - در کدام شهر به شهادت رسید، بدش را کجا به خاک سپردند؟
- ۵ - مسئولیتها و وظایف اصلی امامت چیست؟ چهار نکته اصلی را یادآوری کنید.
- ۶ - نام چهار امام (امام اول تا امام چهارم) را به ترتیب بگویید.
- ۷ - نام چهار امام (امام پنجم تا امام هشتم) را به ترتیب بگویید.

امام، در برابر ستمگر

هشام پسر عبدالملک یکی از پادشاهان ستمگر بود، او خودش را خلیفه رسول خدا می‌نامید. ولی به مردم ستم می‌کرد و اموال عمومی و درآمد کشور اسلام را در راه هوسرانی و تحکیم قدرت خویش به مصرف می‌رسانید. در زمان او بسیاری از مسلمانان، فقیر و تهی‌دست بودند اما او برای خویش کاخ و قصر می‌ساخت و مال و ثروت می‌اندوخت و برای این که مردم بر ضد او قیام نکنند، آنها را در جهل و بی‌خبری نگه می‌داشت.

امام محمد باقر علیه‌السلام در مدینه به مردم آگاهی می‌داد، اسلام راستین را به آنها معرفی می‌فرمود، از ستم و ستمگری بدگویی و انتقاد می‌نمود، مردم را به عدالت و دادگری تشویق می‌فرمود. از مردم می‌خواست که در برابر ستمگران قیام کنند و حق خویش را بگیرند و اسلام راستین را در جامعه اجرا سازند و ستمگران و خیانتکاران را به سزای خود برسانند.

کارها و روشنگریهای امام باقر به اطلاع هشام رسید و حکومت خود را در خطر دید. خشمناک شد و دستور داد که امام را از مدینه به سوی شام جلب کنند. وزیران و بزرگان شام در مجلس هشام نشسته بودند که امام محمد باقر را وارد کردند. امام بدون این که به هشام اعتنا کند وارد شد و نشست. هشام از این برخورد امام، بیشتر خشمگین شد و با عصبانیت و فریاد به تهدید امام پرداخت و گفت: ای محمد بن علی! به من گزارش داده‌اند که مردم را بر ضد حکومت من به قیام و انقلاب تشویق می‌کنی...

تو باید از این کارها دست برداری و گرنه جان خود را به خطر افکنده‌ای.

پس از سخنان هشام، وزیران و افرادِ زبون و نالایقی که اطراف او بودند امام را توبیخ و تهدید کردند.

در این هنگام امام محمد باقر — علیه السلام — برخاست، سخنش را با نام خدا و سپاس و ستایش او شروع کرده به افرادی که در آن مجلس بودند فرمود: ای مردم نادان و فریب خورده! در اطراف چه کسی جمع شده اید؟ و خشنودی چه کسی را به دست آورده اید؟ خدا را از خود خشمگین ساخته اید و ذلت دنیا و عذاب آخرت را برای خود خریده اید، آیا می دانید چه کسی را در مقابل شما توبیخ و تهدید می کنند؟ آیا مرا می شناسید؟ من فرزند پیغمبر شما هستم، من امام و رهبر جامعه مسلمین هستم، خدا این مسئولیت را به من سپرده است. من اسلام را می شناسم، من علوم قرآن را می دانم، من راه سعادت شما را می دانم، چرا از این ستمگر پشتیبانی می کنید؟ مگر ظلم و ستم او را نمی بینید؟ مگر از فقر و تهی دستی مردم خبر ندارید؟ مگر مسلمان نیستید که در مقابل ظلم و ستم خاموش نشسته اید و ستمگر را می ستایید؟ از خدا بترسید و در راه خدا قیام کنید و سعادت و عزت دنیا و آخرت را برای خود فراهم سازید...

هشام از سخنان امام خشمگین تر شد دستور داد که او را به زندان افکنند. امام محمد باقر — علیه السلام — در زندان نیز خاموش نبود برای زندانیان صحبت می کرد و آنان را به قیام برای خدا فرا می خواند. زندانیان به او علاقه مند شدند و در داخل زندان بر ضد حکومت ستمگر هشام شورش کردند... هشام که از هر سو احساس خطر می کرد ناچار امام را دوباره به مدینه بازگرداند.

- ۱ - رفتار هشام با مردم و با اموال عمومی چگونه بود؟ (با استفاده از مطالب کتاب حدّاقل به چهار مورد از زشتیهای رفتار او اشاره کنید.)
- ۲ - حضرت امام محمدباقر برای مبارزه با ستمگران از مردم چه می خواست؟ (با توجّه به مطالب کتاب پاسخ را در چهار جمله بیان کنید.)
- ۳ - چرا هشام حضرت امام محمدباقر - علیه السّلام - را از مدینه به سوی شام جلب کرد؟
- ۴ - حضرت امام محمدباقر در برابر ستمگر خود را چگونه معرفی کرد؟ در شش جمله بیان کنید.
- ۵ - حضرت امام محمدباقر - علیه السّلام - با چه عباراتی به اطرافیان هشام هشدار داد و رفتار آنان را نکوهش کرد؟ حدّاقل چهار جمله را بگویید.
- ۶ - چطور شد که هشام امام محمدباقر را از زندان آزاد کرد و به مدینه بازگرداند؟

امام ششم

حضرت امام جعفر صادق، علیه‌السلام

حضرت امام جعفر صادق — علیه‌السلام — در سال «۸۳ هجری» روز هفدهم ربیع‌الاول به دنیا آمد. پدر گرامیش، امام محمد باقر و نام مادر ارجمندش فاطمه بود.

امام محمد باقر — علیه‌السلام — به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، فرزندش امام جعفر صادق را، برای امامت و پیشوایی تعیین کرد و به مردم معرفی فرمود.

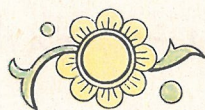
حضرت امام جعفر صادق — علیه‌السلام — در ترویج احکام دین، و نشر قانونهای قرآن و روشنگری مردم آزادی بیشتری داشت.

امام صادق — علیه‌السلام — از این فرصت استفاده کرد و در تعلیم دانش دین و نشر فرهنگ اسلام، بسیار کوشید. مردم را با عقاید و اخلاق عالی اسلام آشنا ساخت؛ و شاگردان مبارز و دانشمندی تربیت کرد. شاگردان امام صادق — که در رشته‌های گوناگون علوم، در خدمتش درس می‌خواندند و تربیت می‌شدند — به چهار هزار نفر می‌رسیدند. آنان کتابهای گرانبهای نوشتند و با تلاش و مبارزه خود، دین اسلام را گسترش دادند.

حضرت امام جعفر صادق — علیه‌السلام — با استفاده از این فرصت توانست بیشتر از امامان دیگر مردم را آگاه و حقایق دین را بیان نماید. آن حضرت حقایق قرآن و دین اسلام را، همان گونه که بود، روشن ساخت، و اخلاق و رفتار واقعی پیغمبر گرامی اسلام و حضرت علی را به مردم معرفی کرد و

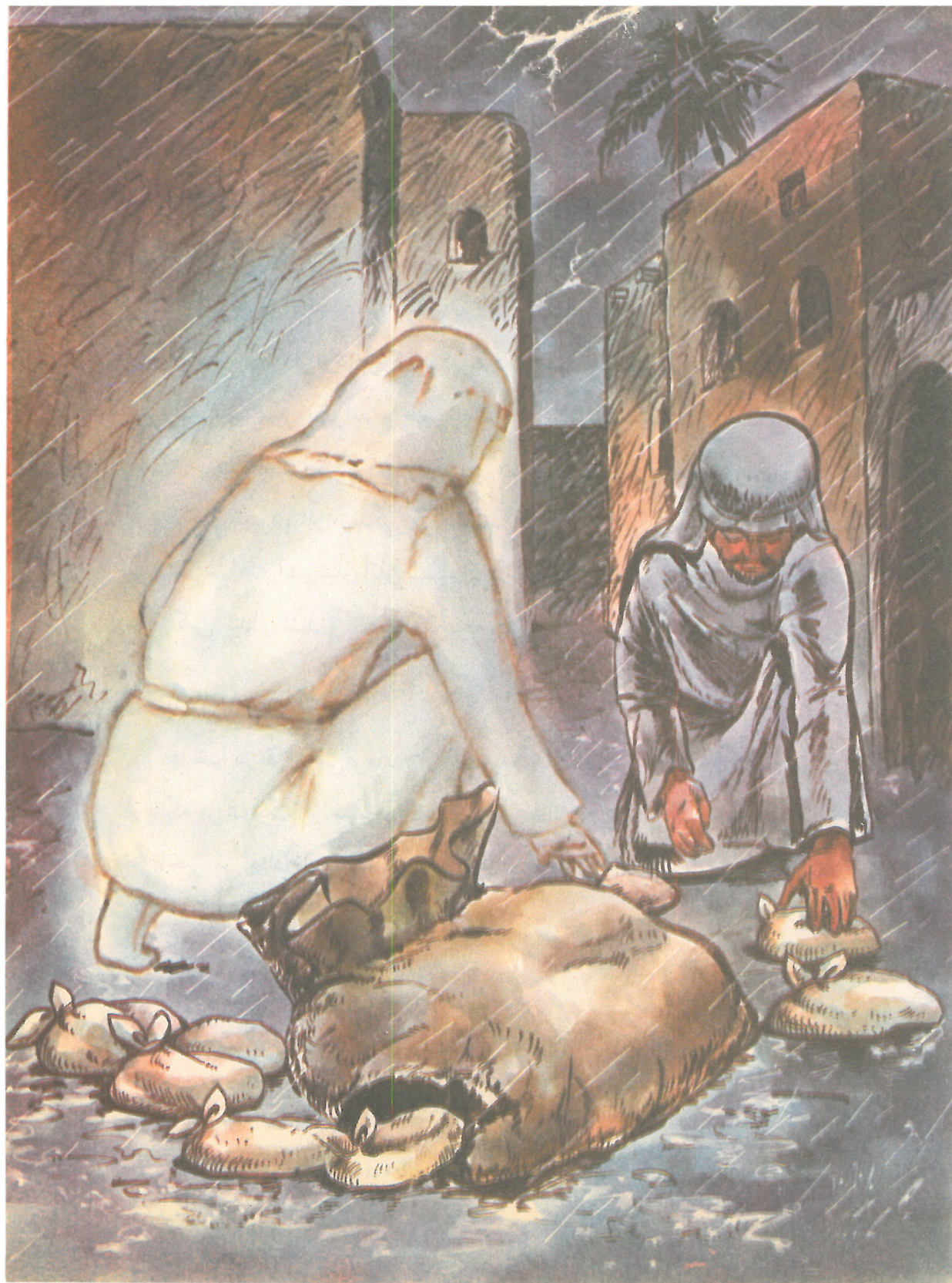
نشانه‌های مسلمانان و شیعیان حقیقی را بیان نمود؛ به همین جهت است که مذهب شیعه را «مذهب جعفری» نیز می‌گویند.

حضرت امام جعفر صادق — علیه‌السلام — مدت «۶۵ سال» در این جهان زندگی کرد، و در سال «۱۴۸ هجری» بیست و پنجم ماه شوال در مدینه شهید شد و بدنش را در قبرستان بقیع — کنار قبر امام باقر — به خاک سپردند. سلام خدا همیشه بر او باد!



در تاریکی شب

شب تاریک و بارانی، امام صادق را دیدم که بارسنگینی را به زحمت بر دوش گرفته بود و می‌رفت. با خود گفتم: امام صادق با این بارسنگین، کجا می‌رود؟ در این شب تاریک شاید خطری برای او پیش آید. خوب است همراهش بروم و از او پاسداری و مراقبت کنم. آهسته در پی او حرکت کردم ولی نمی‌دانستم کجا می‌رود و با خود چه می‌برد. از چند کوچه گذشتم، صدایی شنیدم، گویا بارش بر زمین ریخت، صدای امام صادق را شنیدم که می‌گفت: پروردگارا! در این تاریکی شب مرا یاری کن تا گمشده‌ها را پیدا کنم. نزدیک رفتم دیدم باری که بر دوش داشته بر زمین ریخته است و امام، در تاریکی سعی می‌کند تا آنها را پیدا کند. نزدیکتر رفتم و سلام کردم، امام صادق صدایم را شناخت، جوابم را داد و فرمود مُعَلِّیْ تو هستی؟



گفتم: آری ای فرزند پیامبر! سپس فرمود: باری که بردوش داشتم بر زمین ریخته است آیا می‌توانی مرا کمک کنی؟ در جمع کردن بسته‌های غذا، امام را کمک کردم، کیسه پرشد. گفتم اجازه دهید من این کیسه را بیاورم، شما خسته می‌شوید.

امام فرمود: نه ... من برای به دوش کشیدن این بار سنگین سزاوارترم، جدّم رسول خدا فرمود: هر کس که به فکر مسلمانها نباشد مسلمان نیست، هر کس که شب سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد مسلمان نیست... باهم صحبت می‌کردیم و می‌رفتیم تا به سایبان «بنی ساعده» رسیدیم، آن‌جا گروهی از تهی‌دستان زندگی می‌کردند. امام بار را بر زمین نهاد و آهسته و بی‌صدا غذاها را در میان آنان تقسیم کرد. سهم هر کس را بالای سرش گذاشت، هیچ کس بیدار نشد و نفهمید که چه کسی برایشان غذا آورده است.



خدا در قرآن می‌فرماید: از آنچه به شما دادیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و در آن حال بگوید ای کاش اجل من اندکی به تأخیر می‌افتاد تا صدقه می‌دادم و از نیکوکاران بودم.

- ۱ - حضرت امام جعفر صادق به فرمان که، به سفارش چه کسی و به وسیله چه کسی برای امامت به مردم معرفی شد؟
- ۲ - شاگردان امام صادق تقریباً به چند نفر می‌رسیدند؟ شاگردان امام صادق با چه صفاتی در کتاب معرفی شده‌اند؟
- ۳ - حضرت امام صادق - علیه‌السلام - در باره چه مطالبی توانست مردم را بیشتر از امامان دیگر آگاه نماید؟ به سه مورد مهم اشاره کنید.
- ۴ - به چه جهت مذهب شیعه را، مذهب جعفری هم می‌گویند؟
- ۵ - امام صادق در چه سنی شهید شد، پیکر مبارکش را در کجا به خاک سپردند؟
- ۶ - در سایبان بنی ساعده چگونه افرادی زندگی می‌کردند؟ امام صادق غذاها را چگونه بین آنها تقسیم می‌کرد؟
- ۷ - دو سخن از رسول خدا در باره این که باید به فکر مسلمانها و مخصوصاً همسایگان باشیم، بگویید.
- ۸ - چرا معلی درخواست کرد که کیسه را بر دوش بگیرد؟
- ۹ - چرا امام پاسخ معلی را نپذیرفت؟ در پاسخ او چه فرمود؟

تمرینها: (هر کدام را که می‌توانید انجام دهید.) 

- ۱ - داستان را برای یکی از اعضای خانواده بخوانید.
- ۲ - با راهنمایی و کمک یکی از اعضای خانواده شما هم برنامه‌ای برای کمک به همسایگان و نیازمندان تنظیم کنید.

امام هفتم

حضرت امام موسیٰ کاظم، علیه السلام

امام موسیٰ کاظم، در سال «۱۲۸» هجری، روز هفتم ماه صفر، به دنیا آمد. پدر گرامیش امام جعفر صادق و نام مادر ارجمندش، حمیده بود. حضرت امام جعفر صادق، به فرمان خدا و سفارش پیغمبر، فرزندش امام موسیٰ کاظم را برای امامت و رهبری تعیین و به مردم معرفی کرد. حضرت امام موسیٰ کاظم، مردی دانشمند و پرهیزگار بود. علم و دانش او الهی و آسمانی بود و عبادت و پرهیزگاری او به اندازه‌ای بود که او را «عبد صالح = بنده شایسته خدا» می‌نامیدند.

بسیار صبور و شکیبا بود و برای هدایت مردم، سختیها را تحمل می‌کرد و از خطا و اشتباه آنان می‌گذشت؛ اگر کسی از روی نادانی، با رفتار ناپسند خود، او را خشمگین می‌کرد، خشم خود را فرو می‌برد و با محبت و مهربانی او را راهنمایی می‌فرمود. به همین جهت او را «کاظم» می‌خوانند (کاظم یعنی کسی که خشم خود را فرو می‌برد و پر خاش و تندی نمی‌کند).

حضرت امام موسیٰ کاظم، مدت «۵۵» سال، در این جهان زندگی کرد. و در مدت امامت خود، با صبر بسیار، به راهنمایی و دستگیری مردم مشغول بود و در این مدت با ستمگران زمان خود مخصوصاً هارون خلیفه عباسی مبارزه می‌کرد و به همین جهت سالهای بسیاری را در زندانهای تاریک اسیر بود و سرانجام در سال «۱۸۳» هجری بیست و پنجم ماه رجب، در زندان بغداد شهید شد و بدنش را در نزدیکی بغداد (کاظمین امروزی) به خاک سپردند — سلام

خدا و فرشتگان پاک او همیشه بر او باد!

آن مرد را چگونه تربیت کرد؟

او کشاورز فقیر و نادانی بود؛ وقتی حضرت امام موسی کاظم — علیه السلام — را می دید، بی ادبی می کرد، دشنام می داد، و همه روزه امام و دوستان امام را، ناراحت و خشمگین می نمود.

امام موسی کاظم، پیوسته خشم خود را فرو می برد و پاسخ آزارها و دشنامهایش را نمی داد. ولی دوستان امام، از آن همه بی ادبی و گستاخی، سخت خشمگین و آشفته می شدند...

یک روز، که آن مرد بی ادب، مثل همیشه، زبان به بدگویی گشود؛ دوستان امام، تصمیم گرفتند، او را مجازات کنند: می خواستند او را آن قدر کتک بزنند تا بمیرد و برای همیشه از دشنام گویی خاموش گردد. می گفتند: این مرد، باید سزای این همه بی ادبی را ببیند.

امام موسی کاظم، از تصمیم آنها آگاه شد و آنها را نهی فرمود، گفت: دوستان من! صبر کنید، من خودم، او را ادب می کنم.

روزها می گذشت، و آن مرد همچنان به رفتار ناپسند خود، ادامه می داد و دوستان امام را، ناراحت و عصبانی می کرد؛ ولی هر وقت تصمیم می گرفتند که او را خاموش سازند، امام به آنان می فرمود: دوستان من! صبر کنید! من خودم، او را ادب می کنم... امام در پی فرصتی بود که با او صحبت کند، نصیحت و ارشاد

کند و هم به او کمک نماید و او را از فشار فقر برهاند.

روزی امام موسی کاظم، پرسید: آن مرد کجاست؟

گفتند: بیرون شهر، در زمینش مشغول کار و کشاورزی است.

امام موسی کاظم، سوار شد و به سوی مزرعه او، حرکت کرد.

او وقتی امام را دید، بیلش را در زمین فرو برد و دستش را به کمر زد و ایستاد. خواست زبان به دشنام باز کند که امام پیاده شد. و به سوی او رفت، با مهربانی سلام کرد و با خنده و گشاده رویی، با او شروع به صحبت نمود و وی را مورد محبت و کمک خود قرار داد.

مرد کشاورز — که در مقابل آن همه آزار و بی ادبی، چنین رفتار نیک و اخلاق خوشی را می دید — بسیار شرمنده شد. با صدای لرزان گفت:

«من بد بودم که شما را اذیت می کردم، ولی شما، بزرگ و بزرگ زاده هستید و به من خوبی کردید، به من کمک نمودید، خواهش می کنم مرا ببخشید.»

پس از یک گفتگوی کوتاه، امام خدا حافظی کرد و به مدینه باز گشت.

بعد از آن، هر وقت مرد کشاورز، امام را می دید، با ادب سلام می کرد و امام و دوستان امام را، احترام می نمود و می گفت:

«خدا بهتر می داند، چه کسی را امام و پیشوای مردم قرار دهد.»

دوستان امام تعجب می کردند که چگونه آن مرد آزارگر و دشنام گو، این چنین با ادب و مهربان شده است، شاید هم نمی دانستند که امام چگونه او را تربیت کرده و به ارشاد و هدایتش پرداخته است.



- ۱ - کاظم یعنی چه؟ حضرت امام موسی بن جعفر را، چرا کاظم می گویند؟
- ۲ - امام موسی کاظم در چه سالی و چه روزی، در چه ماهی به دنیا آمد؟
- ۳ - نام پدرش چه بود؟ نام مادرش چه بود؟
- ۴ - لقب دیگر او چیست؟ و چرا او را به این لقب می خواندند؟
- ۵ - دوستانش می خواستند آن مرد را چگونه ادب کنند؟ امام به آنان چه فرمود؟
- ۶ - امام آن کشاورز تهیدست را چگونه تربیت و هدایت کرد؟
- ۷ - بعد از این که امام او را با نصیحت و ارشاد و کمک خود راهنمایی کرد، رفتارش با امام و یاران امام چگونه شد؟ هنگامی که آنان را می دید چه می گفت؟
- ۸ - در باره کسی که به شما بدی می کند، چه رفتاری دارید؟ آیا می توانید او را ارشاد کنید؟
- ۹ - اگر کسی از روی نادانی بدرفتاری کند، او را چگونه تربیت می کنید؟
- ۱۰ - آیا هنگامی که خشمگین می شوید، می توانید خشم خود را، فرو ببرید؟

امام هشتم

حضرت امام رضا، علیه السلام

امام رضا — علیه السلام — در سال «۱۴۸» هجری، یازدهم ماه ذیقعد، در مدینه به دنیا آمد. پدرش حضرت امام موسی کاظم، نامش را «علی» گذاشت و به رضا نیز معروف شد. نام گرامی مادرش «نجمه» می باشد.

حضرت امام موسی کاظم، فرزندش «علی بن موسی الرضا» را به فرمان خدا و سفارش پیغمبر برای امامت تعیین و به مردم معرفی کرد.

علم و دانش حضرت امام رضا — مانند دیگر امامان — آسمانی و الهی بود و به همین جهت، بر دانش همه مردم، برتری داشت. دانشجویان و دانشمندان، برای فراگرفتن دانش و دین، خدمش می رسیدند و از علوم او بهره مند می شدند.

دانشمندان مسیحی و یهودی و دینهای دیگر، پیش او می آمدند و امام — علیه السلام — با آنان بحث و گفتگو می کرد و به سؤالات مشکل آنان پاسخ می داد و آنان را راهنمایی و هدایت می فرمود. هیچ گاه نشد که پاسخ سؤالی را نداند یا جواب نادرستی بدهد.

به خاطر دانش فراوان و علم خدادادش، او را «عالم آل محمد» می نامیدند.

سخنان فراوان و ارزشمندی، از او برای ما باقی مانده است.



در زمان امامت حضرت رضا — علیه السلام — مأمون، زمامدار و خلیفه بود. برای این که مردم را از حضرت رضا، دور کند، امام را — که در مدینه زندگی می کرد — به شهر طوس دعوت کرد. و به امام پیشنهاد کرد که زمامداری و خلافت را بپذیرد.

ولی امام رضا، که از ناراستی و حيله گری مأمون آگاه بود، پیشنهاد مأمون را نپذیرفت.

سرانجام دستگاه حکومت مأمون، که از شخصیت این امام گرامی بیمناک بود و از روشنگریهای او احساس خطر می کرد، او را مسموم و شهید نمود. حضرت رضا — که درود همه بر او باد — در آخرین روز ماه صفر، در سال «۲۰۳» هجری، در شهر طوس شهید شد. بدنش را در نزدیکی همان شهر (مشهد امروزی) به خاک سپردند. قبرش امروز، زیارتگاه مسلمانان است.



از رفتار امام پیاموزیم

ابراهیم یکی از دوستان نزدیک حضرت امام رضا علیه السلام بود او که رفتار آن امام بزرگ را به دقت دیده است درباره رفتار و اخلاق پسندیده امام چنین می گوید:

«هیچ گاه ندیدم که امام رضا با سخن تندی دل مؤمنی را بیازارد. هرگز بین سخن کسی صحبت نمی کرد و حرف او را قطع نمی نمود و می فرمود: کسی که در بین صحبت دیگری لب به سخن گشاید مثل این است که چهره او را

خراشیده و خونین کرده است. تقاضای مسلمانان را ردّ نمی‌کرد و تا آن جا که می‌توانست همگان را یاری می‌فرمود. مگر این که برایش انجام کاری ممکن نبود، که در این صورت با مهر و نرمی عذر می‌خواست. با هیچ کس — چه کوچک چه بزرگ — بی‌ادب سخن نمی‌گفت، و اهانت نمی‌نمود: پایش را در مقابل کسی دراز نمی‌کرد. در میان دوستان با تواضع می‌نشست، تکیه نمی‌داد. هرگز سخن زشت و دشنام نمی‌گفت. آب دهان بر زمین نمی‌افکند. خنده‌اش تبسم بود. با صدای بلند قهقهه نمی‌زد.

شبها کم می‌خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و نماز و قرآن می‌خواند و راز و نیاز می‌کرد بسیاری از روزها را روزه می‌گرفت و غذایش را به تهی‌دستان می‌داد. بخششهایش (صدقه‌هایش) پنهانی و غالباً در شبهای تاریک بود.

دلش به نور ایمان روشن بود و با خدا ارتباط مخصوص داشت. از حوادث آینده خبر داشت و به همه پرسشها پاسخ می‌فرمود. هنگامی که آیات قرآن را قرائت می‌کرد در معنای آیه‌ها می‌اندیشید. آیا زیباتر از این اخلاق و رفتار دیده یا شنیده‌اید؟



رفتار امامان ما این چنین بوده است و مسلمان واقعی می‌کوشد که رفتار و اخلاقش بدین گونه باشد و اگر یک باره نمی‌تواند، به تدریج می‌کوشد و این صفات زیبای انسانی را سرمشق و هدف زندگی خود قرار می‌دهد.

اکنون درس را دوباره بخوانید، ببینید که از کدام یک از این صفات می‌توانید رودتر پیروی کنید. آیا می‌دانید که پیامبر گرامی اسلام برای برپایی و انتشار همین صفات پسندیده به پیامبری برگزیده شده است؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - ندیدم که حضرت امام رضا با _____ دل مؤمنی را بیازارد.
- ۲ - امام هرگز بین سخن کسی _____.
- ۳ - کسی که در بین صحبت دیگری لب به سخن گشاید _____.
- ۴ - با هیچ کس - چه کوچک چه بزرگ - _____ و اهانت نمی‌کرد.
- ۵ - خنده‌اش _____ بود با صدای بلند _____ نمی‌زد.
- ۶ - آب دهان _____.
- ۷ - شبها کم می‌خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و نماز _____.
- ۸ - صدقه‌هایش پنهانی و غالباً _____.

پرسشها:

- ۱ - در زمان امامت حضرت رضا چه کسی خلیفه بود؟
- ۲ - چرا مأمون حضرت رضا را به شهر طوس دعوت کرد؟
- ۳ - چرا امام را مسموم و شهید کرد؟
- ۴ - «عالم آل محمد» یعنی چه؟ چرا امام رضا را به این نام نامیده‌اند؟

درس بیست و پنجم

نامه و تبریک پدر

پسرم! محسن

دخترم! اکرم

خشنودم که دوران کودکی را گذرانید و به نوجوانی و توانایی رسیدید. وقتی کودک بودید، من، از شما مراقبت می کردم و به کار و رفتار شما، رسیدگی بیشتری داشتم: در وقت نماز، نماز را یادآوری می کردم و به هنگام درس، به کار و کوشش تشویق می کردم.

ولی اکنون، خود شما مکلف و مسئولید؛

پسرم! تو دیگر بزرگ شده ای و پانزده سالت تمام شده است.

دخترم! تو هم، نه سال تمام داری و رشید شده ای.

اکنون که به این سن و رشد، رسیده اید خدای جهان آفرین شما را لایق و بالغ می شمرد و به شما توجه خاص می فرماید و شما را انسانی «مکلف و مسئول» می داند. و برای شما وظیفه و مسئولیت معین می کند.

دیگر زندگی شما از کودکی به دوران توانایی و نوجوانی رسیده است و

توانایی همیشه با وظیفه و مسئولیت همراه است، قوانین و احکام دین اسلام، وظیفه‌ها و مسئولیت‌های شما را معین می‌کند، تمام کارهای خود را باید با این قوانین تطبیق کنید و به آنها درست و کامل عمل نمایید.

بر شما واجب است که نمازهایتان را درست و به موقع بخوانید، مراقب باشید که هرگز حتی یک رکعت نماز را ترک نکنید که گناهکار خواهید شد. واجب است که روزهای ماه رمضان را (اگر برایتان ضرر ندارد) روزه بگیرید، که اگر بدون عذر روزه نگیرید، نافرمانی و گناه کرده‌اید.

در این سن می‌توانید با انجام کارهای شایسته و عبادت‌های دینی به‌بهترین مقام یک انسان برسید، و با خدای بزرگ انس و اُلفت داشته باشید.

چون، من در مسافرت بودم نتوانستم آغازِ «دورانِ تکلیف» را از نزدیک به شما، تبریک بگویم. به این جهت، این نامه را نوشتم و همراه با تبریک، دو کتاب هم برای شما هدیه فرستادم.

دوستدار شما

پدر



تمرینها: (هر کدام را که می‌توانید انجام دهید.)

- ۱- درس را بلند و روان بخوانید.
- ۲- دربارهٔ مطالب درس و وظایف خود با افراد خانواده گفتگو کنید.
- ۳- یک بار از روی درس بنویسید.
- ۴- پنج سؤال از درس طرح کنید و پاسخ آنها را از دوستان خود بپرسید.

چیزهای ناپاک

آیا می‌دانید چرا بیمار می‌شوید؟

آیا چیزهای ناپاک را می‌شناسید؟

بسیاری از بیماریها، مانند حصه، وبا، سل، فلج کودکان... بر اثر موجودات بسیار ریزی به نام میکروب و ویروس به وجود می‌آیند. مرکز اصلی زندگی این موجودات، جاهای کثیف و آلوده است، آنجا پرورش می‌یابند و تولید مثل می‌کنند. میکروبها در محل زندگی خود، کارهای مفیدی انجام می‌دهند ولی اگر به بدن انسان منتقل شوند، زیان‌بخش خواهند بود و او را بیمار می‌سازند.

حالا شاید بتوانید بگویید که: چرا بیمار می‌شویم؟ و برای پیشگیری از بیماریها، چه کارهایی باید انجام دهیم؟
بهترین راه، برای پیشگیری از بیماریها، رعایت پاکیزگی است. برای این که بیمار نشویم، باید آلودگیها را از خود دور سازیم و بدن و محیط زندگی را، همیشه پاکیزه نگهداریم.

آیا چیزهای ناپاک و آلوده به میکروب را می‌شناسید؟
آیا می‌دانید که: مدفوع انسان و حیوانات حرام گوشت، مرکز اجتماع میکروبهای زیان‌بخش می‌باشد؟
آیا می‌دانید که: ادرار انسان و حیوانات حرام گوشت، کثیف و مسموم است؟

آیا می‌دانید که: وقتی خون از بدن بیرون می‌آید، میکروبهای فراوانی به آن حمله می‌کنند؟

آیا می‌دانید که: میکروب‌هایی که همراه سگ و خوک زندگی می‌کنند، برای سلامت جسم و جان انسان، بسیار زیان دارند؟

آیا می‌دانید که: مردار و لاشهٔ حیوانات، مرکز رشد و پرورش و تولید مثل میکروب‌هاست؟

قانونگذار اسلام، همهٔ اینها را می‌دانسته و به این جهات و جهت‌های بسیار دیگر، این چیزها و چند چیز دیگر را، ناپاک و نجس شناخته است و به مسلمانان دستور داده که خود را و محیط زندگی خود را، از آنها پاک نگه دارند. به طور کلی یک انسان مسلمان، از هر چیزی که موجب بیماری جسم و جان، یا آلودگی عقل و روان می‌گردد، دوری می‌کند. برخی از چیزهایی که در اسلام ناپاک و نجس شناخته شده است، عبارتند

از:

۱ - ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشت. (تقریباً کلیهٔ حیوانات

گوشت‌خوار)

۲ - خون و مردار هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۳ - سگ و خوک

۴ - شراب و آبجو و هر مایعی که مست‌کننده باشد.

۵ - کافر (کسی که خدای یگانه را نمی‌پرستد).

بدن و لباس و محیط زیست انسان مسلمان، باید از این چیزها پاک باشد. آیا روش پاک ساختن بدن و لباس و محیط زیست را، از این چیزها،

می‌دانید؟





- ۱ - انسان مسلمان از چه چیزهایی، دوری و اجتناب می‌کند؟
 - ۲ - برای پیشگیری از بیماریها، چه کارهایی باید انجام دهیم؟
 - ۳ - چیزهایی را که در اسلام، نجس و ناپاک شناخته شده است، بشمارید.
- * پس از بحث و گفتگو، پاسخ دقیق و کامل این سؤاها را، در دفتر خود، بنویسید.



- ۱ - روش پاک شدن، از چیزهای ناپاک را، از اولیای خود پرسید و یاد بگیرید.
- ۲ - دربارهٔ مطالب درس با یکی از اعضای خانواده گفتگو کنید، اگر نمی‌داند به او بیاموزید.

نماز را گرامی بدارید

نماز ستون دین و بهترین عبادت‌هاست. نمازگزار، خدا را بسیار دوست دارد و در نماز با خدای مهربان، گفتگو و راز و نیاز می‌کند و از نعمتهای بی‌پایانش تشکر می‌نماید.

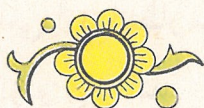
خدا هم نمازگزاران را — مخصوصاً کودکانی را که نماز می‌خوانند — خیلی دوست دارد و به آنان پاداش بسیار نیک می‌دهد.

هر انسان مسلمان، به نماز علاقه‌مند است، نماز خواندن و صحبت با خدا را دوست دارد، و آن را گرامی می‌دارد. انتظار می‌کشد که وقت نماز فرا رسد که با خدا در نماز، مناجات و راز و نیاز کند.

هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد، دست از هر کاری می‌کشد، و خود را از هر گونه آلودگی پاک می‌کند؛ وضو می‌گیرد، لباس پاک می‌پوشد، و در اوّل وقت، مشغول نماز می‌شود؛ فکرش را از همه چیز خالی می‌کند و فقط با آفریننده خورش انس می‌گیرد و به او مهر می‌ورزد؛ با ادب در مقابل پروردگار جهانیان می‌ایستد، تکبیر می‌گوید و خدا را به بزرگی یاد می‌کند. حمد و سوره را درست می‌خواند و رکوع و سجده را کامل انجام می‌دهد. همه اعمال نماز را با آرامش، به جا می‌آورد، و در تمام کردن نماز عجله نمی‌کند.

روزی، پیامبر گرامی ما، حضرت محمد بن عبدالله — صلی الله علیه و آله — وارد مسجد شد. مردی را دید که با عجله و شتاب نماز می‌خواند: رکوع و سجده‌اش را تمام و کامل انجام نمی‌دهد، در اعمال نماز آرامش ندارد. تعجب کرد و فرمود: این مرد نماز نمی‌خواند بلکه مانند کلاغی که نوک

به زمین می‌زند، خم و راست می‌شود. به خدا سوگند! اگر با چنین نمازی از دنیا برود، مسلمان از دنیا نرفته است و در جهان آخرت، در عذاب خواهد بود. حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - سفارش فرموده است که: برای خواندن نماز به مسجد برویم و نمازمان را به جماعت بخوانیم و مخصوصاً روزهای جمعه در نماز پر شکوه جمعه شرکت کنیم و این نماز را هر چه شکوهمندتر برگزار کنیم. زیرا شرکت در نماز جمعه یک وظیفه مهم دینی است.



چند مسئله از وضو و نماز

- ۱ - کسی که نمی‌داند وضو گرفته یا نگرفته، باید وضو بگیرد.
- ۲ - اگر چیزی به یکی از اعضاء وضو چسبیده و مانع رسیدن آب باشد، باید برای وضو آنرا برطرف کرد.
- ۳ - لباس و بدن نمازگزار باید پاک باشد و اگر عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخوانیم، نمازمان باطل است.
- ۴ - اگر فراموش کنیم که بدن یا لباسمان نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادمان بیاید باید نماز را دوباره بخوانیم.
- ۵ - اگر ندانیم که بدن یا لباسمان نجس است و بعد از نماز متوجه نجس بودن آن بشویم نمازمان صحیح است.

۶ - نماز خواندن در جایی که صاحبش راضی نیست یا با لباسی که صاحبش راضی نیست، حرام و باطل است.

۷ - مستحب است نمازهای واجب مخصوصاً نمازهای روزانه (یومیّه) را به جماعت بخوانیم.

۸ - بر مردها واجب است در نمازهای مغرب و عشاء و صبح، حمد و سوره را بلند بخوانند.

۹ - در مسافرت باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخوانیم (یعنی مانند نماز صبح بخوانیم) در چه مسافرتهاایی؟ سفر چند فرسخ باشد؟ چند روز طول بکشد؟

پاسخ این پرسشها را در کتاب «توضیح المسائل» بخوانید.





- ۱ - پیامبر درباره کسی که با عجله نماز می‌خواند چه فرمود؟
- ۲ - یک کودک مسلمان چگونه نماز می‌خواند؟
- ۳ - قبل از نماز چگونه وضو می‌گیریم؟
- ۴ - «نماز ستون دین است» یعنی چه؟
- ۵ - در مسافرت چگونه نماز می‌خوانیم؟
- ۶ - مردها حمد و سوره چه نمازهایی را باید بلند بخوانند؟
- ۷ - پیامبر گرامی ما درباره نماز جماعت چه فرموده است؟
- ۸ - وظیفه ما درباره نماز جمعه چیست؟



- ۱ - درس را در جمع افراد خانواده بخوانید.
- ۲ - درس را با دوست خود مباحثه کنید. درس را بخوانید و تعریف کنید.
- ۳ - چهار رکعت نماز نزد مربی خود بخوانید و از او پرسید درست است یا نه؟
- ۴ - نزد مربی یا یکی از افراد خانواده وضو بگیرید، از او پرسید آیا وضوی من درست است؟

دو «سوره» از قرآن

قرآن، به بخشهای معینی، تقسیم می‌شود و هر بخشی با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌گردد، هریک از این بخشها «سوره» نام دارد. هر سوره به قسمتهای کوتاهتر تقسیم می‌شود هر یک از این قسمتها را، یک «آیه» می‌گویند. ترجمه سوره حمد و توحید را یاد بگیرید و در نماز به معنای آنها توجه کنید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان

- | | |
|--|--|
| * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * | * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * |
| ستایش، مخصوص خداست؛ که پروردگار جهانهاست * | خدایی که بخشنده و مهربان است * |
| * مَا لِكِ يَوْمَ الدِّينِ * | * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * |
| خدایی که مالک و فرمانروای روز جزاست * | خدایا! فقط ترا می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوئیم * |
| * إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * | * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ * |
| ما را به راه راست، هدایت فرما * | راه کسانی که، نعمت بخشیده‌ای به آنان * |
| * غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ * | * وَلَا الضَّالِّينَ * |
| نه راه کسانی که خشم گرفته‌ای بر آنان * | و نه راه گمراهان * |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُ الصَّمَدُ *

* خدای بی نیازی که پناه و سرور نیازمندان است

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ *

* بگو: اوست خدای یگانه

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

* و هیچ کس همانند او نیست

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ *

* او فرزندی نزاده و زاده هم نشده است

بهتر است سوره‌های کوتاه قرآن را، حفظ کنید و در نماز بعد از حمد، یکی از آنها را بخوانید.



پرسش و تمرین

- ۱ - هر بخش قرآن، چه نام دارد؟
- ۲ - هر بخش یک سوره چه نام دارد؟
- * سوره حمد را بخوانید. ترجمه آن را بگویید.
- * سوره توحید را بخوانید، ترجمه آن را بگویید.

روزه

روزه گرفتن یکی از عبادت‌های بزرگ اسلام است. خدا روزه داران را دوست دارد و به آنان پاداش بسیار نیک می‌دهد. روزه گرفتن برای سلامت و تندرستی انسان مفید است. مسلمان روزه‌دار بر تقوی و صبر و پایداری خویش می‌افزاید و از روبه‌رویی با مشکلات نمی‌هراسد. رنج گرسنگی و تشنگی را حس می‌کند. جهان آخرت و روز قیامت را به یاد می‌آورد و به یاری تهی‌دستان می‌شتابد. با این عبادت بزرگ، دلی نورانی و با صفا پیدا می‌کند و محبوب خدای مهربان می‌گردد.

مسلمانان از فرا رسیدن ماه رمضان خوشحال می‌شوند. شبها قبل از اذان صبح برمی‌خیزند. با خدا مناجات می‌کنند، دعا می‌خوانند، سحری می‌خورند و نیت روزه می‌کنند.

روزه، از اوّل سپیده صبح شروع می‌شود. و تا مغرب ادامه می‌یابد، شخص روزه‌دار، در این مدت چیزی نمی‌خورد و چیزی نمی‌آشامد و کارهای دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام نمی‌دهد.

مسلمان روزه‌دار، هنگام مغرب با یاد خدا و توجه به او «افطار» می‌کند. بر هر کس که به سنّ تکلیف برسد و شرایط و توانایی روزه گرفتن را داشته باشد، واجب است که روزه بگیرد.

کودکانی که به سنّ تکلیف نرسیده‌اند سحر برمی‌خیزند و با افراد خانواده دعا می‌خوانند، سحری می‌خورند و تا ظهر و یا هر وقت که می‌توانند چیزی نمی‌خورند و در عبادت و ثواب با روزه‌داران شرکت می‌کنند.



- ۱ - روزه گرفتن چه نتیجه‌هایی دارد؟ پنج نتیجه و فایده آن را بگویید.
- ۲ - روزه از چه وقتی شروع می‌شود و تا کی ادامه می‌یابد؟
- ۳ - مسلمان روزه‌دار از چه کارهایی پرهیز می‌کند؟
- ۴ - کودکان چگونه در این عبادت بزرگ شرکت می‌کنند؟
- ۵ - بر چه کسانی روزه گرفتن واجب است؟

تمرین: (دو تمرین را انجام دهید.)

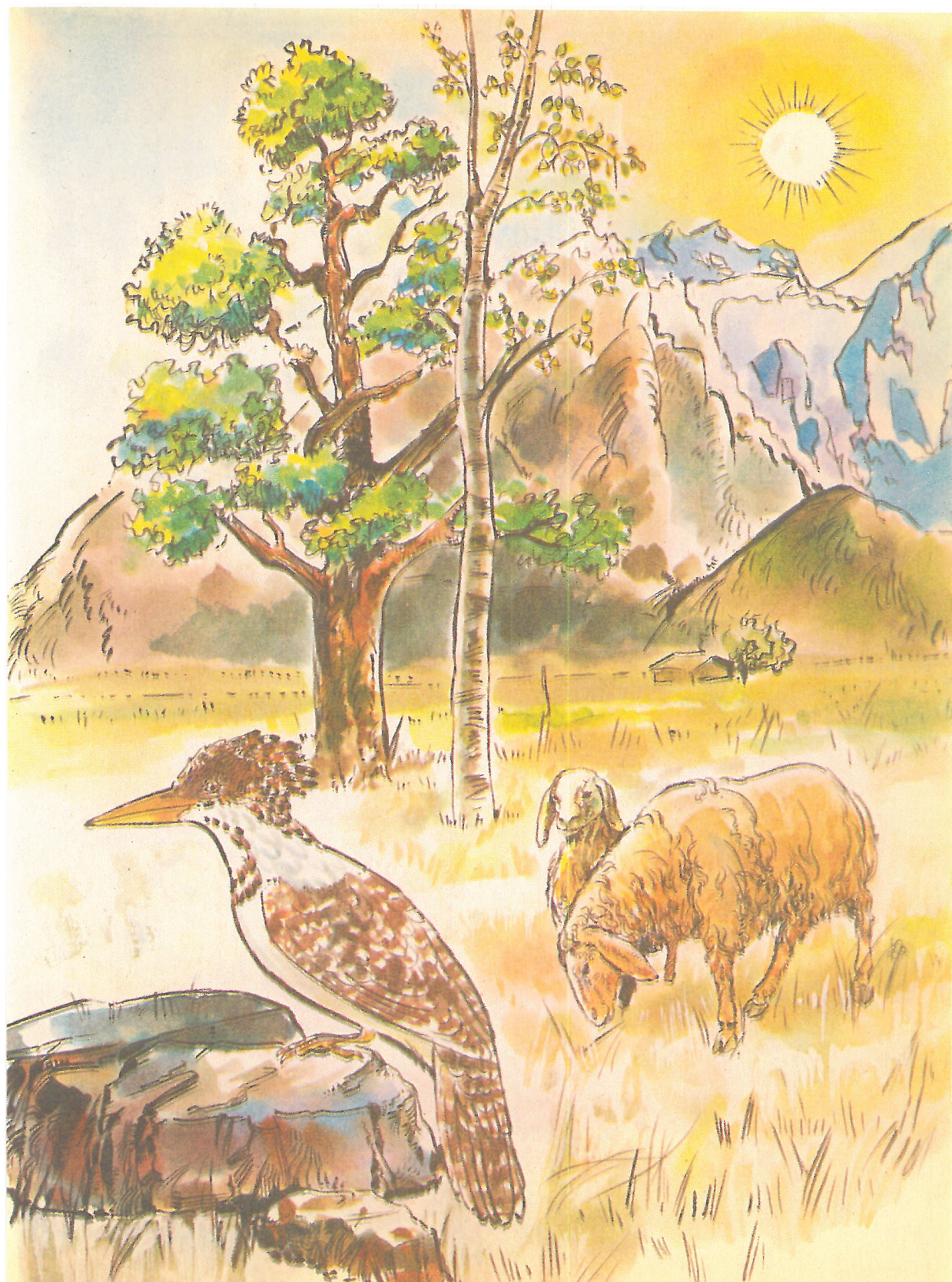


- ۱ - درس را برای اعضای خانواده بخوانید.
- ۲ - سه سؤال دیگر طرح کنید و پاسخ آنها را از دوستان خود پرسید.
- ۳ - یک صحنه که نمایشگر افطار و یا سحر ماه رمضان باشد، نقاشی کنید.
- ۴ - هنگام فرا رسیدن ماه رمضان درس را در مسجد بخوانید.

درس قرآن

پیامبر گرامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اول

صداهای —

۱- کلمات زیر را بخوانید. آیا می‌توانید معنای آنها را هم بگویید؟

جَبَل - حَجَر - شَجَر - بَقَر - غَنَم - شَمْس - سُنْبُلَه - وَرَق - هَدَهْد

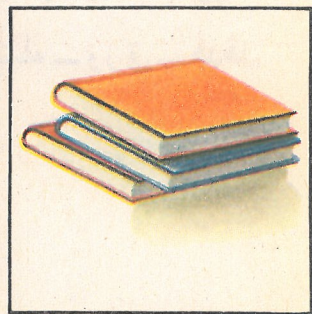
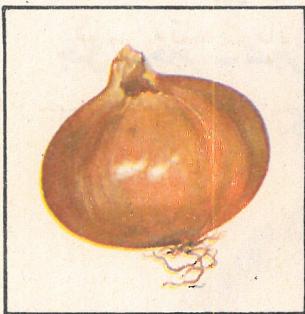
از تصویر کمک بگیرید



۲ - کلمات زیر را با صدای بلند بخوانید:

أَمْرٌ - خَلَقَ - كَسَبَ - سَمِعَ - حَسِبَ - عَلِمَ - رُسُلٌ

۳ - آیا می‌توانید نام قرآنی شکل‌های زیر را بنویسید؟ حتماً...



۴ - آیا می‌توانید کلمات قرآنی زیر را صحیح بخوانید؟ حتماً، (سه بار)

دسته‌جمعی، بخش، بخش بخوانید).

مثال: جَمَعَ = جَمْعٌ

جَمَعَ - إِبِلٌ - رُسُلٌ - حَسَنٌ - قَتَلَ - صُحُفٌ - مَطَرٌ - حَفِظَ - ضَعُفَ

كَفَرَ - نَقَرَ - كَثَرَ - بَعَدَ - مَثَلٌ - عَظُمَ - حَطَبُ - بَصَرَكَ - صَلَحَ - وُلِدَ
 فَهُوَ - قَدَرَ - كَبُرَ - فَطِيعَ - فَعَلِمَ - فَلَيْتَ - أَحْسَبَ - تَبِعَكَ - غَلَبَتْ
 جَمَعَ - ضَرَبَ

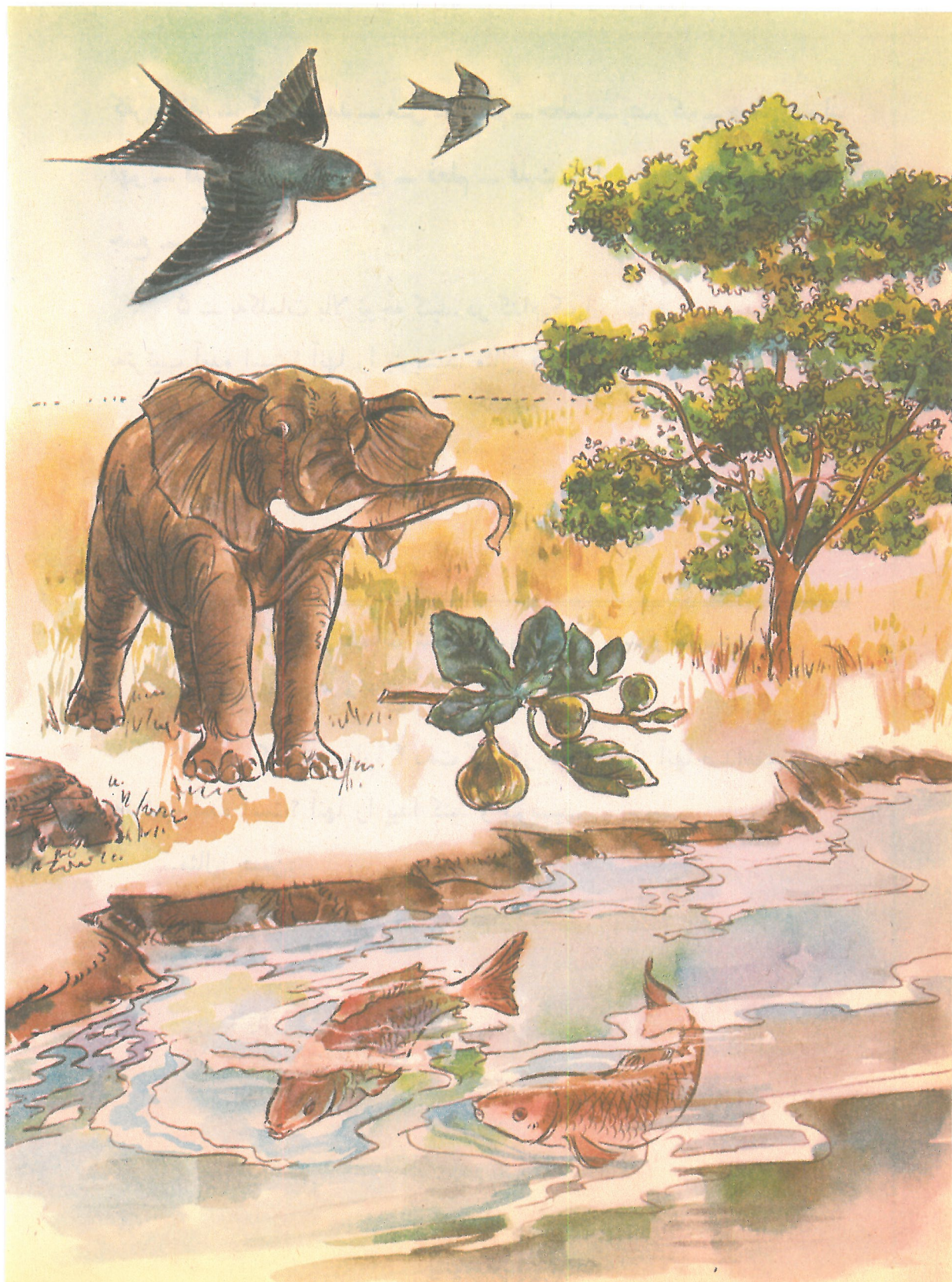
۵ - به کلمات بالا توجه کنید. در کدام یک از آنها هر سه صدای م به ترتیب آمده است؟ آنها را بنویسید. مثال كَفَرَ.

تکلیف شب:

۱ - ده کلمه از کلمات شماره ۴ را بخش کنید و بنویسید.

مثال: جَمَعَ = جَ + مَ + عَ

۲ - در کلمات شماره ۴ دقت کنید در کدام یک از آنها صداهای م به ترتیب آمده است؟ آنها را پیدا کنید و بنویسید.
 مثال: حَسَنٌ.



درس دوم

صداهای (ا - ی - و)

۱- کلمات قرآنی زیر را بخوانید. آیا می‌توانید معنای آنها را هم بگویید؟
آبَابِل - تِین - حُوت - نَار - طَعَام - اِنْسَان - فِیل - نَجُوم
جَاهِل - عَالِم - مِیزَان - خَالِق
از تصویر کمک بگیرید

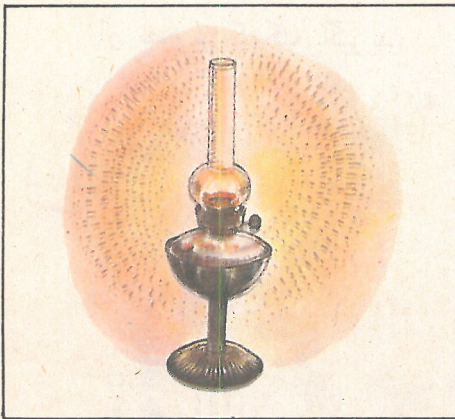


۲ - این کلمات را بخوانید.

سِرَاج - فَوَاكِه - شَهَاب - غُرَاب - طُلُوع - غُرُوب - سَحَاب

عَصَا

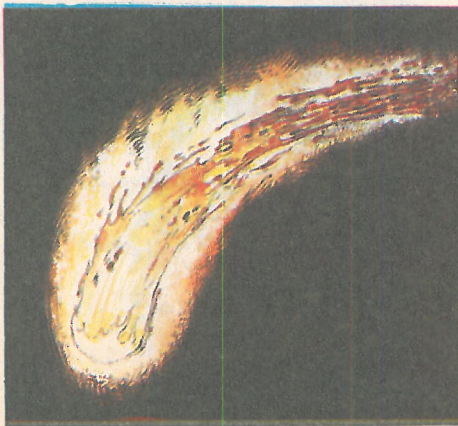
۳ - حالا می‌توانید هریک از کلمات بالا را در زیر شکل خودش بنویسید.



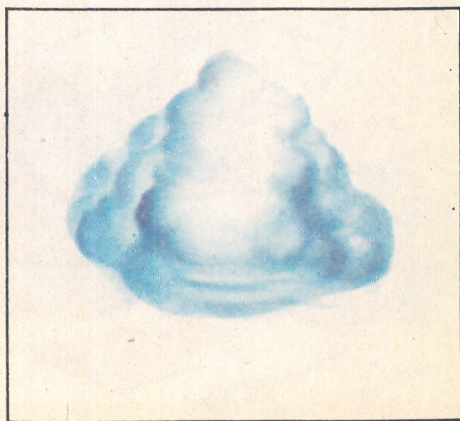
چراغ = _____



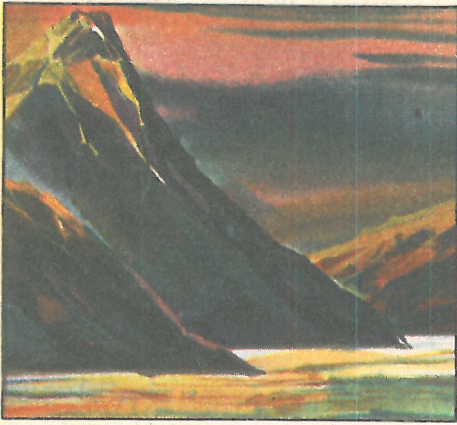
میوه‌ها = _____



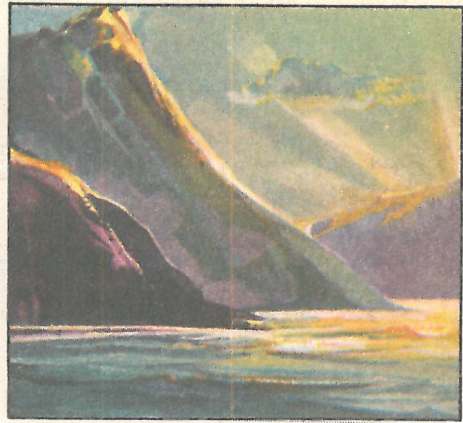
شهاب = _____



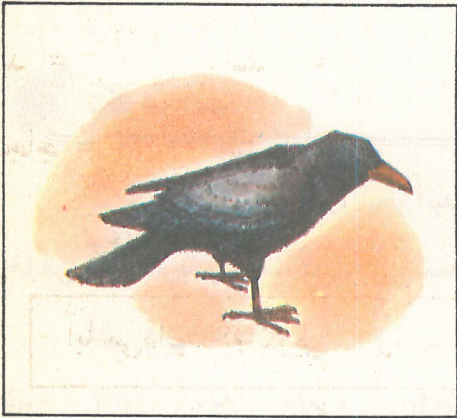
ابر = _____



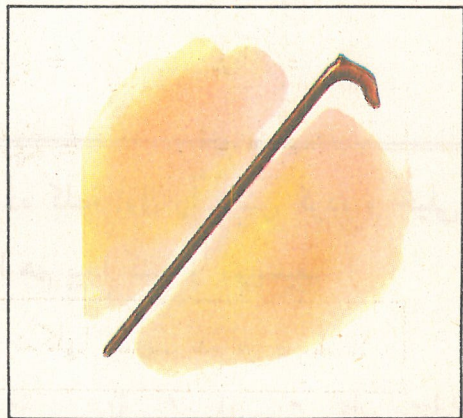
_____ = غروب



_____ = طلوع



_____ = کلاغ



_____ = عصا

۴ - آیا می‌توانید کلمات قرآنی زیر را صحیح بخوانید؟ حتماً، (سه بار)

دسته‌جمعی، بخش، بخش بخوانید)

مثال: خا + ل + ق = خَالِقُ

خَالِقُ - عَالِمٌ - تین - میزان - آبا بیل - حو تهما - نُجُومٌ - اُوْذِیْنَا - اُوْتِیْتَ

اَوْتُوهُ - يَقُولُ - سَاهُوْنَ - اُضْبِعْ - يَكِيدُوْنَ - وَقُوْدُهَا - اَتُوْنِي - اُعِيْذُهَا
ظَالِمِي - لِحَافِظُوْنَ - قُلُوْبُنَا - فَمَلَاقِيْهِ - فَخُذُوْهُ - اَوْتِيْنَا - يَتَغَامَزُوْنَ
وَطَوْرٍ سِنِيْنٍ - يُظَاهِرُوْنَ - نُعِيْذُهَا - فَلَا تَلُوْا مُوْنِيْ.

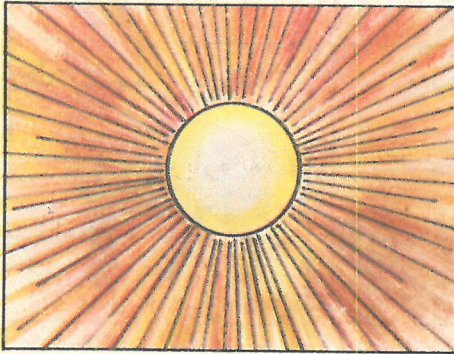
۵- دوباره به کلمات بالا توجه کنید، چند کلمه پیدا می کنید که دوصدا، از
صداهاى (ا - ي - و) در آنها به کار رفته باشند؟
مثال: اَبَايِلَ - يَكِيدُوْنَ

تکلیف شب:

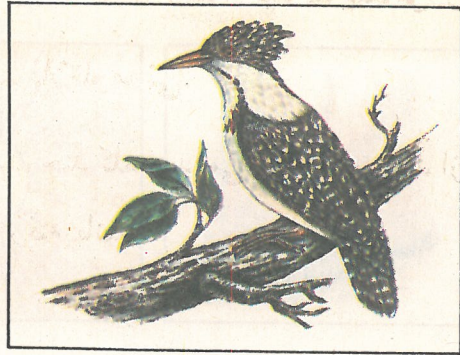
۱ - کلمات زیر را بخوانید و ده کلمه اول را بخش کرده و خیلی
خوش خط بنویسید. مشکل ترین کلمه را هم پیدا کنید و بنویسید.
مثال: قَالَ = قَا + لَ

قَالَ - ارَادَ - رَاهُ - رَاكَ - مَالَهَا - مَابٍ - مَارِبُ - نَادِمِينَ - نَأَ - شَنَّانُ
يُمِيتُ - اَعُوْذُ - رَوَّاحُهَا - اَسَاطِيرُ - بِفَاتِنِينَ - لِاِيْلَافٍ - يَتَلَاوَمُونَ
غَابِدُونَ - كَافِرِينَ

علامت ساکن —



شَمْس



هُدْهُد

در کلمه هُدْهُد حرف (د) را چگونه می خوانیم؟
در کلمه شَمْس حروف (م) و (س) را چگونه می خوانیم؟
هر حرفی که صدا ندارد و این گونه خوانده می شود، ساکن است و باید روی آن علامت ساکن — گذاشت.

۱ — در کلمه های قرآنی زیر، برای هر حرف که صدا ندارد، علامت

ساکن — بگذارید.

مثال: رُطْب

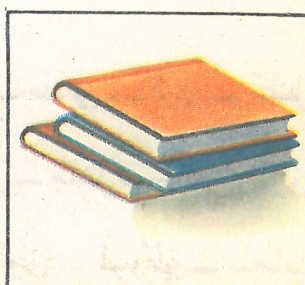
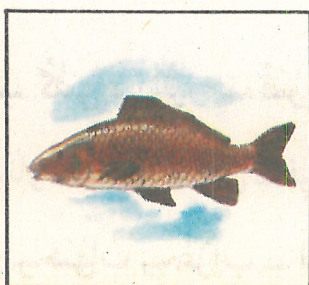
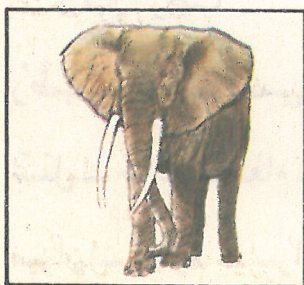
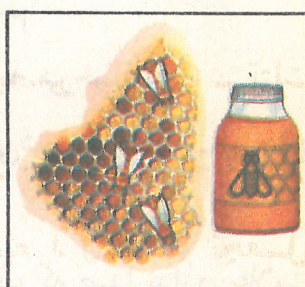
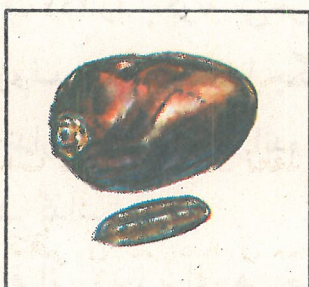
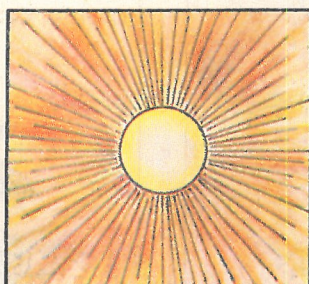
رُطْب — غَنَم — شَمْس — کُتُب — سُرُر — قَمَر — عَدَس — قِرَدَه — بَصَل

عَسَل — حَوْت — طَعَام — نَار — أَبَابِل — تِین — فِیل — جَاهِل — غَالِم — خَالِق

مِیزَان — نُجُوم — سِرَاج — شَهَاب — غُرَاب — طُلُوع — غُرُوب — سَحَاب

وَسْوَاس — اَعْبُد — تَعْلَمُونَ.

۲ - نام قرآنی هر شکل را زیر آن بنویسید، صدا و علامت را با رنگ
قرمز بگذارید.



۳ - کلمات بخش شده زیر را بنویسید. صداها و علامت ساکن را با رنگ قرمز بگذارید:

اِنَّهٗ + لَامٌ =	صَا + حَبٌ =	جَ + هَادٌ =
اِنْ + سَانٌ =	اَ + ذَانٌ =	وَاَبٌ =
قُرٌ + اَنٌ =	اَصٌ + حَابٌ =	عَا + قَ + بَتٌ =

۴ - آیا می‌توانید کلمات قرآنی زیر را بخوانید؟ حتماً، (سه بار دسته‌جمعی،

بخش، بخش بخوانید)

مثال: يَعْزِمُ = يَعْلَمُ

قُلْ - كُنْتُ - لَقَدْ - زُرْتُمْ - قُلْتُمْ - يَحْسَبُ - يَصْدُرُ - فَرَعْتَ - قَتَلْتُ
 نَصَبْتُ - سَطَحْتُ - رَفَعْتُ - تَعْلَمُونَ - تَعْقِلُونَ - تَشْكُرُونَ - كَافِرِينَ
 كَاذِبِينَ - مُخْلِصِينَ - تَنْظُرُونَ - يَمْنَعُونَ - مَبْعُوثُونَ - اَلَمْ نَجْعَلْ
 لِلْعَالَمِينَ - اَلَمْ يَعْلَمْ - اَلَمْ اَعْهَدْ - اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ - وَوَضَعْنَا
 عَنكَ وَزْرَكَ

خوب است که بدانید گاهی صدای ا را فقط به صورت ـ می‌نویسند.

ه = مَا

اِسْمَاعِيلُ = اِسْمَاعِيلُ رَحْمَنٌ = رَحْمَانُ اِسْحَاقُ = اِسْحَاقُ

عبارتهای قرآنی زیر را دوبار با صدای بلند بخوانید و یک بار بنویسید.

الْحَمْدُ - نَعْبُدُ - نَسْتَعِينُ - أَنْعَمْتَ - عَلَيْهِمْ - لَمْ يَلِدْ - وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ - بِحَمْدِهِ - لِمَنْ حَمْدُهُ - وَأَتُوبُ إِلَيْهِ - لِأَشْرِيكَ لَهُ - وَرَسُولُهُ
عَلَيْكَ - عَلَيْنَا - عَلَيْكُمْ - لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ - وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ
أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

درس چهارم

علامت تشدید —



~~نقّاش~~
نقّاش



~~نجّار~~
نجّار



~~بَنّا~~
بَنّا

۱ - به قسمت بالا خوب نگاه کنید و هر سه کلمه را بخوانید. حالا آیا

می‌توانید کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید؟ به علامت تشدید توجه کنید:

إِلّا - أمّا - كُلّ - شَرّ - أُمّت - مُدّت - حَقّ - حَظّ - حُبّ - آیام - جَبّار

فَعّال - عَفّار - كَفّار - كَذّاب - خَلّاق - أَيُّوب - مُقَدّس - سُنّت - مُتَقِنّ

مُتَكَبّر - جَهَنّم

۲ - کلمات بخش شده زیر را بنویسید.

مثال: شَرّ + ر = شَرّ

كُلّ + ل =

حَجّ + ج =

شَرّ + ر =

صَلّ + ل =

رَبّ + ب =

مِنّه + ما =

جَنّه + نا + ت =

مُحَضّ + ص + ل =

عَلّا + ا + م =

۳- این کلمات را بخوانید و هر کدام را، زیر شکل خودش بنویسید:

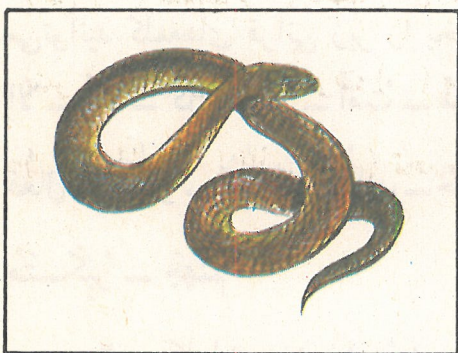
۱- حَبَّة ۲- جَنَّة ۳- رُمَّان ۴- حَيَّة



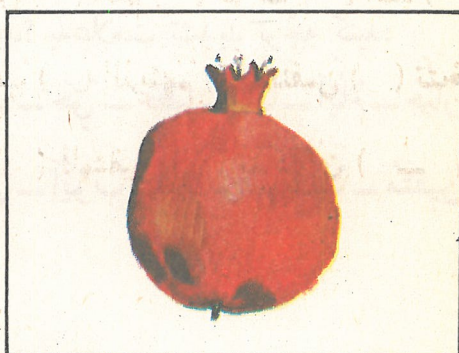
باغ = _____



دانه = _____



مار = _____



انار = _____

۴- کلمات زیر را بخوانید و مانند مثال کامل کنید:

مثال: حَقَّتْ = حَقَّة + قَتَ الَّذِينَ = اَزْ + لَ + ذِي + نَ

يَدْعُ = دُع + كَلَمًا = مَ +

رَبِّكَ = رَ + بَ + یَ + کَ + ذَ + بَ =

لِکَلِّ = لَ + لَ + جَنَّتِ = زَ + نَ =

غَرَكَ = غَ + رَ + فَ + بَشَ + شَرِ =

تَبَّ + بَتَّ = جَهَنَّمَ = جَ + زَ + زَ =

۵ - کلمه‌های زیر را با صدای بلند بخوانید و حرفی را که به جایش

علامت تشدید - گذاشته شده، مانند مثال بنویسید.

مثال: لِكَلِّ (ل) تَحَاضُّوْنَ (ض)

لِكَلِّ () فَصَبَّ () لِحَبِّ () حُصِّلَ () عَلَّمَ () غَرَكَ () أَشَدُّ ()
 بَشِّرَ () فَكَّرَ () فَجَرَتْ () يَكْذِبُ () الَّذِينَ () تَنْفَسُ () تَتَّخِذُ
 () تَطْلُعُ () لِلَّذِينَ () تُحِبُّونَ () لِلْمُتَّقِينَ () يَذْكُرُونَ (-)

تکلیف شب:

۱ - از روی کلمات قرآنی زیر دو یا سه بار بلند بخوانید و پنج کلمه از

آنها را بنویسید: خوب است مشکل‌ترین کلمات را انتخاب کنید.

إِنْ - سَبَّحَ - فَجَرَتْ - تَفَرَّقَ - يُسِرُّكَ - يَتَكَلَّمُونَ - رَكَّبَكَ

الْحَاقَّةُ - يُحَادِّثُونَ - حَافِينَ - مُنْفَكِّينَ - تُحَاجُّونَ

۲ - پنج کلمه زیر را بخوانید و بخش کنید و سپس بنویسید:

تُحِبُّونَ - لِلَّذِينَ - نَضَاحَتَانِ - بِضَارِبِينَ - لَضَالُونَ

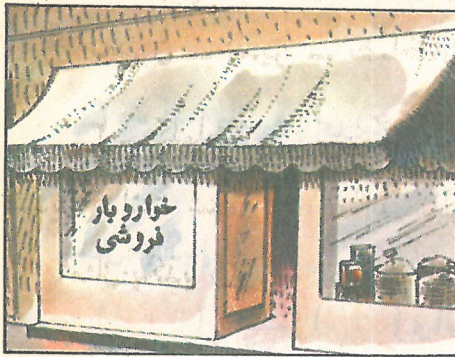
۳ - کلمات زیر را بخوانید و اگر خواستید حروفی را که به جای آنها

تشدید گذاشته شده است، مانند مثالها بنویسید.

مثال: یُكَذِّبُونَ (ذ) مَزْمِل (ز) - مَ

تُشَاقُّونَ - مَذَرٌ - لَتَرْكَبْنَ - سَيَذْكُرْ - يُسِرُّونَ - يَصْعَدُ - يَذْكُرُونَ

أَذْنَاكَ - يَشَقُّ - حَاجَكَ



خوار بار

خواهر

در کلمه‌های بالا کدام حرف خوانده نمی‌شود؟ ()

۱ - کلمه‌های زیر را بخوانید و بگویید چه حرفی خوانده نمی‌شود؟

خواستن - خواندنی - خواهش - خویشاوند - خواهان - خویشتن

۲ - حالا کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید، دقت کنید حروفی را که خوانده

نمی‌شوند با رنگ آبی نوشته‌ایم.

در کلمات زیر (و) نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود:

(و) حَيُّوْثُنَا - صَلَوَاتِي - زَكُوَّةٌ* - مِشْكُوَّةٌ

در کلمات زیر (ا) نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود:

(ا) اَنَا - بِالْحَقِّ - وَالْعَصْرِ - قَالُوا - كَانُوا - كَفَرُوا - فَاصْبِرْ

در کلمات زیر حرف (ل) نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود:

(ل) الشَّهْرُ - لِلنَّاسِ - النَّارُ - اللَّهُ - الشَّمْسُ - الشَّيْطَانُ

* ت = ث = ع = ه

در کلمات زیر حرف (ی) نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود:
(ی) عَلٰی - حَتّٰی - یَحِیّی - اَرٰی - قُرْبٰی - مُوسٰی - اَدْرِیْکَ

اَتِیْکَ

۳ - کلمه‌های قرآنی زیر را بخوانید و حروفی را که خوانده نمی‌شوند

بنویسید

مثال: بِالَّذِیْنَ (ا ، ل)

بِالَّذِیْنَ (،) بِالصَّبْرِ (،) وَالرَّوْحِ (،) وَالسَّقْفِ (،) ذُو الْعَرْشِ
(،) ذُو الْجَلَالِ (،) فِی السَّمَاءِ (، ،) ذُو الْقُرْبٰی (، ،)
عَلِی الَّذِیْنَ (،) یَصْلٰی النَّارَ (، ،) مَا الْقَارِعَةُ (،) وَاتَّقُوا اللَّهَ
(، ، ،) كَالْفَرَّاشِ () لَهُ الدِّیْنِ (،) اَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ (، ، ،)
اَتُوا الزَّكٰوةَ (، ، ، ،) كَفَرُوا السُّفٰلِی (، ، ، ،)

۴ - کلمه‌های بالا را مانند مثال بخش کنید.

مثال: بِالَّذِیْنَ (بِد + دِی + نِ) ذُو الْعَرْشِ = ذَا - عَر + شِ

توجه:

چهار حرف (و - ا - ل - ی) اگر صدا یا علامت نداشته باشند خوانده نمی‌شوند.

۱ - آیات زیر را که از قرآن انتخاب کرده ایم دو یا سه بار با صدای بلند بخوانید و دو یا سه آیه آن را بنویسید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ - فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ - وَلَا يَحْضُ
عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى - الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى - وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى -
وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ - وَطُورِ سِينِينَ - وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ - لَقَدْ خَلَقْنَا
الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

۲ - کلمات زیر را مانند مثال بخش کنید و بنویسید:

مثال: وَالْفَجْرِ = وَا + فَجْ + ر

وَالْعَصْرِ - وَالضُّحَى - وَالَّتَيْنِ - وَالزَّيْتُونَ - وَاللَّيْلِ - وَالشَّمْسِ

وَتَقْوِيهَا - وَالْأَنْثَى - عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ - يُقِيمُوا الصَّلَاةَ

علامت تنوین

آیا می‌دانید که کلمه زیر چگونه خوانده می‌شود؟

بَعْدًا = بَعْ + دَنْ

۱ - اکنون کلمات زیر را مانند مثال بالا، بخوانید و بخش کنید:

مَثَلًا - اِتِّفَاقًا - اَبَدًا - اَوَّلًا - اَصْلًا - عَمَدًا - قَبْلًا - فِعْلًا

۲ - کلمات زیر هم مانند کلمات بالا خوانده می‌شوند.

مُحَمَّدًا = مُحَمَّدَنْ قُرْآنًا = قُرْآنَنْ اِمَامًا = اِمَامَنْ

کلمات زیر چگونه خوانده می‌شوند؟ پاسخ را مانند سطر بالا بنویسید.

رَسُولًا = کِتَابًا = نَارًا = اَحَدًا =

۳ - حالا کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید، برای این که بهتر

یاد بگیرید، دسته‌جمعی دو بار تکرار کنید.

مثال: خَيْرًا = خَيْرَنْ

خَيْرًا - شَرًّا - نَارًا - مَالًا - اَكْلًا - سِرَاجًا - عِظَامًا - اَشْتَاتًا - اَفْوَاجًا



۴ - آیا می‌دانید که کلمات زیر این طور خوانده می‌شوند؟

مُحَمَّدٌ = مُحَمَّدِنْ اِمَامٌ = اِمَامِنْ کِتَابٌ = کِتَابِنْ

کلمات قرآنی زیر چگونه خوانده می‌شوند؟ پاسخ را مانند شماره (۴)

بنویسید.

خَیْرٌ = جَوْعٌ = کَبِدٌ = رَجِیمٌ =

۵ - حالا کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مثال: خُسْرٌ = خُسَ + رُنْ

خُسْرٌ - فَضْلٌ - قَرِیشٌ - کَعْصَفٌ - تَضَلُّیْلٌ - ذَرَّةٌ - لَمْزَةٌ - عَیْنٌ



قرآن مجید

۶ - با توجه به قسمت‌های گذشته، بنویسید کلمات زیر چگونه خوانده

می‌شوند:

مُحَمَّدٌ = رَسُوْلٌ = اِمَامٌ = کِتَابٌ =

۷ - اکنون کلمات قرآنی زیر را بخوانید و بخش کنید:

مثال: مُحَمَّدٌ = مٌ + حَمٌ + مَ + دُنْ

حَبْلٌ - عَابِدٌ - فَوَيْلٌ - لَشَدِيدٌ - ضَاحِكَةٌ - مَرْقُومٌ - لَكَنُودٌ - مُسْفِرَةٌ

۸ - به این کلمه‌ها و روش تلفظ آنها بیشتر دقت کنید:

كِتَابًا = كِتَابِنِ هُدًى = هُدًى مَغْفِرَةٌ = مَغْفِرَةً سَوَاءٌ = سَوَاءِنِ

آیا می‌توانید کلمات زیر را درست بخوانید؟ حتماً.... (پاسخ را مانند سطر بالا

بنویسید)

نُورًا =	طُوى =	مُطَهَّرَةٌ =	مَاءٌ =
لُبْدًا =	سُدًى =	نَخْرَةٌ =	عَطَاءٌ =
تُجَاجَا =	فَتًى =	فَاكِهَةٌ =	جَزَاءٌ =

توجه:

آیه می‌دانید که تنوین ِ را به این شکلها ِ، ِ هم می‌نویسند؟

۱ - آیات قرآنی زیر را دو یا سه بار بخوانید و آن گاه یک بار بنویسید.
خوب است که صداها و علامتها را با رنگ قرمز بگذارید.

وَعَنْبًا وَقَضْبًا - وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا - وَفَاكِهَةً وَأَبًّا - وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا
لَا يَدْخُلُ فِيهَا بَرْدٌ وَلَا شَرَابٌ - إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا - جَزَاءً وَفَاةً - فِي عَمَدٍ
مُمَدَّدَةٍ - فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ - مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ - فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ - فِيهَا
كُتُبٌ قِيَمَةٌ - مَطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ - كِتَابٌ مَّرْقُومٌ - بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ

۲ - کلمات قرآنی زیر را بخوانید، بخش کنید و بنویسید.

مثال: یُسْرًا = یُسْرَ + رَنَ

یُسْرًا - مَطَاعٍ - قَسَمٌ - تَوَابًا - قُوَّةٌ - كَادِحٌ - كَذَابًا - بِمُصِيطِرٍ
عَيْنٌ - مُسَمًّى - فَاكِهَةٌ - سُوءٌ - زَجْرَةٌ - أَمِينٌ

درس هفتم خودآزمایی

دانش آموز عزیز! تاکنون شش درس خوانده‌ای، آیا دوست داری خود را بیازمایی؟ برای این که اطمینان پیدا کنی که درسها را خوب یاد گرفته‌ای و نمره خوبی خواهی گرفت، می‌توانی درسها را دوباره دوره کنی و آن گاه با این تمرینها خود را امتحان کنی.

۱ - آیات قرآنی زیر را بخوانید. هر آیه را که کاملاً درست خواندید، یک نمره به خود بدهید.

(می‌توانید شما از دوست خود بپرسید و او از شما)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ - أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ -
وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ - ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ - أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ
عَلَيْهِ أَحَدٌ.

۲ - کلمات زیر را بخوانید و با دقت بخش کنید. اگر همه کلمات را درست بخوانید و درست بنویسید پنج نمره خواهید گرفت.

الَّذِينَ =	عَدَدَهُ =	تَتَّخِذُ =
يُسْرُونَ =	لِلْمُتَّقِينَ =	يَتَكَلَّمُونَ =
يَشْقُقُ =	سَيَذْكُرُ =	يَصْعَدُ =
لَيَسْجُنَنَّهُ =		

۳ - کلمات زیر را بخوانید و حروفی را که خوانده نمی‌شوند داخل پرانتز بنویسید. اگر همه را درست خواندید و درست پاسخ دادید، ۵ نمره دیگر خواهید گرفت.

(مِنْ الشَّيْطَانِ) (عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (
 ذَوِي الْقُرْبَى) (وَاتَّقُوا اللَّهَ) (أَقِيمُوا الصَّلَاةَ) (
 اتُّوا الزَّكَاةَ) (ذُو الْجَلَالِ) (قَالُوا ادْعُ) (
 كَفَرُوا الرَّعْبَ) (

۴ - کلمات زیر را بخوانید و با دقت بخش کنید. چنانچه همه این قسمت را هم درست خواندید و صحیح هم نوشتید نمره شما ۲۰ می‌شود.

وَهَاجًا = قَتَرَةٌ = رَقَبَةٌ =
 مَطَهَّرَةٌ = مَبْنُوَةٌ = مَخْتُومٌ =
 أَفْوَاجًا = مُصَفًّى = مُصَلًّى =
 عَطَاءٌ =

نمره خود را در این جا بنویسید و از دوست خود بخواهید که آن را بررسی و تأیید کند.



درس هشتم
سوره حمد و توحید
این سوره‌ها را حفظ هستید و در نماز می‌خوانید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ

الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ
المُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

درس نهم

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

کلمات زیر را چگونه می‌خوانید؟

بِه — عِنْدِه — عِلْمِه — عِبَادِه

این کلمات، این‌گونه خوانده می‌شوند:

بِه خوانده می‌شود بِهِي

عِنْدِه خوانده می‌شود عِنْدِهِي

عِلْمِه خوانده می‌شود عِلْمِهِي

عِبَادِه خوانده می‌شود عِبَادِهِي

به کلمه‌های بالا که آخر همه آنها (ه — ۵) می‌باشد، خوب دقت کنید.

در کلمه‌های بالا (ه — ۵) و حرف قبل از آن هر دو صدای — دارند.



۱ - حالا با توجه به مطالب این درس، آیا می‌توانید کلمات زیر را درست

بخوانید؟ امتحان کنید.

آیَاته - وَجْهه - رَبّه - رُسُله - کُتِبَه - مِثْلَه - طَعَامَه

کلمات زیر را چگونه می‌خوانید؟

لَه - عَمَلَه - بَعْدَه - أَمْرَه

کلمات بالا این‌گونه خوانده می‌شوند:

لَه خوانده می‌شود لَهَوُ بَعْدَه خوانده می‌شود بَعْدَهَوُ

عَمَلَه خوانده می‌شود عَمَلَهَوُ أَمْرَه خوانده می‌شود أَمْرَهَوُ

به این کلمات که آخر همه آنها نیز (ه - ه) می‌باشد، خوب دقت کنید.

در این کلمات (ه - ه) صدای ه و حرف قبل آن صدای ه یا ه دارد.

۲ - حالا با توجه به مطالب این درس، آیا می‌توانید کلمات زیر را درست

بخوانید؟ امتحان کنید.

عِبَادَه - اِنَّه - اَنْزَلَه - عَمَلَه - مَعَه - عِنْدَه - كِتَابَه - وَاَمْرَاثَه

آیا توانستید تمام کلمات شماره ۱ و ۲ را درست بخوانید؟ اکنون ده کلمه،

از آنها را انتخاب کنید و به دوست خود بگویید تا بنویسد، بررسی کنید که آیا

همه را درست نوشته است؟ اگر همه را درست نوشته است به او نمره ۲۰ بدهید.

اگر در آخر کلمه‌ای (ه - ه) باشد و حرف قبل از آن هم صدای ه داشته

باشد (هه) خوانده می‌شود.

اگر در آخر کلمه‌ای (ه - ه) باشد و حرف قبل از آن صدای ه یا ه

داشته باشد (هه) خوانده می‌شود.

۳ - حالا کلمات زیر را بخوانید و بگویید چرا در هنگام خواندن تغییر نمی‌کنند؟

مثال: مِنْهُ خوانده می‌شود مِنْهُ زیرا حرکت حرف قبل از (ه) - یا - نیست.

مِنْهُ - فِيهِ - اللَّهُ - عَنْهُ - كَرِهَ - يَنْتَه - نَصْرُوهُ - إِلَيْهِ - اِكْرَاهُ
لِلَّهِ - فَالْقُوَّةُ - تَنْتَه - إِلَه - وَاسْتَغْفِرُهُ.

تکلیف شب:

- ۱ - درس را با دقت بخوانید.
- ۲ - آیات زیر را بخوانید و روش تلفظ (ه - ه) را مانند مثال در داخل پرانتز بنویسید.

مثال: وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزَكِّي (لَعَلَّهٗ) فَأَتَتْ عَنْهُ تَلْهٰی (عَنْهُ)
وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ () مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ
(-) وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ () فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
شَرًّا يَرَهُ () فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ () وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (-)
وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (-)

این سوره را بخوانید و بنویسید، در هنگام نوشتن مشخص کنید که (هـ - هـ)
را چگونه باید خواند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ *

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ * كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ * وَمَا

أَدْرِيكَ مَا الْحُطَمَةُ * نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى

الْأَفْنَدَةِ * إِنَّا عَلَيْهِمُ مُّوصَدَةٌ * فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ *

تمرین:

از دوست خود بخواهید که این سوره را برای شما بخواند. اگر کاملاً
درست خواند به او نمره ۲۰ بدهید.

درس یازدهم

مَا لَكَ يَوْمَ الدِّينِ

این آیه از سوره حمد را بخوانید.

کلمه «يَوْمٍ» را چگونه خواندید؟

۱ - کلمات قرآنی زیر را با دقت تلفظ کنید، توجه کنید که قبل از واو

ساکن صدای **اَ** آمده است.

مَوْج - قَوْل - فَوْق - قَوْم - قَوْس - زَوْج - ذَوْق - فَوْت - مَوْت

كُوكَب

۲ - کلمات قرآنی زیر را برای تمرین بیشتر دو یا سه بار دسته جمعی

بخوانید.

لَوْح - خَوْف - كَوْنُ - لَوْلَا - مَوْعِد - مَوْعِظَة - يَوْمًا - قَوْلًا

لَوْثًا - حَوْل - نَوْمَكُمْ - وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ.

تمرین:

کلمات زیر را دو یا سه بار دسته جمعی و با دقت بخوانید و یک بار

بنویسید.

مثال: سَوْفَ - عَصَوَا - سَوَّطَ - طَوَّعَا - تَوَبَّهَ - هَوَّنَا - يَرَوْنَ

أَوْحَى - تَوَاصَوْا - مَوْلَى - فَوْزاً - طَغَوْا - يُسْقَوْنَ - لِيُرَوْا - فِرْعَوْنُ
 أَوْفُوا - رَأَوْا - تَسْنُونَ - عَفَوْنَا - أَوْلَى - يُجْزَوْنَ - يُلْقَوْنَ.

تکلیف شب:

۱ - کلمات زیر را دو یا سه بار با صدای بلند بخوانید و آن گاه بنویسید.
 صداها و علامتها را بارنگ قرمز بگذارید (به واو ساکن و صدای َ قبل از آن
 توجه کنید.)

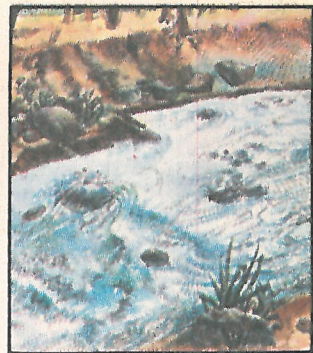
مثال: أَتَوْهُ

مَوْتِهِ - لَوْمَةً - يَضْلَوْنَ - يُلْقَوْنَ - زَوْجَيْنِ - يَوْمَيْنِ - مَوْتَتُنَا
 يُحَلِّوْنَ - يَتَوَلَّوْنَهُ - يَسْتَوْفُونَ - مَوْلَاهُمْ.

درس دوازدهم

همزه (ء)

(ء = ا = و = ز = ی)



ماء = آب كَأْس = کاسه ذَنْب = گِز

کلمه‌های بالا را بخوانید. در این کلمه‌ها همزه چگونه نوشته شده است؟
اکنون کلمه‌های زیر را بخوانید:

- ۱ - انشاء - املاء - اشیاء - اسماء - آراء - جزاء - صحراء - جزء
- ۲ - رأی - یأس - رأس - مأمور - مانوس - تأثیر - أثر
- ۳ - سؤال - مؤمن - مؤثر - مؤلف - مؤسس - مُؤدَّب
- ۴ - رئیس - قائد - قرائت - مسئول - دائم - وسائل
- ۵ - باری - قری - یبدي - ابری

حالا به شکلهای گوناگون همزه (ء) خوب دقت کنید.

در شماره (۱) همزه به شکل اصلی خودش آمده است و در شماره‌های

بعدی همزه را به ترتیب این‌طور نوشته‌اند (ا = و = ز = ی)

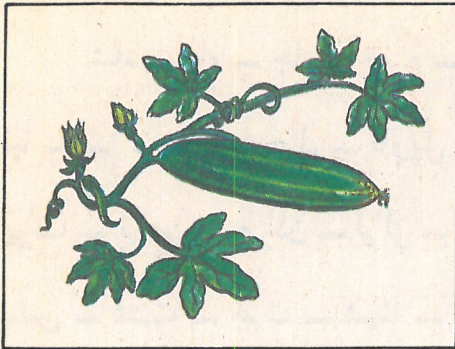
اکنون کلمه‌های قرآنی زیر را می‌توانید درست بخوانید و از هر سطر پنج کلمه انتخاب کنید و بنویسید:

شاء - بَاء - جَاء - سَوَاء - جِيء - اَنْبَاء - اَنْتُمْ - اِذَا - اَنَا
نَبَأ - بَدَأ - خَطَأ - سَأَلَ - تَأْوِيلُ - نَاتٍ - اِنْسُ - اِلَيْنَا - اَسْرَى - يَبْدَأُ
يُوتُ - نُومِنُ - مُؤِذِنٌ - لَوْلَوْ - فَوَازَ - ثَوْتِي - يُوَاخِذُكُمْ - لَايُؤْمِنُونَ
بِئْسَ - شَيْتٌ - جِئْتُ - شَيْئاً - سَائِلٌ - شَيْئَتَا - يَسْأَلُونَكَ - حَدَائِقَ
اُبْرَى - يُنْشِئُ - يَسْتَهْزِئُ - هَيَّيْ - نَبِيٌّ - تَبَوَّأُ - الْمَسِيحُ - النَّسِيْبُ

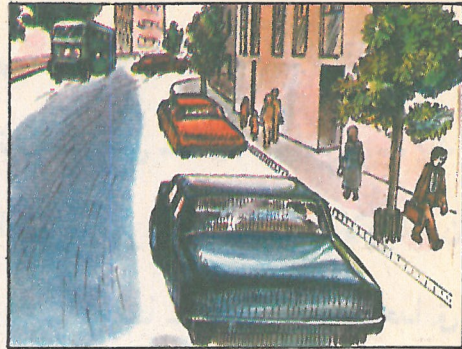
تکلیف شب:

- ۱ - از کلمات نمونه‌ای که در صفحه قبل آمده است، از هر سطر ۴ کلمه انتخاب کنید و بنویسید.
- ۲ - از روی کلمه‌های بالا یک بار با خط زیبا بنویسید. فراموش نکنید که همزه را با رنگ قرمز مشخص کنید.

درس سیزدهم



خِيار



خِيابان

دو کلمه بالا را بخوانید. آنها را خواندید؟

حرف (خ) را با چه صدایی خواندید؟ با صدای (ـِـ)، یا با صدای (پ)؟

این کلمه‌ها را چگونه می‌خوانید؟

ریاضی — بیابان — دیانت — قیامت — ریاست

حالا این دو آیه را بخوانید و به حرکت گذاری آن دقت کنید:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ — لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

(ا، و (ق) را چگونه خواندید؟ با صدای (ـِـ)، یا با صدای (پ)؟

آیا می‌توان گفت: حرفی که صدای ـِـ دارد، اگر به (ياء) صدادار برسد،

با صدای (پ) خوانده می‌شود؟

۱- به کمک مطالبی که در درس خواندید کلمات زیر را می‌توانید به‌طور صحیح بخوانید و آن‌گاه بنویسید:

هـی - لی - خشی - رضی - بقی - نسی - اوحی - اوتی - اودی
هدی - قزی - تلّیت - ایابهم - نیابک - راضیه - قوی - یستویان.
۲- ده آیهٔ اوّل سورهٔ حاّقه را برای شما نوشته‌ایم آن را بادقت بخوانید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ * مَا الْحَاقَّةُ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ *

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ * فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

* وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ * سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ

سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى

كَأَنَّهُمْ أَعْجَازٌ نَّخْلٍ خَاوِيَةٍ * فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ *

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ *

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً *

تکلیف شب:

از روی تمرین ۲ ، دو یا سه بار بخوانید و فقط کلماتی که مربوط به
قاعدهٔ این درس است بنویسید.

درس چهاردهم

وقف —

این آیه قرآن را بخوانید **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**
این آیه را در همه نمازها همین طور خوانده ایم.
اما این آیه در قرآن این گونه حرکت گذاری شده است: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ**
الْعَالَمِينَ

به حرکت حرف آخر آیه توجه کنید چه حرکتی دارد؟ پس چرا آن را با علامت ساکن خواندیم؟
زیرا می خواستیم کمی توقف کنیم و نفس بکشیم. به این توقف و درنگ «**وَقَف**» می گویم.

حالا بگویید در کلمه (الْعَالَمِينَ) حرکت «ن» یعنی صدای — به چه علامتی تبدیل شد؟

به مثالهای زیر دقت کنید و ببینید هنگام وقف حرکت آخر آنها چه تغییری می کند.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	در هنگام وقف می شود الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ	← إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	← إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

دقت کنید که:

صداهاى — در هنگام وقف به علامت ساکن — تبدیل می شوند.

توجه:

کلمه «هُوَ» در هنگام وقف «هُوَ» خوانده می‌شود.
کلمه «هِيَ» در هنگام وقف «هِيَ» خوانده می‌شود.

وقف —

در هنگام وقف، حرکت حرف آخر این جملات، مانند مثالهای زیر تغییر می‌کند. مثال:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ در هنگام وقف می‌شود إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ← قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

دقت کنید که:

تنوین — و — در هنگام وقف به علامت ساکن — تبدیل می‌شوند.

اکنون به مثالهای جالب زیر بیشتر توجه کنید:

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا در هنگام وقف می‌شود وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ← أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ← وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

دقت کنید که:

تنوین — در هنگام وقف بیشتر به ا تبدیل می‌شود.

این سوره‌ها را با دقت بخوانید و چگونگی تغییر آخر هر آیه را در هنگام وقف بگویید. اگر این سوره‌ها را ۵ مرتبه بخوانید، آیا حفظ می‌شوید؟ آزمایش کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا

بِالصَّبْرِ *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهِيَكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ * كَلَّا سَوْفَ

تَعْلَمُونَ * ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ

الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ

لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ *

درس پانزدهم

وقف (ا - ی - و)

خوب است بدانید که صداهاى (ا - ی - و) در هنگام وقف تغییر نمی‌کنند.

به مثالهای زیر توجه کنید:

یا ایها الذین آمنوا	که در هنگام وقف تغییر نمی‌کند و می‌خوانیم	یا ایها الذین آمنوا
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا	←	إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي	←	يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

دقت کنید که:

علامت ساکن — نیز در هنگام وقف تغییر نمی‌کند.

به این مثال نیز توجه کنید:

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ که در هنگام وقف تغییر نمی‌کند و می‌خوانیم لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

تمرین:

آیات زیر را بخوانید و حرکت حرف آخر آن را در هنگام وقف مشخص کنید.

مثال: وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا - وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا - يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ

أَخْبَارَهَا - يَأْنُ رَبِّكَ أَوْحَى لَهَا - وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى - وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى -
وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى - فَادْخُلِي فِي عِبَادِي - وَادْخُلِي جَنَّتي - يَقُولُ يَا
لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي - فَصَلِّ لِرَبِّكِ وَانْحَرِي - فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ - وَأَمَّا
السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ.

وقف (ة = ة)

اگر در آخر کلمه ای «ة» باشد در هنگام وقف به «ه» تبدیل می شود.

به مثالهای جالب زیر دقت کنید.

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ	که در هنگام وقف می شود	يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ
لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ	←	لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ
إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ	←	إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ
... دَكَّةً وَاحِدَةً	←	... دَكَّةً وَاحِدَةً
وَفَاكِهَةً كَثِيرَةً	←	وَفَاكِهَةً كَثِيرَةً
عَامِلَةً نَاصِبَةً	←	عَامِلَةً نَاصِبَةً



آیات زیر را بخوانید. آخر آنها چه تغییری کرد؟ آنها را مانند مثال بنویسید.

مثال: وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْقَارِعَةُ (القَارِعَةُ)

لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ () وَتَذَرُونِ الْأَيُّهَا () وَمَا أَدْرِيكَ
مَا الْحَاقَّةُ () تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً () فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ()
قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ()



آیات زیر را دو یا سه بار بخوانید به تغییر آخر آیات توجه کنید. و سپس یک بار بنویسید.

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا - وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا - وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا -
وَالضُّحَى - وَاللَّيْلُ إِذَا سَجَى - مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى - هَلْ أَتَاكَ
حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ - وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ - عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ - تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً -
تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ - فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ - يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

این علامت (-) چیست؟

نام این علامت (-) مَدّ است. هنگام خواندن قرآن هر وقت به علامت مَدّ (-) در بالای یکی از صداهاى (ا - اپ - او) رسیدیم آن صدا را قدری می کشیم.

مانند:

- ۱ - شَاءَ - جَاءَ - جِيَءَ - سَوَّءَ - تَبَوَّءَ - جَزَاءَ - خَزَائِنَ - وَمَا أُدْرِيكَ
۲ - ضَالِّينَ - حَافِّينَ - ضَارِّينَ - حَاجِّكَ - تُحَاجُّونِي.

به کلمات سطر اول خوب نگاه کنید و به این سؤال پاسخ دهید:
آیا می توان گفت اگر صداهاى ا - اپ - او به همزه برسند باید کشیده تر خوانده شوند؟

حالا به سطر دوم خوب نگاه کنید و به این سؤال پاسخ دهید:
آیا می توان گفت اگر صداهاى ا - اپ - او به تشدید یا حرفی که ساکن است برسند باید کشیده تر خوانده شوند؟

تمرین:



- ۱ - از روی کلماتی که در درس آمده است یک بار بنویسید و علامت - را با رنگ قرمز بگذارید.
شَاءَ

ضالین

۲ - کلمات و ترکیبهای قرآنی زیر را بخوانید و به علامت مدّ (-) توجه کنید.

عَطَاءٌ - لَوْ تَشَاءُ - مِنَ السَّمَاءِ - إِلَّا مَكَاءً - رِثَاءَ النَّاسِ - شَرَّ الدَّوَابِّ
إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ - مِنَ الْمَلَائِكَةِ - لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ - هَؤُلَاءِ.

۳ - پنج کلمه از تمرین بالا را انتخاب کنید و سپس بنویسید. مخصوصاً به علامت مدّ (-) توجه کنید.

تکلیف شب:

در عبارتهای قرآنی زیر دقت کنید و سپس دو یا سه بار آنها را بخوانید و بگویید چرا روی آنها علامت مدّ (-) گذاشته ایم.

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ - جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَاباً - إِنَّا
أَنْذَرْنَاكُمْ - لَا أَقْسِمُ - لَا يَضْلِيهَا إِلَّا - وَجَدَكَ ضَالًّا فَهْدًى - وَوَجَدَكَ
عَائِلاً فَأَغْنَى - وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ - أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ - أُولَئِكَ
كَلَّا إِذَا - وَجَى يَوْمِئِذٍ - إِرْجِعِي إِلَى - وَلَا يُوْنِقُ وَنَاقَهُ أَحَدٌ.

توجه:

در قرآن ا، اُ، اُ را به این صورت هم می‌نویسند ا، اُ، اُ

حالا عبارات زیر را بخوانید، به علامت مدّ (-) دقت کنید.
يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ - إِلَىٰ أَهْلِهِ - وَمَا أُمِرُوا إِلَّا - إِنَّمَا أُنْزِلَ - فَإِنِّي أَخَافُ
أَنْظِرْنِي إِلَىٰ

به شما تبریک می‌گوییم که توانستید این درسها را تمام کنید، پیروز و شادمان باشید، تا کنون شانزده درس خوانده‌اید و می‌توانید با دقت و توجه، قرآن را درست بخوانید، برای این که بهتر و دقیق‌تر یاد بگیرید، چه خوب است که یک بار دیگر درسها را دوره کنید و تمرینها را با دقت بررسی کنید تا بتوانید درسهای جدید را بدون کوچک‌ترین اشکالی بخوانید، کم‌کم پس از یادگیری قرآن باید سعی کنید با معنای آن هم آشنا شوید و از خدای بزرگ بخواهید که شما را موفق به انجام دستورات آن بگرداند. می‌دانیم هدف از یادگیری و فهم قرآن، عمل کردن به دستورات آن است.

از خدا خواهیم توفیق عمل.

درس هفدهم

نزول قرآن مجید

حضرت محمد (ص) تا چهل سالگی پیغمبر نبود اما با این که هنوز به پیغمبری نرسیده بود و برای راهنمایی مردم مأموریت نداشت، هیچ گاه به بت سجده نکرد و از گناهان و رفتار زشت دور بود. و نیز از گمراهی مردم سخت نگران و ناراحت بود.

وقتی به چهل سالگی رسید، از طرف خدا مأمور هدایت مردم شد. از این زمان به بعد تا پایان عمر شریف پیامبر، در مدت ۲۳ سال به تدریج آیات قرآن مجید، با وحی الهی، بر آن حضرت نازل گردید. نخستین آیات که با نزول آن، بعثت آن جناب به پیامبری آغاز گردید، آیات ابتدای سورهٔ علق می باشد.

قرآن مجید به یکباره نیز بر پیامبر اکرم وحی گردید و حقایق آن بر قلب مبارکش نازل شد.

آیات این درس، سورهٔ قدر است که نزول یکبارهٔ قرآن را در شب پربرکت قدر بازگو می کند.

با هم آیات این سوره را میخوانیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ
هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«همانا ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. و چه چیز تو را به (عظمت) شب قدر آگاه کرد؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. فرشتگان و روح در این شب به اجازه خداوند برای (تقدیر) هر کاری نازل می گردند. این شب تا سپیده صبح سلامت (و برکت) است.»

تمرین و تکلیف:

آیات این سوره را دو یا سه بار با صدای بلند بخوانید و یک بار بنویسید.

حالا خود را امتحان کنید. آیا می توانید این سوره را از حفظ بخوانید؟



- ۱ - پیامبر اکرم در چند سالگی به پیامبری مبعوث شدند؟
- ۲ - اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد چه بود؟
- ۳ - نزول یکباره قرآن در چه شبی است و سوره قدر چه می گوید؟

حمایت خدا از کعبه

در گذشته، یمن فرمانروایی خودخواه داشت. او می‌دید هر سال عده زیادی برای زیارت خانه خدا، به مکه می‌روند. او می‌خواست مردم به جای مکه به یمن بروند، تا از این راه سودی ببرد.

بدین منظور در پایتخت یمن، خانه‌ای زیباتر از کعبه ساخت و فرمان داد همه مردم به زیارت آن بروند، اما مردم گوش نکردند و باز هم به زیارت کعبه می‌رفتند. کعبه ساختمان ساده‌ای داشت و حضرت ابراهیم به دستور خدا آن را ساخته بود. بدین جهت، مردم به آن احترام زیاد می‌گذاشتند. فرمانروای یمن ناراحت شد و گفت:

خانه کعبه را خراب می‌کنم، تا دیگر کسی آن جا نرود. بر فیلی سوار شد و با لشگری به سوی مکه حرکت کرد. هنوز لشگریان وارد مکه نشده بودند که به فرمان خدا گرفتار بلایی شدند و از بین رفتند. این سال را «عام الفیل» (سال فیل) گویند. پیغمبر ما در همین سال به دنیا آمد. خدا در این سوره می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ

كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ * وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا

أَبَابِيلَ * تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ

كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ *

به نام خداوند بخشنده مهربان
«ای پیغمبر، ندیدی پروردگار تو با همراهان فیل چه کرد؟ آیا نقشه آنان را از
بین نبرد؟ پرنده‌هایی بر آنان فرستاد که سنگریزه‌هایی سخت بر سر آنان
ریختند، و آنان را خرد و نابود کردند.»

تمرین و تکلیف:

از روی سوره فیل دو یا سه بار بخوانید و سپس از دوست خود بخواهید که شما را بیازماید و به
شما نمره بدهد.

به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

- ۱ - خانه کعبه به دست چه کسی ساخته شده است؟
- ۲ - پیامبر در چه سالی به دنیا آمدند؟
- ۳ - چرا این سوره را سوره فیل می‌نامند؟
- ۴ - چه حادثه‌ای را در انقلابمان به خاطر دارید که شبیه این واقعه تاریخی باشد؟

درس نوزدهم

حضرت ابراهیم، کعبه را برای عبادت خدا در شهر مکه ساخت.
از این رو، مردم به شهر مکه احترام می‌گذارند و در آنجا جنگ و
خونریزی نبود و مردم مکه از نعمت امنیت بهره‌مند بودند.
وقتی دشمنان خدا با فیل به شهر مکه حمله کردند و خدا آنان را از بین
برد، احترام مکه زیاده‌تر شد، و طایفه «قریش» که در مکه زندگی می‌کردند،
آسودگی بیشتری پیدا کردند و در مسافرت‌هایی که در تابستان و زمستان برای
تجارت می‌کردند؛ از حمله دشمن در امان بودند.
خداوند، در این سوره به آنان دستور می‌دهد که قدر نعمت امنیت را
بدانند و به شکر این نعمت خدا را پرستش کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَلَاْفِ قُرَيْشٍ * اِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ *

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي اطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ

اَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«خدا دشمنان را نابود کرد، تا قریش الفت و آرامش بیشتری پیدا کنند و در سایه این آرامش، برای تجارت، به مسافرتهاى زمستانى و تابستانى بروند. اکنون باید خدای این خانه را پرستش کنند، همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناراحتی دور ساخت.»

تمرین و تکلیف:



— از روی سوره قریش یکبار بنویسید و به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱ — طایفه قریش در کجا زندگی می کردند؟

۲ — چرا از حمله دشمن در امان بودند؟

۳ — چرا مردم به شهر مکه احترام می گذاردند؟ و می گذارند؟

۴ — خداوند در این سوره به آنان چه دستوری می دهد؟

درس بیستم

پایداری پیغمبر

پیغمبر اسلام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد و هیچ چیزی را به اندازه بت پرستی دشمن نمی داشت. بت پرستان مکه در برابر او ایستادگی کردند، اما نتوانستند کاری از پیش ببرند، سرانجام به فکر حيله ای افتادند، پیش پیغمبر آمدند و گفتند: ما حاضریم با شما سازش کنیم و خدای شما را قبول کنیم، به شرط آن که، شما هم بت های ما را قبول کنید، به این ترتیب که: یک سال ما خدای شما را پرستش می کنیم، و یک سال شما بت های ما را پرستید. پیغمبر (ص) می دانست همه چیز را خدا آفریده است و از مجسمه های بی جانی که خود مردم ساخته اند کاری بر نمی آید، از این رو حاضر نشد این پیشنهاد را قبول کند، و در انتظار دستور خدا بود، تا این سوره آمد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«ای محمد، به کافران بگو: من آنچه را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم. شما هم آنچه را که من می‌پرستم نمی‌پرستید. (بعد از این هم) من آنچه را که شما می‌پرستید نخواهم پرستید. و شما هم آنچه را که من می‌پرستم نخواهید پرستید. دین شما برای خود شما و دین من هم برای خودم (تا سرانجام روشن شود که حق با کیست).»

تمرین و تکلیف:



— از روی سوره کافرون یک‌بار بنویسید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ — پیامبر اسلام، مردم را به چه کاری دعوت می‌فرمود؟

۲ — پیامبر اسلام با چه چیز بیش از همه دشمن بود؟

۳ — بت‌پرستان مکه چه پیشنهادی به پیامبر کردند؟

۴ — آیا پیامبر با آنها سازش کرد؟

درس بیست و یکم

نتیجه پایداری

خدا حضرت محمد (ص) را به پیغمبری برانگیخت و به او فرمان داد، تا برای نجات مردم کوشش کند و آنان را از گناه و بت پرستی و کارهای ناپسند پاک سازد.

این وظیفه، بسیار سنگین بود و پیغمبر در این راه، دشمنان سرسختی پیدا کرد.

آنان پیغمبر را بسیار آزار کردند و به فکر کشتن آن حضرت افتادند، اما حضرت محمد (ص) پایداری نمود.

وقتی هم به او وعده مال زیاد و حکومت دادند، باز قبول نکرد و از راهنمایی خود دست برنداشت.

خدا هم او را یاری کرد، مردم زیادی به او ایمان آوردند و نام پیغمبر به نیکی بلند شد و هنوز هم، هنگام اذان نام او را ذکر می کنند. چنان که خدا در این سوره می فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ * وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ *
الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ * وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ * فَإِنَّ
مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * فَإِذَا فَرَغْتَ
فَانْصَبْ * وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«آیا دلت را شاد نکردیم؟ و بار سنگینی را که بر دوش تو بود، برنداشتیم؟ بار
کمرشکنی که نزدیک بود تو را از پای درآورد؟ آیا نام تو را بلند نکردیم؟ با هر
سختی گشایشی است. آری، همراه هر سختی آسایشی است. اکنون که تو را
در همهٔ سختیها یاری کردیم و بر دشمنان پیروز نمودیم، تو هم، پس از آن که از
رنج کار فارغ شدی، رو به خدا آر، و به پروردگارت توجه کن.»

— سورة انشراح را بخوانید و یک بار از روی آن بنویسید و سپس به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱ — با دقت در کلمات این سوره، فقط در یک جا باید مدّ (—) گذارد آیا می‌توانید آن را پیدا کنید

و بنویسید.

۲ — دشمنان اسلام برای سازشکاری به پیامبر چه پیشنهادی کردند؟

۳ — چرا پیامبر، دشمنان سرسختی پیدا کرد؟

۴ — آیا خدا او را تنها گذاشت؟ و آیا اگر کسی در راه خدا مقاومت کند تنها خواهد ماند؟

۵ — با توجه به انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌هایی که به خاطر دارید بیان کنید.

درس بیست و دوم
افتخار به گذشتگان

عده‌ای از آنان که مسلمان نبودند به گذشتگان خود افتخار می‌کردند، از زیادی قوم و قبیله خود سخن می‌گفتند، تا جایی که مردگان خود را نیز به حساب می‌آوردند و بدین وسیله می‌خواستند بفهمانند که عده آنان از دیگران بیشتر است.

خدا این سوره را فرستاد، افتخار به این چیزهای بیهوده و خیالی را ناپسند شمرد، و مردم را به ایمان و کارهای شایسته دعوت کرد و برای سرزنش این افراد چنین فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهِیْکُمْ التَّکَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ * کَلَّا سَوْفَ

تَعْلَمُونَ * ثُمَّ کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ * کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ

عِلْمَ الْیَقِینِ * لِتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عِینَ

الْیَقِینِ * ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«آن چنان به افزون نشان دادن ثروت و افراد قبیله خود سرگرم شده‌اید که خدا را از یاد برده‌اید، تا جایی که بر سر قبر مردگان خود رفتید و آنان را هم جزو قبیله خود به حساب آوردید، هرگز این مایه افتخار نیست، به زودی خواهید دانست، بدانید که چنین نیست و به زودی خواهید فهمید، هرگز چنین نیست، اگر به یقین حقیقت را می‌دانستید، عذاب و گرفتاری جهنم را در پیش روی خود می‌دیدید. پس از این هم، در قیامت آن را عیان خواهید دید. سپس در آن روز از شما درباره نعمتهای سرشاری که خداوند به شما داده است سؤال خواهد شد، که آنها را در چه راهی صرف کردید.»

تمرین و تکلیف:

— سورة تکوین را دو یا سه بار با صدای زیبا بخوانید و یک بار بنویسید و سپس به سؤالات زیر

پاسخ دهید:

- ۱ — غیرمسلمانان به چه چیزهایی افتخار می‌کنند؟
- ۲ — نعمتهای الهی را در چه راهی باید صرف نمود؟
- ۳ — در روز قیامت از چه چیز سؤال خواهد شد؟
- ۴ — در زمان ما افتخار به نیاکان به چه صورت انجام می‌گیرد؟
- ۵ — ارزش هر کس در اسلام به چیست؟

درس بیست و سوم

پرهیز از عیبجویی، طعنه زدن، و به ثروت خود بالیدن

در سوره هُمَزَه خدا بعضی صفات مردم زیانکار را چنین بیان می کند:

۱ - عیبجویی کردن از مردم، به این ترتیب که شخص پشت سر دیگران بدگویی کند، تا باعث شرمندگی و رسوایی آنان شود.

۲ - مسخره کردن دیگران و طعنه زدن به آنان، به طوری که شخص در حضور کسی با گفتن حرفهای زننده و اشاره ها و شوخیهای مسخره آمیز، آبروی او را بریزد و او را ناراحت نماید.

۳ - آن که کسی به ثروت زیاد خود بیالذ و فکر کند پول زیاد باعث زندگی جاوید او خواهد شد و بدین ترتیب، همیشه در فکر جمع آوری و اندوختن مال باشد، بی آن که از آن در راه رفاه زندگی خانواده خود و کمک به دیگران استفاده نماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِي جَمَعَ مَالًا

وَعَدَدَهُ * يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ * كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي

الْحُطْمَةِ * وَ مَا أَذْرِيكَ مَا الْحُطْمَةُ * نَارُ اللَّهِ

المَوْقِدَةُ * الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْتَدَةِ * إِنَّهَا عَلَيْهِمُ

مَوْصِدَةٌ * فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«وای بر هر که عیبجو و طعنه زن است. آن کس که ثروت می اندوزد، پی در پی آن را می شمارد و گمان می کند این پولها باعث زندگی جاوید او خواهد شد. هرگز چنین نیست، این مردم بدکار در دوزخی خواهند افتاد که ناراحت کننده و درهم کوبنده است. می دانی این عذاب خُرد کننده چیست؟! آتشی است که خدا افروخته و بر دلها سر می کشد. آتشی که آنها را در کام خویش فرو می برد، در ستونهایی بس دور و دراز.»

تمرین و تکلیف:

— سورة هُمَزَه را دو یا سه بار با صدای زیبا و لهجه عربی بخوانید.

— از روی سوره یک بار بنویسید و به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱ — سه صفت از مردم زیانکار را بگویید و سپس بنویسید.

۲ — چرا بعضی مردم فقط به فکر جمع آوری پول و ثروت می افتند؟

۳ — سرانجام مردم عیبجو، مسخره گر، پول دوست چه خواهد بود؟

درس بیست و چهارم
وقتی رستاخیز بپا شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ
أَنْقَالَهَا * وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا * يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ
أَخْبَارَهَا * بَانَ رَبُّكَ أَوْحَىٰ لَهَا * يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ
النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ *

به نام خداوند بخشنده مهربان

«وقتی در سراسر زمین زلزله بزرگی روی دهد و زمین آنچه را که در خود پنهان دارد بیرون ریزد، و آدمی با نگرانی بپرسد: چه خبر است؟ در آن روز زمین داستانهای خویش را بازگو می‌کند که پروردگارت به او چنین فرمان داده است. در آن روز مردم دسته‌دسته از زمین بیرون می‌آیند، تا نتیجه کارهای خود

را ببینند. هر کس ذره‌ای نیکی کند، پاداش آن را می‌بیند و هر کس ذره‌ای بدی کند به جزای آن می‌رسد.»

تمرین و تکلیف:

— سورة زلزال را با دقت و با صدای زیبا بخوانید و سپس به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱ — آیا می‌توانید سه علامت روز قیامت را با استفاده از ترجمه‌سوره بیان نمایید؟

۲ — آیا کاری و یا عملی بدون محاسبه خواهد ماند؟

درس بیست و پنجم
آیه الکرسی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَهُ مَا
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا
بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ، وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ،
وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا، وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ *

«خدای یکتا، که جز او خدایی نیست زنده و پایدار است، همه چیز به او
برپاست. نه چرت می‌زند و نه خوابش می‌گیرد. آنچه در آسمانها و زمین است،
از اوست. کیست که درباره دیگری نزد او شفاعت و سفارشی کند، جز
با اجازه و خواست او؟ از آنچه هست و آنچه پس از این پیدا می‌شود آگاه
است. هیچ کس نمی‌تواند قسمتی از دانش بی‌پایانش را فرا گیرد، جز آنچه را
که او بخواهد. قلمرو فرمانروایی‌اش، همه آسمانها و زمین است. از نگهداری
آنها ناتوان نمی‌شود. و او بلندمرتبه و بزرگوار است.»

تمرین و تکلیف:

- ۱- آیه‌الکرسی را دو یا سه بار با صدای زیبا و لهجه عربی بخوانید.
آیا می‌توانید این آیه پر عظمت را بعد از پنج بار خواندن حفظ کنید؟
حالا به دوست خود امتحان دهید و از او بخواهید برای شما نمره‌ای تعیین کند.
۲- اگر خواستید یک بار با خط زیبا این آیه را بنویسید.

اکنون به سوالات زیر پاسخ دهید:

- ۱- هر دو جهان به چه چیز پابرجاست؟
۲- چه کسی از گذشته و حال و آینده آگاه است؟
۳- آسمانها و زمین قلمرو فرمانروایی کیست؟

لَا أَكْرَاهُ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، فَمَنْ يَكْفُرْ
 بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى،
 لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا
 يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ، يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ *

«در پذیرفتن دین، زور و اجباری نیست. اینک راه هدایت از گمراهی جدا شده
 است. پس کسی که از سرکشان رو برتافت و به خدا ایمان آورد، به راستی به
 پیوند محکم الهی چنگ زده است، پیوندی که هیچ گاه بریده نخواهد شد؛ و خدا
 شنوا و بیناست. خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنان را از

تاریکیها به روشنایی می برد؛ اما آنان که کافر شدند، گرفتار طاغوت (رهبرانی سرکش) هستند که آنها را از روشنایی به تاریکیهای گمراهی می کشانند؛ آنان گرفتار آتشند و در آن جاودانه خواهند بود.»

تمرین و تکلیف:

- این آیات را دو یا سه بار با صدای زیبا و لهجه عربی بخوانید.
- قدرت حافظه خود را بیازمایید و ببینید پس از چند بار خواندن حفظ می شوید؟
- اکنون پس از اطمینان از یادگیری این آیات، به سوالات زیر پاسخ دهید:
- ۱ — سرپرست ایمان آوردگان کیست؟
- ۲ — طاغوت سرپرست چه کسانی است؟
- ۳ — طاغوت انسانها را به کجا راهنمایی می کند و پایان کارشان چه خواهد شد؟

قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن

(ویژہ امور تربیتی)

ردیف	نام و نام خانوادہ	پست و مقام	تاریخ
۱	محمد علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۲	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۳	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۴	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۵	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۶	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۷	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۸	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۹	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵
۱۰	علی محمدی	مدرسہ اسلامیہ	۱۳۸۵

دانش‌آموزان عزیز:

اکنون که به یاری خداوند با قرآن مجید آشنا شده‌اید و ارزش و اهمیت آموختن قرآن و سپس عمل کردن به آن را می‌دانید، چه بهتر که با علاقمندی بیشتر در این راه بکوشید تا بهره‌های فراوان‌تر از این گنجینه بزرگ الهی ببرید. از اینرو با شرکت فعال در برنامه قرآن صبحگاهی و مسابقات قرآن علاقمندی هرچه بیشتر خود را به قرآن مجید نشان دهید و آمادگی بهتر برای استفاده از این کتاب مقدس و ارزشمند را بدست آورید.

اکنون برای آشنائی بیشتر با این برنامه، جدول زیر را نگاه کنید. در این جدول با آیات و احادیثی که باید بیاموزید و مطالبی که باید به خاطر بسپارید و حفظ کنید و امتیازات آنها برای مسابقات آشنا می‌شوید. برای آگاهی بیشتر می‌توانید به مربی پرورشی و ستاد قرآن در مدرسه خود مراجعه کنید.

جدول امتیازات مواد آموزش و مسابقات قرآن گروههای «ق» کلاس سوم - «ر» کلاس چهارم «الف» کلاس پنجم ابتدائی

مواد	توضیحات	مجموع ۸۰۰
قرائت	صحت قرائت کتاب قرآن درسی	۱۰۰
	صوت و لحن	۱۵۰
حفظ و مفاهیم	قرائت و ترجمه نماز	۱۰۰
	حفظ شعارهای هفته با ترجمه	۱۰۰
	حفظ سوره‌های کتاب قرآن درسی	۲۰۰
اخلاق و رفتار	اخلاق و رفتار در منزل و مدرسه	۱۵۰

در صفحات بعد اذان و اقامه و نماز و ترجمه آنها و نیز احادیث و شعارهای هفته در اختیار شما گذاشته می شود تا انشاء الله با آمادگی کامل در هفته قرآن در مسابقات شرکت کنید و امتیازات خوبی بدست آورید. امیدواریم که شاگرد شایسته قرآن و اسلام باشید و توجه کنید که «برتری قرآن بر دیگر کتابها چون برتری خالق است بر مخلوق و احترام به قرآن، احترام به خدا و پیامبر است». برای آیات و سوره های تعیین شده می توانید از سوره های همین کتاب و نیز قرآنهای موجود استفاده کنید.

۱۰۸	سوره ناس	۱۰۸
۱۰۷	سوره فلق	۱۰۷
۱۰۶	سوره اخلاص	۱۰۶
۱۰۵	سوره بقره	۱۰۵
۱۰۴	سوره آل عمران	۱۰۴
۱۰۳	سوره اعراف	۱۰۳
۱۰۲	سوره انفطار	۱۰۲
۱۰۱	سوره بقره	۱۰۱

نماز و ترجمه آن

﴿ اذان و اقامه ﴾

اذان		اقامه
۴ بار	اَللّٰهُ اَكْبَرُ	۲ بار
	خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ	۲ بار
	گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللّٰهِ	۲ بار
	گواهی می‌دهم محمد (ص) پیامبر و فرستاده خداست.	
۲ بار	اَشْهَدُ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللّٰهِ	۲ بار
	گواهی می‌دهم علی (ع) ولی خداست.	
۲ بار	حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ	۲ بار
	بشتاب بسوی نماز.	
۲ بار	حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ	۲ بار
	بشتاب بسوی رستگاری.	
۲ بار	حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ	۲ بار
	بشتاب بسوی بهترین عمل.	
نمی‌خوانیم	قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ	۲ بار
	همانا نماز برپا شد.	

۲ بار

اللهُ أَكْبَرُ

۲ بار

خدا بزرگتر از آن است که وصف شود.

۲ بار

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ

۱ بار

نیست خدائی جز خدای یگانه.

﴿ قرائت ﴾

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سپاس مخصوص خدائی است که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که بخشنده و مهربان است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

صاحب اختیار روز جزا و قیامت است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راه کسانی که به ایشان نعمت داده‌ای.

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو خدا یکتاست.

اللَّهُ الصَّمَدُ

خدا از هر چیز و هر کس بی‌نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نزائیده و زائیده نشده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

هیچکس همتای او نیست.

﴿ ذَكَرَ رُكُوع ﴾

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

پاک و منزّه است پروردگار بزرگ من و او را ستایش می‌کنم.

﴿ ذَكَرَ سُجُود ﴾

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

منزه است پروردگار بلند مرتبه من و من او را ستایش می‌کنم.

﴿ قنوت ﴾

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار.

﴿ ذکر بعد از رکوع ﴾

سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
خدا ستایش کسی که او را می ستاید می شنود.

﴿ ذکر هنگام برخاستن ﴾

بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ
به حول و قوه خداوند برمی خیزم و می نشینم.

﴿ تسبیحات اربعه ﴾

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
پاک و منزّه است خدا و ستایش مخصوص خداست.
وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ
و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است.



أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

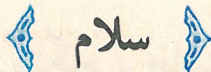
یکتاست و شریکی ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

و گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده او و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا بر محمد (ص) و آل او درود و رحمت بفرست.



السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکتهای خدا بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر شما و رحمت و برکتهای خدا بر شما باد.

﴿ برنامه هفتگی قرآن صبحگاهی دوره ابتدائی ﴾

هفته اول

قرائت: سوره حمد و سوره توحيد

شعار هفته: جهاد

الْجِهَادُ عِمَادُ الدِّينِ وَ مِنْهَاجُ السُّعْدَاءِ.

ترجمه: جهاد و مبارزه در راه خدا ستون دين و راه نيکبختان است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكْمِ)



هفته دوم

قرائت: سوره مسد و سوره ماعون

شعار هفته: احترام و مقام معلم

تَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ.

ترجمه: به کسی که علم از او می آموزید احترام کنید.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بَحَارُ الْأَنْوَارِ)



هفته سوم

قرائت: سوره هُزْه

شعار هفته: دوست یابی

صَاحِبِ الْعُقَلَاءِ وَ جَالِسِ الْعُلَمَاءِ.

ترجمه: با خردمندان هم سخن و با دانشمندان همنشین باش.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكْمِ)

هفته چهارم

قرائت: سورة قارعه

شعار هفته: احترام به پدر و مادر

عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْكَبَائِرِ.

ترجمه: آزار پدر و مادر از بزرگترین گناهان است.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بِحَارُ الْأَنْوَارِ)



هفته پنجم

قرائت: سورة حاقه آیات ۱ تا ۱۰

شعار هفته: سلام

إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ.

ترجمه: کسی که اول سلام می کند بخدا و رسول خدا نزدیکتر است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (بِحَارُ الْأَنْوَارِ)



هفته ششم

قرائت: سورة ناس و سورة عصر

شعار هفته: ناسزاگویی

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ فَاحِشٍ مُتَفَحِّشٍ.

ترجمه: خداوند فحش دهنده و ناسزاگو را دوست نمیدارد.

امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بِحَارُ الْأَنْوَارِ)

هفته هفتم

قرائت: سورة عاديات

شعار هفته: نماز

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ.

ترجمه: محبوبترین اعمال نزد خداوند متعال نماز است.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (وسائل الشيعه)



هفته هشتم

قرائت: آیات ۱ تا ۵ سورة بيّنه

شعار هفته: خوش اخلاقی

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.

ترجمه: براستی که بهترین نیکی اخلاق نیکوست.

امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بحار الأنوار)



هفته نهم

قرائت: آیات ۶ تا ۸ سورة بيّنه

شعار هفته: پر خوری

مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَصَفَا قَلْبُهُ.

ترجمه: هرکس که غذایش کم باشد بدنش سالم و قلبش پاکیزه است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (تنبيه الخواطر)

هفته دهم

قرائت: سوره تکاثر و سوره تین

شعار هفته: اذیت و آزار

الْحَازِمُ مَنْ كَفَّ أَذَاهُ.

ترجمه: عاقل کسی است که از آزار و اذیت خودداری کند.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكْمِ)



هفته یازدهم

قرائت: سوره ضحی

شعار هفته: شجاعت

الْعِزُّ أَفَةُ وَالصَّبْرُ شُجَاعَةٌ.

ترجمه: ناتوانی برای انسان بلا و صبر داشتن شجاعت است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (نهج البلاغه)



هفته دوازدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۱ سوره لیل

شعار هفته: اسراف

السَّرَفُ مَثْوَاةٌ وَالْقَصْدُ مَثْرَاءٌ.

ترجمه: زیاده روی فقر و تنگدستی است و میانه روی ثروت و بی نیازی است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بحار الأنوار)

هفته سیزدهم

قرائت: آیات ۱۲ تا ۲۱ سورة لیل

شعار هفته: احسان و نیکی

بِالْإِحْسَانِ تَمْلِكُ الْقُلُوبَ.

ترجمه: بانیکی دلها جذب می شوند.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) (غُرَرُ الْحِكْم)



هفته چهاردهم

قرائت: سورة قدر و فلق

شعار هفته: حسد

إِيَّاكَ وَالْحَسَدَ فَإِنَّهُ شَرُّ شَيْمَةٍ.

ترجمه: از حسد بدور باش زیرا حسد بدترین رفتارهاست.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) (غُرَرُ الْحِكْم)



هفته پانزدهم

قرائت: سورة شمس

شعار هفته: مسواک زدن

نَظِّفُوا أَفْوَاهَكُمْ فَإِنَّهَا طُرُقُ الْقُرْآنِ.

ترجمه: دهان خود را تمیز نگهدارید زیرا دهان شما وسیله تلاوت قرآن است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (كَنْزُ الْعَمَال)

هفته شانزدهم

قرائت: سوره فیل و قریش

شعار هفته: صبر

الصَّبْرُ يُعَقِّبُ خَيْرًا فَاصْبِرُوا تَظْفِرُوا.

ترجمه: بدنبال صبر نیکی و خوبی است. پس صبور باشید تا پیروز شوید.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (بِحَارُ الْأَنْوَارِ)



هفته هفدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۰ سوره بلد

شعار هفته: راستگویی

الصَّادِقُ مُكْرَمٌ جَلِيلٌ.

ترجمه: راستگو عزیز و بزرگوار است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكَمِ)



هفته هیجدهم

قرائت: آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره بلد

شعار هفته: عیبجویی

تَتَّبِعُ الْعُيُوبِ مَنْ أَقْبَحَ الْعُيُوبِ وَ شَرُّ السَّيِّئَاتِ.

ترجمه: عیبجویی از زشت‌ترین عیبه‌ها و بدترین بدیهاست.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكَمِ)

هفته نوزدهم

قرائت: آیات ۱ تا ۱۵ سورة فجر

شعار هفته: قرآن

اقْرَؤُوا الْقُرْآنَ وَاسْتَظْهِرُوهُ.

ترجمه: قرآن را بخوانید و از آن یاری بجوئید.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (بِحَارِ الْأَنْوَارِ)



هفته بیستم

قرائت: آیات ۱۶ تا ۳۰ سورة فجر

شعار هفته: ادب

لَا زِينَةَ كَالْأَدَبِ.

ترجمه: هیچ زینتی برای انسان مثل ادب نیست.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرُرُ الْحِكَمِ)



هفته بیست و یکم

قرائت: سورة نصر و کافرون

شعار هفته: امانت‌داری

الْأَمَانَةُ وَالْوَفَاءُ صِدْقُ الْأَفْعَالِ.

ترجمه: امانت‌داری و وفای به عهد از کارهای خوب و پسندیده است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرُرُ الْحِكَمِ)

هفته بیست و دوم

قرائت: سورة انشراح و کوثر

شعار هفته: دعا

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ.

ترجمه: دعا از بهترین عبادتهاست.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (کنز العمال)



هفته بیست و سوم

قرائت: سورة زلزال

شعار هفته: نظافت

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَظِيفٌ يُحِبُّ النُّظَافَةَ.

ترجمه: براستی که خداوند متعال خود پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) (نهج الفصاحة)



هفته بیست و چهارم

قرائت: آية الكرسي

شعار هفته: عهد و پیمان

أَلَوْفَاءُ سَجِيَّةُ الْكِرَامِ.

ترجمه: وفای بعهد اخلاق بزرگان است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (غُرَرُ الْحِكْمِ)